

# HameChiKadeh.Com



کتابخانه و مرجع جزوایت همه چی کده

**Lib.HameChiKadeh.Com**

وبسایت همه چی کده

# آموزش قرائت قرآن



تألیف و تدوین:

هیأت محققین پژوهشکده قرآن و عترت  
معاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی

## فهرست

پیشگفتار	.....	.....
۷.	.....	.....
دعای قبل از تلاوت قرآن	.....	.....
<b>بخش اول: قرائت</b>		
درس ۱ - قرآن و آداب تلاوت آن	.....	.....
۱۳.	.....	.....
۱- طهارت	.....	.....
۱۵.	.....	.....
۲- اخلاص	.....	.....
۱۵.	.....	.....
۳- دعاء	.....	.....
۱۵.	.....	.....
۴- استعاذه	.....	.....
۱۷.	.....	.....
۵- بسمله	.....	.....
۱۷.	.....	.....
۶- صدای نیکو و آهنگ دلنشیں	.....	.....
۱۸.	.....	.....
۷- سکوت و انصات	.....	.....
۱۸.	.....	.....
۸- ترتیل	.....	.....
۱۹.	.....	.....
۹- تذیر	.....	.....
۱۹.	.....	.....
۱۰- خشوع در تلاوت	.....	.....
۲۰.	.....	.....
سوره فاتحه الكتاب	.....	.....
۲۱.	.....	.....
مفاهیم / گسترش فرهنگ شکرگزاری	.....	.....
۲۲.	.....	.....
درس ۲ - آشنایی با صامت‌ها و مصوت‌ها	.....	.....
۲۵.	.....	.....
صامت‌ها	.....	.....
۲۵.	.....	.....
حروف مقطعه در قرآن	.....	.....
۲۶.	.....	.....
مصطفوت‌ها	.....	.....
۲۸.	.....	.....
فتحه و الف مدی	.....	.....
۲۹.	.....	.....
کسره و یاء مدی	.....	.....
۳۰.	.....	.....
ضمه و واو مدی	.....	.....
۳۰.	.....	.....
سوره‌ی تین	.....	.....
۳۲.	.....	.....
مفاهیم / اوجه اعجاز قرآن	.....	.....
۳۲.	.....	.....

۳۵.	درس ۳ - آشنایی با نشانه‌ها
۳۵.	سکون
۳۵.	نشانه‌ی سکون
۳۶.	تشدید
۳۷.	توبین
۳۸.	سوره‌ی مطففين
۴۰.	مفاهیم / ایمان و عمل صالح
۴۳.	درس ۴ - حروف ناخوانا
۴۳.	حروف همیشه ناخوانا
۴۳.	پایه همزه
۴۴.	پایه الف مدی
۴۴.	الف بعد از واو
۴۵.	واو مدی در شش کلمه
۴۶.	سوره‌ی بروج
۴۸.	مفاهیم / ابرار
۴۹.	درس ۵ - حروف گاهی ناخوانا
۴۹.	همزه وصل
۵۰.	همزه وصل در فعل‌ها
۵۰.	حروف مدی نزد همزه وصل
۵۱.	لام تعریف (ال) نزد حروف شمشی
۵۲.	سوره‌ی تکویر
۵۴.	مفاهیم / اخلاق
۵۷.	درس ۶ - اشباع‌هاء ضمير و التقاء ساکنین
۵۷.	اشباع‌هاء ضمير
۵۸.	التقاء ساکنین
۵۸.	توبین در برخورد با حرف ساکن
۶۰.	سوره‌ی عبس
۶۲.	مفاهیم / تزکیه‌ی نفس
۶۵.	درس ۷ - وقف و علامه آن
۶۵.	وقف
۶۵.	۱- وقف به ابدال
۶۷.	۲- وقف به اسکان

67 . . . . .	وقف به حرکت و وصل به سکون
68 . . . . .	علام وقف و عدم آن
70 . . . . .	سوره‌ی نازعات
74 . . . . .	مفاهیم / خوف.

### بخش دوم: تجوید

درس ۸ - تلفظ حروف «و، ث، ذ، ح، ع، غ» (۱) . . . . .	
79 . . . . .	حرف و
79 . . . . .	حرف ث
80 . . . . .	حرف ذ
80 . . . . .	حرف ح
81 . . . . .	حرف ع
81 . . . . .	حرف غ
82 . . . . .	
84 . . . . .	سوره‌ی حجرات
88 . . . . .	مفاهیم / آداب سخن گفتن
درس ۹ - تلفظ حروف «ض، ط، ظ، هـ» (۲) . . . . .	
91 . . . . .	حرف ط
91 . . . . .	حرف ض
92 . . . . .	حرف ظ
92 . . . . .	حرف هـ
93 . . . . .	
94 . . . . .	سوره‌ی لقمان
96 . . . . .	مفاهیم / ویژگی‌های محسنین
درس ۱۰ - آشنایی با صفات مهم حروف . . . . .	
99 . . . . .	استعلاه
99 . . . . .	اطلاق
100 . . . . .	استفال
100 . . . . .	قلقله
100 . . . . .	غده
101 . . . . .	لین
102 . . . . .	سوره‌ی ق
104 . . . . .	مفاهیم / قلب سالم

درس ۱۱ - تفحیم و ترقیق	۱۰۷
تفحیم	۱۰۷
موارد تفحیم	۱۰۷
ترقیق	۱۰۷
احکام حرف «را»	۱۰۸
شرایط تفحیم حرف راء	۱۰۸
شرایط ترقیق حرف راء	۱۰۹
احکام حرف لام	۱۰۹
سوره‌ی جمعه	۱۱۰
سوره‌ی منافقون	۱۱۲
مفاهیم / جایگاه مصیبیت‌ها در زندگی انسان	۱۱۴
درس ۱۲ - احکام نون ساکن و تنوین(۱)	۱۱۷
اظهار	۱۱۷
ادغام	۱۱۸
سوره‌ی طور	۱۲۰
مفاهیم / نماز شب	۱۲۴
درس ۱۳ - احکام نون ساکن و تنوین(۲)	۱۲۷
اقلاب	۱۲۷
اخفاء	۱۲۷
مراحل اخفاء	۱۲۸
سوره‌ی حیدر	۱۳۰
مفاهیم / قرآن و خشوع قلب	۱۳۲
درس ۱۴ - احکام مد	۱۳۵
عناصر تشکیل دهنده‌ی مد	۱۳۵
انواع مد فرعی	۱۳۵
مد لازم	۱۳۶
مد لین	۱۳۶
سوره‌ی مجادله	۱۳۸
مفاهیم / تزدیکی خدا به انسان	۱۴۰
دعای پایان تلاوت قرآن	۱۴۲

## پیشگفتار

قرآن و عترت، دو میراث آسمانی و جاودان پیامبر عظیم الشان اسلام حضرت محمد ﷺ است که همچون دو اقیانوس بی کران و چشم‌های پیشگفتاری داشته باشد. این دو میراث در تاریخ اسلام و ایران نقش بسیاری داشته‌اند و از این‌روزگار پیش از اسلام تا امروز این دو میراث را می‌توان در اسلام و ایران مشاهده کرد.

آشنایی با قرآن کریم و انس با آیات روح‌بخش و جان فزای آن، بستر مناسبی برای دریافت رحمت گستره و فراگیر آفریدگار هستی است که دریچه‌ای روشن بر تأثیرپذیری از فرهنگ و معارف اسلام ناب محمدی می‌باشد.

از جمله افتخارات دانشگاه آزاد اسلامی طراحی و اجرای دو ساعت درس آشنایی با قرآن کریم در حوزه معاونت فرهنگی است که از سال ۱۳۶۸ در مجموعه دروس تمامی رشته‌ها جای گرفته است و همچون نگینی تابان در میان سرفصل‌های دروس دانشجویان جلوه‌گری می‌کند.

اینک که بیش از ۲۰ سال از این تجربه مفید و ارزشمند می‌گذرد، معاونت فرهنگی دانشگاه (بیژوهشکده قرآن و عترت) با بهره‌گیری از دیدگاه‌های صاحب نظران و اندیشمندان حوزه علوم و معارف قرآن کریم؛ متن درس آشنایی با قرآن کریم را با استفاده از روش‌های نوین آموزشی و مناسب با نیازها و علائق دانشجویان در سه بخش: ۱- قواعد قرائت و تجوید ۲- متن انتخابی جهت تمرین قرائت در کلاس ۳- مفاهیم قرآنی، طراحی نموده است که با توجه به برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای مدرسان قرآن کریم، رجاء واثق دارد که با ارتقاء کیفیت آموزشی جاذبه بیشتری برای دانشجویان داشته باشد.

تعاونت فرهنگی دانشگاه از کلیه اندیشمندان و قرآن پژوهانی که در تهیه و تدوین این کتاب ارزشمند همکاری داشته‌اند تقدیر و تشکر به عمل می‌آورد و از درگاه خداوند متعال برای دست اندکاران این برنامه، استادان گرامی و دانشجویان عزیز توفيق روز افزون مسالت می‌نماید.

تعاونت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی  
پژوهشکده قرآن و عترت



## دعای قبل از تلاوت قرآن

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا كِتَابُكَ الْمُنْزَلُ مِنْ عِنْدِكَ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٌ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ وَ  
كَلَامُكَ النَّاطِقُ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ جَعَلْتَهُ وَهَادِيًّا مِنْكَ إِلَى خَلْقِكَ وَ حَبَلًا مُتَصَلِّا  
فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ عِبَادِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي نَشَرَتُ عَهْدَكَ وَ كِتَابَكَ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ  
نَظَرِي فِيهِ عِبَادَةً وَ قِرَاءَةً فِيهِ فِكْرًا وَ فِكْرِي فِيهِ اغْتِبَارًا وَاجْعَلْنِي مِنْ اتَّعَظَ  
بِبَيْانِ مَوَاعِظِكَ فِيهِ وَاجْتَنَبْ مَعَاصِيكَ وَ لَا تَطْبِعْ عِنْدَ قِرَاءَتِي عَلَى سَمْعِي وَ لَا  
تَجْعَلْ عَلَى بَصَرِي غِشاوةً وَ لَا تَجْعَلْ قِرَاءَةً لَا تَدْبِرَ فِيهَا بِالْأَجْعَلْنِي أَتَدْبِرَ  
ءَ آيَاتِهِ وَ أَحْكَامِهِ وَ أَخِذْنَا بِسَرَایِ دِينِكَ وَ لَا تَجْعَلْ نَظَرِي فِيهِ غَفَلَةً وَ لَا  
قِرَاءَتِي هَذِهِ إِنَّكَ أَنْتَ الرَّءُوفُ الرَّحِيمُ

«بار خدایا! گواهی می دهم که این کتاب همان کتابی است که از سوی تو بر پیامبرت  
محمد بن عبدالله نازل شده و سخن گویای توست که بر زبان پیامبرت جاری  
شده است. خدایا! تو قرآن را از سوی خویش، راهنمای خلق و وسیله ارتباط میان  
خود و بندگان قرار داده ای؛ بارالها من کتابت را که حاوی پیمان توست، گشودم  
پس نگاهم را در آن عبادت و تلاوتم را همراه با اندیشه و اندیشه‌ام را مایه عبرت  
قرارده. پروردگار! مرا از کسانی قرار ده که از اندرزهای آن پند گیرد و از نافرمانی  
تو بر حذر باشد: به هنگام تلاوت آن بر گوشم مهرمگذار و بر چشمم پرده مپوشان.  
خداؤند! تلاوتم را تلاوتی که در آن اندیشه نباشد قرار مده بلکه مرا توفیق ده که  
در آیات و احکام آن بیندیشم و قوانین آیین تو را به کار بندم. خدایا نگاهم را در  
آن مایه غفلت و تلاوتم را بی اثر فرامده، که تو خود مهربان و بخشایشگری».

## قرآن و آداب نمایش آن

### بخش اول:

## قرائت

## درس ۱

### قرآن و آداب تلاوت آن

عمل کتاب آسمانی و معجزه‌ی جاوید و جهانی است که از سوی پروردگار سعی، بر قلب پیامبر گرامی اسلام صلوات الله علیه و آله و سلم نازل شده تا جهانیان را از تاریکی‌های جهالت و شرک، به سوی نور هدایت و یکتاپرستی رهنمون سازد. قرآن با بهترین اسلوب و استوار ترین روش، عالی‌ترین و کامل‌ترین علوم و معارف را که در برگیرنده راه‌های هدایت و سعادت انسان‌ها است، عرضه داشته است.

نخستین گام در آگاهی از معارف قرآن، فراگرفتی قرائت آن است. پیامبر گرامی اسلام صلوات الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «این قرآن، سفره گستردۀ الهی است؛ پس تا می‌توانید آن را فراگرفته و بهره ببرید.»<sup>۱</sup> حضرت علی صلوات الله علیه و آله و سلم فرمودند: «قرآن را بیاموزید زیرا بهترین گفتار است.»<sup>۲</sup> امام صادق صلوات الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «شایسته است مؤمن از دنیا نرود تا قرآن را فراگرفته یا در حال یادگرفتن آن باشد.»<sup>۳</sup> قرائت قرآن، بالاترین عبادت به شمار می‌رود، دل را زنده ساخته و کفاره‌ی گناهان می‌باشد.

قرائت قرآن سبب ترویج فرهنگ قرآنی در جامعه شده و موجب انس و سروکار داشتن مردم با قرآن می‌شود. قاریان و حافظان قرآن، اشراف امت و حاملان و پرچمداران اسلام می‌باشند. پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله و سلم فرمود: «أَشْرَافُ أُمَّتِي حَمَلَةُ الْقُرْآنِ» اشراف امت من حاملان و حافظان قرآن می‌باشند.<sup>۴</sup> حضرت علی صلوات الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند:

۱. مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۶.

۲. نهج البلاغه، ص ۱۶۴.

۳. بخار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۸۰.

۴. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۸۲۶.

«قرآن را نیکو تلاوت کنید زیرا سودمندترین داستان‌ها است».<sup>۱</sup> امام صادق علیه السلام

فرمودند: «جوان مؤمنی که قرآن بخواند، قرآن با گوشت و خون او مخلوط شده و خداوند او را با پیامبران و سفیران بزرگوار خوبیش محشور می‌گرداند و قرآن در روز

قیامت برای او سپری از آتش خواهد بود».<sup>۲</sup> آن حضرت در جای دیگر می‌فرماید:

«قرآن پیمان خداوند به سوی مخلوقش می‌باشد، پس سزاوار است که هر مسلمان

در پیمان نامه خود بنگرد و روزانه حداقل پنجاه آیه از آن را بخواند».<sup>۳</sup>

سفرارش‌های مکرر پیشوایان دینی بر فراغیری و قرائت قرآن و نیز تشویق

مردم به انس با قرآن، گواه صادقی است بر ارزش‌ها و فضیلت‌های نهفته در این

کتاب مقدس؛ بنابراین می‌توان گفت: دانش قرائت قرآن، نقش بسیار مهمی در

ایجاد زمینه‌ی آشنایی و انس با مفاهیم و معارف بلند قرآن بر عهده دارد و در

حقیقت دریجه‌ای برای ورود به دریای بیکران این کتاب انسان ساز می‌باشد.

افزون بر توصیه‌های معصومین بر فراغیری قرائت قرآن، رعایت آداب تلاوت

قرآن نیز مورد تاکید آن بزرگواران قرار گرفته است. رعایت این آداب، قاری قرآن

را در فهم عمیق‌تر آیات قرآن و به کارگیری آن در شئون زندگی، باری می‌نماید.

حضرت امام خمینی(ره) احیاگر بزرگ قرآن در عصر حاضر در این باره می‌فرماید:

«مطلوب در قرائت قرآن کریم آن است که صورت آن نقش بند و اوامر و

نواهی آن تأثیر کند و دعوات آن جایگزین شود و این مطلوب در قلوب حاصل

نشود مگر آن که آداب قرائت ملحوظ شود».<sup>۴</sup>

در اینجا بنابر اهمیت آداب تلاوت، به معرفی برخی از آداب تلاوت قرآن

می‌پردازیم:

۱. نهج البالغه صبحی صالح چاپ بیروت ص ۱۶۴

۲. اصول کافی ج ۲ ص ۶۰۲

۳. اصول کافی ج ۲ ص ۴۴۶

۴. قرآن باب معرفت الله، ص ۶۹

### ۱- طهارت:

سزاوار است قاری قرآن، با طهارت و با وضو باشد. با ظاهري آراسته و لباس پاکيذه و مرتب، همراه با وقار و آرامش، رو به قبله و مانند شاگردی در نزد استاد حاضر گردد.

### ۲- اخلاص:

اخلاص در تلاوت، آن است که قاری قرآن فقط خشنودی خداوند را در نظر داشته باشد. از پیامبر اسلام ﷺ از معنای اخلاص پرسیدند، آن حضرت فرمود: «اخلاص آن است که بگویی پروردگار من خدای یکتا است و بر آن چه امر شده‌ای استوار و ثابت قدم باشی»؛ پیام آور قرآن در جای دیگر می‌فرماید: «کسی که برای خشنودی خدا و به خاطر آگاه شدن از معارف دین اسلام قرآن بخواند پاداش وی مانند پاداش فرشتگان مقرب الهی و پیامبران است.»

### ۳- دعاء:

دعاء حقیقت عبادت است. خدای سبحان در قرآن مجید فرموده است: «ای پیامبر به مؤمنان بگو: اگر دعای شما نباشد پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی‌کند!»

یکی از زمان‌هایی که دعا مناسبت دارد پیش از تلاوت قرآن می‌باشد. امام صادق علیه السلام پیش از تلاوت قرآن هنگامی که مصحف به دست می‌گرفتند این دعا را می‌خوانندند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهُدُ أَنَّ هَذَا كِتَابُكَ الْمُنْزَلُ مِنْ عِنْدِكَ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٌ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ  
كَلَمْكَ الْتَّاطِقُ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ جَعْلَتَهُ وَهَادِيًّا مِنْكَ إِلَى خَلْقِكَ وَ حَبْلًا مُّتَصَلًا  
فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ عِبَادِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي نَشَرَتُ عَهْدَكَ وَ كِتَابَكَ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ

نَظَرٍ فِيهِ عِبَادَةٌ وَ قِرَاءَةٍ فِيهِ فِكْرٌ وَ فِكْرٍ فِيهِ اعْتِبَارٌ وَ اجْعَلْنِي مَمِّنْ اتَّعَذَّلَ  
بِبَيَانِ مَوَاعِظِكَ فِيهِ وَ اجْتَنَبَ مَعَاصِيكَ وَ لَا تَطْبَعْ عِنْدَ قِرَاءَةٍ عَلَى سَعْيٍ وَ لَا  
تَجْعَلْ عَلَى بَصَرِي غِشاَةً وَ لَا تَجْعَلْ قِرَاءَةً لَا تَدْبِرُ فِيهَا بَلْ اجْعَلْنِي إِنَّدَبَرَ  
ءَائِاتِهِ وَ أَحْكَامِهِ وَ اخِذْنِا بِشَرَائِعِ دِينِكَ وَ لَا تَجْعَلْ نَظَرِي فِيهِ غَفَلَةً وَ لَا  
قِرَاءَتِي هَذِهِ إِنَّكَ أَنْتَ الرَّءُوفُ الرَّحِيمُ.

«بار خدایا! گواهی می دهم که این کتاب همان کتابی است که از سوی تو  
بر پیامبرت محمد بن عبدالله نازل شده و سخن گویای توست که بر زبان  
پیامبرت جاری شده است.

خدایا! تو قرآن را از سوی خویش، راهنمای خلق و وسیله ارتباط میان خود  
و بندگانست قراردادهای؛ باراللهها من کتابت را که حاوی پیمان توست، گشودم  
پس نگاهم را در آن عبادت و تلاوتم را همراه با اندیشه و اندیشه‌ام را مایه عبرت  
قرارده.

پروردگارا! مرا از کسانی قرار ده که از اندرزهای آن پند گیرد و از نافرمانی تو  
بر حذر باشد؛ و به هنگام تلاوت آن بر گوشم مهرمگذار و بر چشمم پرده می‌وشان.  
خداؤندا! تلاوتم را تلاوتی که در آن اندیشه نباشد قرار مده بلکه مرا توفیق ده  
که در آیات و احکام آن بیندیشم و قوانین آیین تو را به کار بندم. خدا یا نگاهم را  
در آن مایه غفلت و تلاوتم را بی اثر قرار مده، که تو خود مهربان و بخشایشگری.  
دعاء پس از تلاوت قرآن نیز مستجاب است. در روایتی از امام حسن مجتبی  
آمده است: «من قرأ القرآن كأن له دعوة محاباة» هر کس قرآن بخواند دعای وی  
به اجابت می‌رسد.<sup>۱</sup>

در کتاب بحار الانوار این دعا از امیر مؤمنان علی در پایان تلاوت قرآن  
روایت شده است:

«اللَّهُمَّ اشْرِحْ بِالْقُرْآنِ صَدْرِي وَاسْتَعِمْ بِالْقُرْآنِ بَدْنِي وَنَوْزِ بِالْقُرْآنِ بَصْرِي  
وَاطْلُقْ بِالْقُرْآنِ لِسَانِي وَاعْنِي عَلَيْهِ مَا أَبْقَيْتَنِي فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ».

«بار السَّهَا» به وسیله‌ی قرآن سینه‌ی مرا گشاده گردان، و جسم را با آن به خدمت بگیر و چشم را با قرآن نورانی نما و زبانم را به وسیله‌ی آن گویا کن؛ و تا زنده‌ام مرا در راه قرآن یاری ده، که هیچ نیرو و قدرتی جز به دست تو نیست.»

#### ۴- استعاذه:

استعاذه به معنای پناه بردن و پناهنده شدن به خدا از شر شیطان است، قاری قرآن بیش از تلاوت با گفتن «اعوذ بالله من الشیطان الرجيم» از خدای بزرگ می‌خواهد که او را از شر شیطان حفظ کند؛ خدای متعال فرموده است: «فَإِذَا قَرأتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِدْ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» هنگامی که قرآن می‌خوانی از شر شیطان رانده شده به خدا پناه ببر.<sup>۱</sup>  
 «دام سخت است مگر یار شود لطف خدا ورنه آدم نبرد صرفه ز شیطان رجیم»

#### ۵- بسمله:

بسمله یعنی ذکر بسم الله الرحمن الرحيم سرآغاز کتاب الهی است. بنایین بر زبان آوردن بسمله یا تسمیه در شروع هر کاری سفارش شده است. ذکر بسمله در آغاز تلاوت قرآن از ابتدای سوره‌ها (بجز سوره توبه) لازم است و در میان سوره، گفتن بسمله اولویت دارد. خداوند متعال به نبی مکرم اسلام ﷺ فرمودند: «إِنَّ رَبَّكَ الَّذِي خَلَقَ» ای پیامبر بخوان به نام پروردگارت که انسان را آفرید. امام صادق ع فرمودند: «درهای معصیت را با استعاذه بیندید و درهای طاعت را با تسمیه باز کنید». <sup>۲</sup>

۱. سوره نحل، آیه ۹۸

۲. سوره علق، آیه ۱

۳. سفينة البحار ج ۲ ص ۴۱۷

#### ۶- صدای نیکو و آهنگ دلنشیین:

قرائت قرآن با صوت زیبا و حزین، همراه با آهنگ دلنشیین و مناسب و لحن عربی، از دیگر آداب تلاوت قرآن می‌باشد. پیامبر گرامی اسلام<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> می‌فرمایند: «إِنَّ حُسْنَ الصُّوتِ زِينَةُ الْقُرْآنِ» صدای زیبا، زینت قرآن است.<sup>۱</sup>

صدای زیبا و آهنگ موزون و دلنشیین در تلاوت قرآن، سبب می‌شود تا قرآن در اعماق وجود انسان وارد شده و تأثیر شگرفی در روح و جان وی گذاشته و سبب نشر و ترویج فرهنگ قرآنی گردد.<sup>۲</sup>

در اینجا شایسته است عمق تأثیر قرائت با صدای زیبا را از استاد شهید مرتضی مطهری نقل کنیم:

«من خودم واقعاً از شنیدن قرآن لذت می‌برم؛ واقعاً زیبایی قرآن را حس می‌کنم مخصوصاً اگر با آهنگ لطیف و زیبایی خوانده شود؛ این قرآن‌های عبدالباسط تأثیرش عجیب است؛ من وقتی قرآن را با این آهنگ‌ها می‌شنوم خیلی لذت می‌برم؛ این حلاوت و شیرینی قرآن از وجوده اعجاز قرآن کریم است.<sup>۳</sup>

#### ۷- سکوت و انصات:

گوش فرادادن و سکوت همراه با توجه در هنگام قرائت قرآن، یکی دیگر از آداب تلاوت است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاتَّسْمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَكُمْ تُرْحَمُونَ»<sup>۴</sup>

«چو قرآن بخوانند دیگر خموش      به آیات قرآن فرادار گوش» در فضیلت استماع قرآن از امیر مؤمنان علی<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> نقل شده است که می‌فرمایند: «من استمع آیة من کتاب الله خیر من شبیر ذهبا» هر کس آیه‌ای از کتاب خدا را استماع نماید برای او از کوه بزرگی از طلا بهتر است.<sup>۵</sup>

۱. بحار الانوار ج ۸۹، ص ۱۹۰.

۲. نیوت، استاد مطهری ص ۲۳۵.

۳. اعراف، ۲۰۴.

۴. بحار الانوار ج ۸۹، ص ۲۰.

### -۸- ترتیل:

از مهم‌ترین آداب تلاوت قرآن، ترتیل در قرائت می‌باشد، ترتیل به معنای نظم و ترتیب موزون است و عبارت از: خواندن قرآن به صورت منظم و شمرده می‌باشد، به گونه‌ای که حروف کلمات، صحیح و فصیح ادا شده و جملات از یکدیگر جدا و متمایز گردد.

ترتیل در قرائت قرآن، زمینه‌ی درک صحیح و عمیق آیات قرآن را فراهم کرده و تدبیر و اندیشه در آن را موجب می‌شود.

### -۹- تدبیر:

تدبیر در قرآن و توجه به معانی آیات و اندیشیدن در آن بسیار اهمیت دارد. خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «**كِتَابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِتَتَذَكَّرُوا لُولُوا لَلْبَابِ**» این قرآن، کتاب مبارکی است که آن را به سوی تو ای پیامبر نازل کردیم تا مردم در آیات آن بیندیشند و خردمندان از آن پند گیرند.<sup>۱</sup>

حضرت علی علیہ السلام می‌فرمایند: «**لَا حَيْرَ فِي قِرَاءَةِ لَيْسَ فِيهَا تَدْبِيرٌ**»، در قرائتی که همراه با تدبیر نباشد خیری نیست.<sup>۲</sup> امام صافی علیہ السلام در دعای پیش از تلاوت قرآن از خدا طلب می‌کند که: «**وَلَا تَجْعَلْ قِرَاءَتَنِي قِرَاءَةً لَا تَدْبِيرٌ فِيهَا**» خداوندا قرائتم را قرائتی که در آن تدبیر نباشد قرار مده.

تدبیر در قرآن آن است که قاری قرآن، به معانی آیات توجه نموده و در آن تفکر کند و از معارف آن درس گرفته و از داستان‌ها و سرگذشت‌های آن عبرت آموزد.



۱. سوره حسن آیه ۲۹

۲. بحار الانوار ج ۸۹ ص ۲۱۰

## ۱۰- خشوع در تلاوت:

یکی از هدف‌های بسیار مهم تلاوت قرآن تأثیر پذیری از آیات قرآن است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «افزعوا به قلوبكم القاسية» دل‌های خویش را به وسیله‌ی قرائت قرآن نرم کرده و بترازند؛ آن حضرت در روایت دیگری فرمودند: «من قرأ القرآن ولم يخضع لله ولم يرق قلبه ولا يكسب حزناً ووجلاً في سره فقد استهان بعظم شأن الله وخسراناً مبيناً» هر کس قرآن بخواند ولی در مقابل خدا خضوع نکند و دلش نرم نشود و در باطن خویش، اندوه و ترس کسب نکند خدای عظیم الشأن را سبک شمرده و زیان آشکاری برده است.<sup>۱</sup>

خشوع در تلاوت از آداب باطنی تلاوت سرچشمه می‌گیرد؛ چنان‌چه قاری قرآن بداند کلام پروردگار را بر زبان جاری می‌سازد و جایگاه متکلم را بشناسد و خویشن را مخاطب این سخنان بداند به گونه‌ای که گویا آن را از پیامبر اکرم علیه السلام یا جبرئیل یا پروردگار متعال می‌شنود؛ این امر سبب حضور قلب و تدبیر و فهم عمیق‌وی شده و در این صورت، هیچگاه انسان به خودش با دید رضایت نمی‌نگرد و این حالت است که به خشیت و خشوع می‌انجامد.

در پایان این حدیث از پیامبر اکرم نقل می‌گردد که: «أَيُّ النَّاسِ أَحَسَّ صَوْتاً بِالْقُرْآنِ؟ قَالَ مَنْ إِذَا سَمِعَتْ قِرائَتَهُ رَأَيَّ أَنَّهُ يَخْشَى اللَّهَ، از رسول خدا علیه السلام سؤال شد کدامیک از مردم در قرائت قرآن خوش صدا تراست؟ فرمودند وقتی قرائتش را بشنوی، احساس کنی از خدا ترس دارد و آثار خشیت در قرائتش آشکار است.»<sup>۲</sup>

۱. مصباح الشریعه.

۲. بحار الانوار ج ۸۹ ص ۱۹۵

سُورَةُ الْقَاتِعَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١﴾ أَرَأَيْتَنَا رَحْمَنَ الرَّحِيمِ ﴿٢﴾ مَالِكَ يَوْمِ الدِّينِ ﴿٣﴾ إِنَّا نَعْبُدُ  
وَإِنَّا نَسْتَعِينُ ﴿٤﴾ إِنَّهُدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿٥﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ  
غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿٦﴾

سوره‌ی حمد

- ۱- به نام خداوند بخشنده‌ی بخشایشگر.
- ۲- ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.
- ۳- [خداوندی که] بخشنده و بخشایشگر است [و رحمت عام و خاصش همگان را فرا گرفته].
- ۴- [خداوندی که] مالک روز جزاست.
- ۵- [پروردگار!] تنها تو را می‌پرستیم؛ و تنها از تو یاری می‌جوییم.
- ۶- ما را به راه راست هدایت کن...
- ۷- راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی؛ نه کسانی که بر آنان غصب کرده‌ای؛ و نه گمراهان.



## مفاهیم

آیه: الحمد لله رب العالمين

«ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.»

### گسترش فرهنگ شکرگزاری

آفریدگار هستی، با واجب ساختن تکرار این آیه در تمام نمازهای واجب و مستحب، در حقیقت زمینه‌ی گسترش فرهنگ شکرگزاری در میان مسلمانان را فراهم می‌آورد تا اولاً جوامع دینی از نعمت‌های بی‌شمار خداوند در زندگی بهره‌برداری کنند و ثانياً با شکرگزاری از نعمت‌ها، زمینه‌ی افزایش نعمت برای ایمان آورندگان فراهم آید. چرا که قرآن می‌فرماید: «لَئِنْ شَكَرْتَمْ لَازِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتَمْ إِنَّ عَذَابَيْ لَشَدِيدٌ»؛ «اگر شکر گویید بر نعمت‌های شما می‌افزایم و اگر ناسیاسی ورزید عذاب من بسیار سخت است» (ابراهیم / ۷)

شکرگزاری سه مرحله دارد:

اول: توجه و آگاهی به نعمت؛ یعنی در نعمت‌های خداوند جستجو کنیم و آن‌ها را شناسایی کنیم و به شکرگزاری در برابر آن‌ها اندیشه کنیم.

دوم: شکر زبانی؛ یعنی باید با زبان، حمد و سپاس الهی را به جای آورده و در برابر نعمت‌های بی‌شماری که در اختیار ما قرار داده است سپاس او گوییم.<sup>۱</sup>

سوم: شکر عملی؛ به این معنا که هر نعمتی را در هر مورد درست مصرف کنیم.<sup>۲</sup>

احیای روح شکرگزاری در جامعه و ارج نهادن به کسانی که با علم و دانش خود و یا با مال و ثروت خویش و یا با فدایکاری و اهدای جان خویش در راه پیشبرد اهداف الهی و انسانی خدمت می‌کنند، می‌تواند عامل مهمی در ایجاد حرکت و شکوفایی و پویایی جامعه باشد.

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد ۱۰، ص ۲۷۸

۲. همان، ص ۲۸۳

شکرگزاری در برابر نعمت با نوعی مراقبت و مواظبت در تصرف نعمت همراه است، به گونه‌ای که انسان شاکر سعی می‌کند نعمت را به شکلی مصرف کند که با تکبر و غرور و فخرفروشی بر دیگران همراه نباشد و از آن، در جهت آزارسانی و آلوده‌سازی و فسادانگیری بهره نگیرد. این رویکرد سبب طهارت نفس و انجام درست کارها در زندگی می‌شود و انجام درست کارها، سبب رشد و ارتقاء آن‌ها می‌گردد که رضایت شاکر و دیگران را به همراه دارد. در نتیجه به تحکیم روابط اجتماعی و گسترش درست ثروت‌های ملی می‌انجامد.



دلل ۲

## آشنایی با صامت‌ها و مصوت‌ها

صامت‌ها:

الفبای زبان عربی از ۲۸ حرف تشکیل می‌شود که به آنها صامت نیز گفته می‌شود. هر حرف شکل، نام و تلفظ ویژه‌ی خود را دارا است.

یاد سپاری:

۱- از میان حروف عربی، تلفظ ده حرف با زبان فارسی تفاوت دارد که عبارتند از: «ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، و» که در بحث تلفظ صحیح حروف بیان خواهد شد.

۲- اسامی حروفی که به همزه ختم شده است چنانچه به تنها بی خوانده شوند، برای سهولت همزه‌ی آنها تلفظ نمی‌شود و در صورتی که به کلمه‌ی بعد از خود اضافه شوند همزه‌ی آنها خوانده می‌شود. مانند: تاء تأییث، هاء ضمیر، یاء متکلم.

شكل و نام الفبای زبان عربی عبارتند از:

۱. اولین حرف از الفبای زبان عربی، الف می‌باشد که خود بر دو گونه است:

الف) الف حرکت پذیر که نام دیگر آن همزه است.

ب) الف حرکت ناپذیر که همان الف مدی یا صدای کشیده می‌باشد.

آنچه در بخش صامت‌ها وجود دارد، همزه است و الف مدی یکی از مصوت‌های است که در جای خود بیان خواهد شد.

جدول حروف الفبای زبان عربی

نام حروف	شکل حروف	ردیف	نام حروف	شکل حروف	ردیف
ضاد	ض	۱۵	الف	ا	۱
طاء	ط	۱۶	باء	ب	۲
ظاء	ظ	۱۷	تاء	ت	۳
عين	ع	۱۸	ثاء	ث	۴
غين	غ	۱۹	جيم	ج	۵
فاء	ف	۲۰	حاء	ح	۶
قاف	ق	۲۱	خاء	خ	۷
كاف	ك	۲۲	DAL	د	۸
لام	ل	۲۳	ذال	ذ	۹
ميم	م	۲۴	راء	ر	۱۰
noon	ن	۲۵	زاء (زای)	ز	۱۱
واو	و	۲۶	سین	س	۱۲
هاء	ه	۲۷	شين	ش	۱۳
ياء	ي	۲۸	صاد	ص	۱۴

حروف مقطّعه در قرآن:

حروف مقطّعه که رمزی میان خدا و پیامبرش می‌باشد در ابتدای ۲۹ سوره از قرآن آمده است: این حروف هر کدام جدا با نام عربیشان خوانده می‌شوند.

حروفی که به همراه ختم می‌شوند در حروف مقطعه نیز همراهی آنها خوانده نمی‌شود. حروف مقطعه بدون تکرار ۱۴ حرف و عبارت است از «ا، ح، ر، س، ص، ط، ع، ق، ک، ل، م، ن، ه، ی» که برای سهولت فراگیری در عبارات ۱- **صِرَاطُ عَلَيْهِ حَقٌّ نُفِسِكُهُ**، یا ۲- **نَصْحَ حَكِيمٍ قَاطِعَ لَهُ مِيرُ**، گرد آمده است.

نام سوره	خوانده می‌شود	نوشته می‌شود
سوره ق	قَاف	ق
سوره ص	صَاد	ص
سوره القلم	نُون	نَ
سوره يس	يَاسِين	يَسْ
سوره نمل	طَاسِين	طَسْ
سوره غافر، فصلت، زخرف، دخان، جانیه، احقاف	حَامِيم	حَمْ
سوره طه	طَاهَا	طَه
سوره بقره، آل عمران، عنکبوت، روم، لقمان، سجده	الْفَلَامْ مِيم	الْمَ
سوره یونس، هود، یوسف، ابراهیم، حجر	الْفَلَامْ رَا	الْرَّ
سوره شعرا، قصص	طَاسِينْ مِيم	طَسْ



سورة رعد	الف لام ميم را	المر
سورة اعراف	الف لام ميم صاد	القص
سورة شوری	حاء ميم عين سين قاف	حم عَسْق
سورة مریم	كاف ها یا عين صاد	كَهْيَعْقَن

این حروف بدون تکرار عبارتند از:

ص-ق-ن-طه-طس-یس-حـ-طـسـ-الـرـ-حـ-عـسـقـ-الـرـ-الـعـقـ-  
-كـهـيـعـقـ.

#### مصوّت‌ها:

صداهای در زبان عربی مصوّت نامیده می‌شوند.

صداهای در زبان عربی و قرآن به صدای کوتاه و کشیده تقسیم می‌شوند.

صداهای کوتاه را (حرکات) و صدای کشیده را (حروف مددی) می‌نامند.

صداهای کوتاه یا حرکات شامل فتحه (ـ)، کسره (ـ) و ضمه (ـ) بوده

و صدای کشیده یا حروف مددی شامل الف مددی (ا)، یاء مددی (ي) و واو مددی (و) می‌باشد.

صدای کشیده از کشش صدای کوتاه پدید می‌آیند به این ترتیب که از کشش صدای فتحه، الف مددی و از کشش صدای کسره، یاء مددی و از کشش صدای ضمه، واو مددی تولید می‌شود.

صداهای زبان عربی از نظر کیفیت به سه گروه تقسیم می‌شوند:

۱- فتحه و الف مددی

۲- کسره و یاء مددی

۳- ضمه و واو مددی

### فتحه و الف مدی

صدای فتحه در زبان عربی و قرآن همانند صدای (ا) در زبان فارسی است البته کوتاه و بدون کشش، مانند کـ-تـ-بـ «کتب»، سـ-جـ-دـ «سجد»، کـ-شـ-فـ «کشف»

نـ-زـ-لـ «نزل»، بـ-دـ-آـ «بدآ»، سـ-آـ-لـ-كـ «سالک»

در صورتی که صدای فتحه کشش و امتداد یابد، از آن الف مدی تولید می شود. مانند:

قتـلـ-قـاتـلـ مـلـیـکـ ← مـالـیـکـ فـکـهـینـ ← فـاـکـهـینـ

یاد سپاری ۱: همان گونه که گفته شد الف مدی از کشش و امتداد صدای فتحه به وجود می آید. بنابراین در هنگام تلفظ آن، دهان به صورت افقی باز شده و صدای الف مدی نازک و کم حجم شنیده می شود ولی چنانچه الف مدی بعد از حروف (خ، ر، ص، ض، ط، ظ، غ، ق) قرار گیرد در هنگام تلفظ آن، دهان به صورت عمودی باز شده و صدای الف مدی درشت و پر حجم شنیده می شود: مانند:

خـ «آخـانـاـ»

رـ «أـرـادـ»

قـ «فـقـالـ»

یاد سپاری ۲: در برخی کلمات الف مدی به صورت کوچک نوشته می شود که با موارد بالا تفاوت ندارد. مانند: إـلـهـ - مـلـیـکـ - هـذـاـ

تمرین:

آـبـاـ-آـتـاـ-بـدـاـ-دـنـاـ-كـمـاـ-مـنـجـاـ-فـلـهـاـ-مـالـهـاـ-كـمـادـهـاـ-يـاـآـبـانـاـ-لـفـسـدـتـاـ-  
فـقـالـهـمـاـ-سـادـتـنـاـ-أـصـابـكـ-تـبـارـكـ

## کسره و یاء مدّی

صدای کسره در زبان عربی با صدای (ا) در فارسی تفاوت دارد. صدای کسره در زبان عربی مانند صدای (ا) در زبان فارسی است، البته کوتاه و بدون کشش

مانند: اِبِلِ

چنانچه صدای کشش کسره امتداد یابد از آن یاء مدّی تولید می‌شود. مانند:

اِی بِی فِی لِی دِی نِی

سِینِینَ، مَدِينِینَ، سَبِيلِ

تمرین:

أَبِي - بَنِي - لَفِي - فِيمَا - بِهِمَا - أَرِنَا - لَقِيَا - نَسِيَا - أَرِيف - سَبِيلِنَا - فَنَسِيَّهَا -  
فِي چَيْدِهَا - مَنَاكِهَا - لَمِيقَاتِنَا - أَرِنَا مَنَاسِكَنَا - خَالِدِينَ فِيهَا - عَمَلِي - عِبَادِي -  
أَرَادَنِي - گَلَامِي - رَاجِحِينَ - خَلَدِينَ - خَشِيعِينَ

## ضمه و واو مدّی

صدای ضمه در زبان عربی با صدای (اً) در فارسی تفاوت دارد. صدای ضمه

در زبان عربی مانند صدای (او) در زبان فارسی است، البته کوتاه و بدون کشش

مانند: كُتُبٌ - رُسُلٌ - نُرُولُ

و چنانچه صدای ضمه کشش و امتداد یابد از آن واو مدّی تولید می‌شود.

مانند:

أُوتُو	تُوبُو	رَسُولٌ	يُوقُونٌ	فَلَا تُلُومُونَ	فَسِيَّعُولُونَ	يُشُوبُونَ	ذَاوُودَ
--------	--------	---------	----------	------------------	-----------------	------------	----------

تمرین:

۹۰۰ - گُلو - آقُوْم - هَارُون - فَذَبَحُوهَا - يَتَّلَاقُوْنَ - لَا يَدْعُوْنَ - يَسْتَوْوَنَ -  
۹۰۱ - دَاؤُود - جُلُودُهُمَا - فَكِيدُوْنِي - أَجَادِلُوْنِي - فَمَا تَرَى دُونَنِي - لَا يَمُوتَ فِيهَا - يَقُوْمَانَ  
۹۰۲ - مَقَامَهُمَا - تُدِيرُوْنَهَا .



سُورَةُ الْبَيْنِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالَّتِينَ وَالزَّيْتُونَ ۝ وَطُورٌ سِينِينَ ۝ وَهَذَا الْبَلْدِ الْأَمِينِ ۝ لَقَدْ  
خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ۝ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ۝ إِلَّا الَّذِينَ  
عَمَّنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ۝ فَمَا يُكَدِّبُكَ بَعْدُ بِالْدِينِ  
۝ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمَاتِ ۝

سوره‌ی تین

بنام خداوند بخشندگی بخشایشگر

- ۱ - قسم به انجیر و زیتون (یا قسم به سرزمهین شام و بیت المقدس).
- ۲ - و سوگند به طور سینین.
- ۳ - و قسم به این شهر امن (مکه).
- ۴ - که ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریده‌ایم.
- ۵ - سپس او را به پائین ترین مرحله باز گرداندیم.
- ۶ - مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند که برای آنها  
پاداشی است قطع ناشدنی!
- ۷ - پس چه چیز سبب می‌شود که تو بعد از این همه، روز جزا را تکذیب کنی؟!
- ۸ - آیا خداوند بهترین حکم کنندگان نیست؟

## وجوه اعجاز قرآن

اثبات و تصدیق معارف الہی همچون توحید، نیازمند برهان و استدلال است اما اثبات رسالت و تصدیق پیامبری نیازمند ارایه معجزه است.<sup>۱</sup> از این رو هر یک از پیامبران به تناسب زمان خود، معجزاتی ارایه کرده‌اند. از آنجا که پیامبر اسلام ﷺ برای هدایت همه‌ی انسان‌ها تا روز قیامت، مبعوث شدند، معجزه‌ای جاودان و پایدار ارایه نمودند.<sup>۲</sup>

متفکرین اسلامی وجوه متعددی را برای اعجاز قرآن برشمرده‌اند که از میان آنان به دو وجه اشاره می‌شود:

۱- اعجاز در پیشگویی: قرآن مشتمل بر اخباری است که با گذر زمان صحت آن‌ها معلوم شده است. مانند پیشگویی شکست مشرکین در جنگ بدرب: «أَمْ يَعْلُوْنَ تَحْنُّنَ جَمِيعٌ مُّتَّصِرُّونَ سَيْهَرُمُ الْجَمْعُ وَيُؤْلَوْنَ الدُّبُرُ»<sup>۳</sup> یا می‌گویند ما جماعتی متعدد و نیرومند و پیروزیم؟ (ولی بدانند) که به زودی جمعشان شکست می‌خورد و پا به فرار می‌گذارند.

۲- اعجاز علمی: قرآن کریم به بیان مطالب علمی شگفت‌انگیزی مبادرت نموده که در زمان نزول قرآن، آگاهی به آن‌ها جز از طریق وحی ممکن نبوده است مانند بیان قانون جاذبه زمین: «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا»<sup>۴</sup> خدا همان کسی است که آسمان‌ها را، بدون ستون‌هایی که برای شما دیدنی باشد، برافراشت.

مفهوم آیه این است که ستون‌هایی نامرئی وجود دارد<sup>۵</sup> چنانکه امام رضا علیه السلام

۱. المیزان ج ۱، ۸۵.

۲. اعجاز قرآن ص ۲۸.

۳. القمر / ۴۴ - ۴۵.

۴. الرعد / ۲.

۵. تفسیر احسن الحدیث ج ۵ ص ۱۹۹.

فرموده‌اند: در آنجا ستون‌هایی است که دیده نمی‌شوند<sup>۱</sup> که این ستون‌های نامرئی  
به نیروی جاذبه تطبیق می‌شود.  
برخی دیگر از مصادیق اعجاز علمی قرآن عبارتند از: قانون زوجیت<sup>۲</sup>، حرکت  
کره زمین<sup>۳</sup>، لقاح بادها<sup>۴</sup> و حرکت کرات در مدار<sup>۵</sup>

۱. نور النقلین ج ۲ ص ۴۸۰

۲. الذاريات / ۴۹ و الرعد / ۳

۳. النمل / ۸۹

۴. الحجر / ۲۲

۵. الفرقان / ۵۴

درس ۳

## آشنایی با نشانه‌ها

سکون:

سکون ضد حرکت است و حرفی را که هیچگونه حرکتی (اعم از کوتاه و کشیده) نداشته باشد ساکن نامند.

حرف ساکن همیشه به کمک حرف متحرک پیش از خود با یک بخش خوانده می‌شود.

نشانه‌ی سکون:

برای نشان دادن حرف ساکن از نشانه (۲) استفاده می‌شود. در بعضی از قرآن‌ها نشانه‌ی ساکن به صورت دایره یا صفر آمده است. حرف ساکن در زبان فارسی نیاز به نشانه‌ی سکون نداشته و بدون نشانه هم قابل خواندن است. مثال‌هایی برای نشانه‌ی سکون:

مَنْ-لَمْ-هَلْ-كَمْ-إِنْ-مِنْ-إِذْ-قُلْ-فَمْ-كُمْ-قَبْلَ-أَنْ-رَحْمَةُ-فَرَغْتَ  
أَنْزَلَ-سُبْحَانَ-نَذْكُرْكَ-بَعْدِهِنْ-أَغْتَدْنَا-فَلَا تَقْلُنَ-أَرْجُلُكُمْ-لَا تَفْسِهْمَ-  
لَا يَنْلِكُونَ-أَمْدَدْنَا كَمْ-لَا تُرْجَعُونَ-لَا تُخْصُوْهَا-مُسْتَسْلِمُونَ-فَلَا تَنْهَرْهُهَا-  
أَفَلَا يَشْكُرُونَ-وَالَّيْهِ تُرْجَعُونَ-وَوَضَعَنَا عَنْكَ-فَلَا يَسْتَطِيْعُونَ.

یادسپاری ۱: در قرائت واو و یا ساکن ما قبل مفتوح (حروف لین) باید دقت شود تا فتحه قبل از واو متمایل به صدای ضمه و فتحه قبل از یاء متمایل به صدای



کسره نشود مانند:

يَوْمَ عَلَيْهِمْ غَيْرَ إِلَيْهِ أَيْنَ لَوْ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لَأَرِيهَا حَوْلَهَا فَوْقَهُمْ  
حَوْلَهِنَّ كَامِلَهِنَّ عَيْنَهِنَّ شَفَتَهِنَّ بَخَدَهِنَّ

یاد سپاری ۲: سکون بر دو قسم است ۱- ذاتی ۲- عارضی

سکون ذاتی: متعلق به خود حرف است و در ذات آن حرف قرار دارد مثل  
سکون «میم» در کلمه مِنْهُمْ و سکون نون در کلمه آحِینَ  
سکون عارضی: به هنگام وقف بر کلمه عارض می‌شود و جزء ذات آن نیست.

مانند:

كِتاب	که خوانده می‌شود	كِتاب	که خوانده می‌شود
رَحِيم	که خوانده می‌شود	رَحِيم	که خوانده می‌شود
كَرِيم	که خوانده می‌شود	كَرِيم	که خوانده می‌شود
خَوْفٌ	که خوانده می‌شود	خَوْفٌ	که خوانده می‌شود
لَيلٌ	که خوانده می‌شود	لَيلٌ	که خوانده می‌شود

تشدید:

اگر دو حرف مثل هم در یک کلمه کنار یکدیگر قرار گیرند، چنانچه حرف اول دارای حرکت نباشد، آن را حذف کرده و به جای آن روی حرف دوم نشانه تشدید (۲) قرار می‌گیرد. بنابر این در حرف مشدّد، یک حرف ساکن نهفته است و مانند هر حرف ساکن به کمک حرف متحرک قبل از خود محکم و با شدت خوانده می‌شود.

مثال:

كَفَ (كَفَفَ)، مَسَّ (مَسَّسَ)،  
مَدَّ (مَدَّدَ)، فَكُّ (فَكَّكُ)

تمرین:

ام- شر- کل- ضل- ایا- گنا- صدق- صدھا- ربنا- آش- ائما- قدرناه-  
لعلکم- ربیانی- اجورهن- مددیر- مکناهم- مژمل- یصعد.

تنوین:

تنوین نشانه نون ساکن زایدی است که در آخر برخی از کلمات می‌آید، نوشته نشده ولی خوانده می‌شود. نشانه تنوین به صورت تکرار حرکت فتحه، کسره، ضمه می‌باشد.

تنوین بر ۳ قسم است:

- ۱- نصب: مرکب از دو فتحه، گ
- ۲- جر: مرکب از دو کسره، گ
- ۳- رفع: مرکب از دوضمه، گ

یادسپاری: بعد از تنوین نصب غالباً الف ناخوانا و گاهی یاء ناخوانا می‌آید مانند:  
«کتاباً- هُدی» مگر در دو مورد:

الف: تنوین نصب روی تاء گرد باشد، مانند: هَامِدَةٌ- لُجَّةٌ

ب: تنوین نصب روی همزه بعد از الف مدي باشد

مانند: جزاءٌ ماءٌ نَسَاءٌ

تمرین:

امدا- حَسَداً- بَلَداً- بَدَلاً- لُبَداً- مِلِكًا- مُلْكًا- أَمْنًا- أَنْتًا- إِامَنةً- وَاحِدَةً  
ءَانِيَةً- كَهْشِيم- بِعَهَالَةٍ- بُهْشَانٍ- لِسَبَاءٍ- مُهَاجِرَاتٍ- مُتَبَرِّجَاتٍ- بِهِدِيَةٍ  
لَشَدِيدٍ- آهَةٌ- فِتْيَةٌ- فَامْسَاكٌ- مُتَرَّزٌ- دُرِيٌّ- فِدِيَةٌ- هَالِكٌ  
لَا تَمْلِكُ نَفْسَ لِنَفْسٍ- شَيْئًا- مِنْ أَخِيهِ شَيْئٌ- لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ

سُورَةُ الْمُطَفِّفِينَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ ① الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ② وَإِذَا كَالُوهُرُ أَوْ زَوَّهُرُ  
 يُخْبِرُونَ ③ أَلَا يَظْنُ أُولَئِكَ أَهْمَمُ مَبْعُوثُونَ ④ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ⑤ يَوْمٍ يَقُومُ النَّاسُ إِرْبَاثُ  
 الْعَالَمَيْنَ ⑥ كَلَّا إِنْ كِتَابَ الْفُجُّارِ لَفِي بِيجِينَ ⑦ وَمَا أَدْرِكَ مَا يَعْبَغُنَ ⑧ كِتَابٌ مِنْ قَوْمٍ  
 وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ⑨ الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ⑩ وَمَا يَكْذِبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ  
 مُعْتَدِّ أَثِيمٍ ⑪ إِذَا تُشَلِّ عَلَيْهِ مَا يَأْتِنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ⑫ كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ  
 مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ⑬ كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمْ يَجْعُلُوهُنَّ ⑭ شَمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا أَجْهَمَ  
 شَمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ⑮ كَلَّا إِنْ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلْيَتِينَ ⑯  
 وَمَا أَدْرِكَ مَا عَلِيُّونَ ⑰ كِتَابٌ مِنْ قَوْمٍ ⑱ يَشْهُدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ⑲ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ  
 عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْتَظِرُونَ ⑳ تَغْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةُ الْتَّعْيِمِ ㉑ يُسْقَوْنَ مِنْ رَجِيقٍ  
 خَتَمُونِ ㉒ خِتَامُهُ، مِسْكٌ وَفِي ذَلِكَ فَلِيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ ㉓ وَمِنْ أَجْهُهُ، مِنْ تَسْبِيمِ  
 عَيْنَيْنَا يَشَرِّبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ㉔ إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ مَا أَمْنَوْا يَضْحَكُونَ ㉕  
 وَإِذَا رَأُوا بِهِمْ يَسْعَمُونَ ㉖ وَإِذَا أَنْقَلَبُوا إِلَى أَهْلِهِمْ أَنْقَلَبُوا فَكِهِنَ ㉗ وَإِذَا رَأَوْهُ  
 قَاتُلُوا إِنَّ هُؤُلَاءِ لَضَالُولُونَ ㉘ وَمَا أُزِيلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ ㉙ فَالِيَوْمَ الَّذِينَ مَا أَمْنَوْا  
 مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ㉚ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْتَظِرُونَ ㉛ هَلْ ثُوبَ الْكُفَّارِ مَا  
 كَانُوا يَفْعَلُونَ ㉜

## سوره‌ی مطففين

### بنام خداوند بخشندۀ بخشایشگر

۱- واي بر کم فروشان. ۲- آنها که وقتی برای خود کیل می‌کنند حق خود را به طور کامل می‌گيرند. ۳- اما هنگامی که می‌خواهند برای دیگران کیل یا وزن کنند کم می‌گذارند! ۴- آیا آنها باور ندارند که برانگیخته می‌شوند. ۵- در روزی بزرگ. ۶- روزی که مردم در پیشگاه رب العالمین می‌ایستند. ۷- چنین نیست که آنها (درباره قیامت خیال می‌کنند) مسلمان‌نامه اعمال فاجران در سجین است! ۸- تو چه می‌دانی سجین چیست؟ ۹- نامه‌ای است رقم زده شده و سرنوشتی است حتمی. ۱۰- واي در آن روز بر تکذیب کنندگان. ۱۱- همانها که روز قیامت را انکار می‌کنند. ۱۲- و تنها کسانی آن را انکار می‌کنند که متجاوز و گنهکارند. ۱۳- همان کس که وقتی آیات ما بر او خوانده می‌شود می‌گوید: این افسانه‌های پیشینیان است! ۱۴- چنین نیست که آنها خیال می‌کنند، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دلهایشان نشسته! ۱۵- چنین نیست که آنها می‌پندارند، بلکه آنها در آن روز از پروردگارشان محجومند. ۱۶- سپس آنها مسلمان وارد دوزخ می‌شوند. ۱۷- بعد به آنها گفته می‌شود این همان چیزی است که آن را تکذیب می‌کردید! ۱۸- چنان نیست که آنها (درباره معاد) خیال می‌کنند، بلکه نامه اعمال نیکان در علیین است. ۱۹- و تو چه می‌دانی علیین چیست؟ ۲۰- نامه‌ای است رقم زده شده و سرنوشتی است قطعی. ۲۱- که مقربان شاهد آنند. ۲۲- مسلمان نیکان در انواع نعمت متعغمند. ۲۳- بر تختهای زیبای بهشتی نکیه کرده و به زیباییهای بهشت می‌نگرند. ۲۴- در چهره‌های آنها طراوت و نشاط نعمت را می‌بینی. ۲۵- آنها از شراب زلال دست نخورده‌ی سربسته‌ای سیراب می‌شوند. ۲۶- مهری که بر آن نهاده شده از مشک است، و در این نعمتها بهشتی باید راغبان بر یکدیگر پیشی گیرند! ۲۷- این شراب (طهور) ممزوج با تسنیم است. ۲۸- همان چشممه‌ای که مقربان از آن می‌نوشند. ۲۹- بدکاران (در دنیا) پیوسته به مؤمنان می‌خندیدند. ۳۰- و هنگامی که از کنار آنها (جمع مؤمنان) می‌گذشتند آنها را با اشارات سوره سخریه قرار می‌دادند. ۳۱- و هنگامی که به سوی خانواده خود باز می‌گشتنند مسرور و خندان بودند. ۳۲- و هنگامی که آنها (مؤمنان) را می‌دیدند می‌گفتند: اینها گمراهانند. ۳۳- در حالی که آنها هرگز ماءمور مراقبت و متکفل آنسان (مؤمنان) نبودند. ۳۴- ولی امروز مؤمنان به کفار می‌خندند. ۳۵- در حالی که بر تختهای مزین بهشتی نشسته‌اند و نگاه می‌کنند. ۳۶- آیا کفار پاداش اعمال خود را گرفتند؟!



## مفاهیم

### ایمان و عمل صالح

انسان موجودی دو بعدی است و به واسطه آن دارای استعدادهای مثبت و منفی است. قرآن کریم عوامل رشد استعدادهای مثبت انسان را معرفی کرده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از ایمان و عمل صالح.

منظور از ایمان، اعتقاد قلبی به خدا و تسليم در برابر فرامین و اوامر الهی است. از این رو قرآن کریم بر آن است انسانی را تربیت کند که تمام اعمالش ناشی از انگیزه الهی بوده و تمام کردارش رنگ خدابی داشته باشد.<sup>۱</sup>

عمل صالح در قرآن دارای ویژگی‌هایی است از جمله:

۱- منشأ تحقق آن ایمان به خدا و روز رستاخیز باشد.<sup>۲</sup>

۲- همراه با اخلاص باشد<sup>۳</sup>

۳- انسان را در مسیر رشد و هدایت قرار دهد.<sup>۴</sup>

بنابراین چنانکه قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذْقُوا اللَّهَ...»<sup>۵</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الهی پیشه کنید، عمل صالح، عمل توأم با تقواست که به منظور کسب رضای الهی انجام می‌شود.

براساس قرآن کریم عمل، سازنده شخصیت انسان است و مراتب و درجات کمال انسان به آن بستگی دارد به همین دلیل فرموده است: «برای هر کس، درجاتی است از آنچه عمل کرده» از اینرو قرآن کریم با جدیت نظارت الهی بر اعمال انسان را مطرح نموده است: «...وَ لَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا

۱. مبانی انسان‌شناسی در قرآن ص ۲۵۷

۲. البقره / ۶۲

۳. البینه / ۵

۴. یونس / ۹

۵. الحیدد / ۲۸

إذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْرُبُ عَنْ رِبِّكَ مِنْ مِثْقَالٍ ذَرَّةٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ  
مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ<sup>۱</sup> وَهِيَجْ عَمَلِي رَا النِّجَامَ نَمِي دَهِيدَ، مَگَ اینکه  
ما گواه بر شما هستیم در آن هنگام که وارد آن می‌شوید و هیچ چیز در زمین  
و آسمان، از پروردگار تو مخفی نمی‌ماند حتی به اندازه سنگینی ذره‌ای، و نه  
کوچک‌تر و نه بزرگ‌تر از آن نیست، مگر اینکه (همه آن‌ها) در کتاب آشکار (و لوح  
محفوظ علم خداوند) ثبت است.



## درس ۱۴

### حروف ناخوانا

در قرآن کریم حروفی وجود دارد که نوشته شده ولی خوانده نمی‌شوند. این حروف عبارتند از: «و، ا، ل، ی» که به حروف «والی» مشهور شده‌اند. در قرآن کریم فقط چهار حرف «و، ا، ل، ی» به عنوان حروف ناخوانا شناخته شده‌اند. حروف ناخوانا به دو گروه تقسیم می‌شوند.

الف) حروف همیشه ناخوانا

ب) حروف گاهی ناخوانا

### حروف همیشه ناخوانا

#### پایه همزه:

گاهی حروف «و، ا، ی» پایه برای همزه قرار می‌گیرند که در این صورت فقط همزه خوانده شده و حروف پایه ناخوانا می‌باشند  
مانند: يَأْتِي، قَاتُونَ، شَأْنِيمْ، أَنْتِهِمْ، لَيْنْ، يُؤْخِرْ.  
یادسپاری: در این گونه موارد چنانچه همزه مکسور باشد به همراه حرکت کسره در زیر حرف پایه نوشته می‌شود مانند: لَيْنْ، أَيْتَهِ، بَارِنِكُمْ، الَّلُؤْلُؤِ  
در برخی قرآن‌ها با قرار دادن حرکت یا سکون روی الف نیازی به قرار دادن تکل همزه روی الف ندیده‌اند.



### پایه الف مدي:

دو حرف «و» و «ي» پایه برای الف مدي قرار می‌گيرند که در اين صورت به جاي دو حرف واو و ياء الف مدي خوانده می‌شود.

مانند: زَكَّة، كِمْشَكَّة، يَتَرَكَّنِي، فُرَادَى، أُسَارَى، نَرَنَكَ، أَذَرَنَكَ، هُدَيْنَهَا، بَنَنَهَا،

مُزَسَّلَهَا

يادسپاري: در مورد پایه همزه و الف مدي چنانچه همزه و الف پایه نوشته شوند، واو، الف و ياء قبل يا بعد از آن‌ها خوانده می‌شود.

مانند: جَاءُوهَا، مَسْتَوْلًا، شَيْءً.

### الف بعد از واو:

الف جمع در آخر کلمه و بعد از واو جمع می‌آيد و خوانده نمی‌شود مانند:  
ذَمَنُوا، كَفَرُوا، كُبِثُوا.

در برخی موارد حرف واو در آخر کلمه واو جمع نبوده يا ناخواناست ولی الف ناخوانا بعد از آن آمده است.

مانند: أَشْكُوا، يَتَلُوا، تَبَلُوا، تَدْعُوا.

يادسپاري: ۱- گاهی بعد از واو جمع، الف ناخوانا نیامده است.

مانند: قَأُوُ، بَأُوُ، عَتَوُ، سَعَوُ.

۲- الف بعد از واو در کلمه «ذَوَا» خوانده می‌شود.

واو مدى در شش کلمه:

در قرآن کریم به شش کلمه بر می خوریم که دارای واو مدى ناخوانا می باشند.

آن کلمات عبارتند از: اولی، اولوا، اولات، اولاء، اولئک، سأوريڪم.

یادسپاری: کلمه «سأوريڪم» در برخی قرآن ها بدون واو آمده است مانند:

سأوريڪم



سُورَةُ الْبَرْوَج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبَرْوَجِ ١٠ وَالْيَوْمِ الْمَوْعِدِ ١١ وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ ١٢ قُتِلَ  
أَصْحَابُ الْأَخْدُودِ ١٣ أَنَّارٌ ذَاتِ الْوَقْدَةِ ١٤ إِذْهَرٌ عَلَيْهَا قَعْدَةٌ ١٥ وَهُدٌ عَلَى  
مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ ١٦ وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ  
أَلْحَمِيدٌ ١٧ الَّذِي لَهُ، مَلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ١٨  
إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ  
عَذَابٌ الْحَرِيقِ ١٩ إِنَّ الَّذِينَ دَامَنُوا وَعَلِمُوا الصَّالِحَاتِ لَهُنْ جَنَّاتٌ مَجْرِيٌ  
مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ ٢٠ إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ٢١ إِنَّهُ  
هُوَ يُبَدِّيُ وَيُعِيدُ ٢٢ وَهُوَ الْفَقُورُ الْوَدُودُ ٢٣ ذُو الْعَرْشِ الْجَيِيدُ ٢٤ فَعَالٌ  
لِمَا يُرِيدُ ٢٥ هَلْ أَتَنِكَ حَدِيثُ الْجَنُودِ ٢٦ فِرْعَوْنَ وَثُمُودَ ٢٧ بَلِ الَّذِينَ  
كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ٢٨ وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ ٢٩ بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ ٣٠ فِي

لَوْحٍ مَخْفُوظٍ ٣١

### سوره‌ی بروج

بنام خداوند بخشندہی بخشایشگر

۱- سوگند به آسمان که دارای برجهای بسیار است. ۲- و سوگند به آن روز موعود. ۳- و «شاهد» و «مشهود» (شاهد پیامبر و گواهان اعمال و مشهود اعمال امت است). ۴- مرگ و عذاب بر شکنجه گران صاحب گودال (آتش) باد. ۵- گودالهایی پر از آتش شعله ور. ۶- هنگامی که در کنار آن نشسته بودند. ۷- و آنچه را نسبت به مؤمنان انجام می‌دادند (با خونسردی) تماشا می‌کردند. ۸- هیچ ایرادی بر آنها (مؤمنان) نداشتند جز اینکه به خداوند عزیز و حمید ایمان آورده بودند. ۹- همان خدایی که حکومت آسمانها و زمین از آن او است و بر همه چیز گواه است. ۱۰- کسانی که مردان و زنان با ایمان را مورد شکنجه قرار دادند عذاب دوزخ برای آنها است، و عذاب آتش سوزان. ۱۱- کسانی که ایمان آوردن و اعمال صالح انجام دادند برای آنها با غایبی از بهشت است که نهرها زیر درختانش جاری است، و این پیروزی بزرگی است. ۱۲- گرفتن قهرآمیز و مجازات پروردگارت بسیار شدید است. ۱۳- او است که آفرینش را آغاز می‌کند، و او است که بازمی گرداند. ۱۴- و او آمرزنده و دوستدار (مؤمنان) است. ۱۵- صاحب عرش مجید است. ۱۶- و آنچه را می‌خواهد انجام می‌دهد. ۱۷- آیا داستان لشکرها به تو رسیده است؟! ۱۸- لشکریان فرعون و ثمود. ۱۹- بلکه کافران پیوسته مشغول تکذیب حقند. ۲۰- و خداوند به همه آنها احاطه دارد. ۲۱- (این سخن سحر و دروغ نیست) بلکه قرآن با عظمت است. ۲۲- که در لوح محفوظ جای دارد.



## أَبْرَار

«بِرٌّ» (به کسر باء) در زبان عربی به معنی نیکی گستردہ است<sup>۱</sup> و «بَرٌّ» (به فتح باء) به معنی نیکوکار است، که جمع آن «أَبْرَار» است.<sup>۲</sup> در آیات قرآن کریم منظور از «بِرٌّ» و نیکی، تقوای الهی و تسليیم در برابر اوامر و نواهی الهی و التزام بر دین خداست زیرا خداوند فرموده است: «وَلَكُنَ الْبَرُّ مَنْ آتَئَنَ اللَّهُ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَالْمَلَائِكَةُ وَالْكِتَابُ وَالنَّبِيُّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ... وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمَوْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أَوْلَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأَوْلَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»<sup>۳</sup> بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا و روز رستاخیز و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیامبران ایمان آورده و اموال خود را با همه علاقه‌ای که به آن دارد انفاق می‌کند و نماز را بربا می‌دارد و زکات را می‌پردازد و به عهد وفا می‌کند و در برابر محرومیت‌ها و بیماری‌ها و در میدان جنگ استقامت به خرج می‌دهد. اینها کسانی هستند که راست می‌گویند و گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است) و اینها پرهیز کارانند.

از این رو قرآن کریم به یاری یکدیگر در نیکوکاری و تقوای فرمان داده<sup>۴</sup> و نیکان و نیکوکاران را به پاداش نیک نوید داده است: «...وَمَا عَنِ الدُّلُوهِ خَيْرٌ لِلأَبْرَارِ»<sup>۵</sup> و آنچه در نزد خداست، برای نیکان بهتر است. این پاداش برتر از پاداش‌های بهشتی است و مقامی برتر است که همان مقام قرب و مشاهدة جمال و عظمت است.<sup>۶</sup>

۱. قاموس قرآن ج ۱، ص ۱۸۰

۲. دانشنامه قرآن و قرآن پژوهشی ج ۱ ص ۳۶۳

۳. البقره / ۱۷۷

۴. المائدہ / ۲

۵. آل عمران / ۱۹۸

۶. پرتوی از قرآن ج ۵ ص ۴۶۲

## حروف گاهی ناخوانا

همزه وصل:

همزه وصل در اول کلماتی می‌آید که با حرف ساکن یا مشدد آغاز شده باشد  
بنابراین بعد از همزه وصل همیشه حرف ساکن یا مشدد قرار می‌گردد. علامت  
همزه وصل در برخی قرآن‌ها صاد کوچکی است که روی همزه قرار می‌گیرد (۱)  
مانند:

وَأَعْلَمْ - وَأَضْرِبْ - وَأَذْكُرْ - مِنْ أَلْكِتَابْ - قَالَ أَخْرَجْ - الْجَوَارِ الْكُنْسِ -  
ذِي الْعَرْشِ مَكِينْ - وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ - الَّذِي خَلَقَ فَسَوَىٰ - وَالْيَلِ إِذَا يَغْشَىٰ -  
وَإِذَا الصُّفْفُ نُشِرَتْ

چون همزه وصل حرکت ندارد، تعیین حرکت آن در ابتدای کلام به شرح زیر  
می‌باشد.

همزه وصل در (ال) تعریف، همیشه مفتوح است.  
مانند: الْشَّفْعُ - الْقَمَرُ - الْنُّجُومُ - الْعِبَالُ - الْعِشَارُ - الْوُحُوشُ - الْبِحَارُ -  
الْتُّفُوسُ.

همزه وصل در اسم‌ها همیشه مكسور است. مانند:  
آئُمُّ - آبَنْ - آبَنَتْ - آمَرَأَ - آمَرَأَتَيْنِ - آثَنَانِ - آثَنَتَانِ - آثَنَتَيْنِ.

### همزه وصل در فعلها:

برای اعراب گذاری در فعل‌ها در بیشتر موارد این گونه عمل می‌شود: اگر حرف ما بعد ساکن (عین الفعل) مفتوح یا مكسور باشد، همزه وصل کسره داده می‌شود. و اگر بعد از آن مضموم باشد، همزه ضمه داده می‌شود.

مانند:

**إِقْعَلُ - إِعْلَمُ - إِذْهَبُ - إِجْلِسُ - إِضْرِبُ - إِصْبَرُ - أَنْصُرُ - أَكْتُبُ - أَقْتُلُواً.**

### یادسپاری:

- ۱- همزه وصل در پنج فعل **أَقْضُوا - أَبْثُوا - أَمْشُوا - أَنْضُوا - أَنْثُوا**; در صورت ابتداء، مكسور خوانده می‌شود.
- ۲- همزه وصل در کلمات **أَئْتِ - أَئْتُوا - أَئْتُونِي - أَئْتَنَا - أَئْتَنَت** در صورت ابتداء مكسور و همزه ساکنه ما بعد تبدیل به یاء مدي می‌گردد. به این ترتیب: **إِيْتِ - إِيْتُوا - إِيْتُونِي - إِيْتَنَا - إِيْدَنَت**
- ۳- همزه ساکنه در کلمه **أَوْتُمَنَ** در صورت ابتداء به همزه وصل مضموم، تبدیل به واو مدي می‌گردد. (**أُوتُمَنَ**)

### حروف مدي نزد همزه وصل:

در صورتی که بعد از حروف مدي (ا-و-ى) همزه وصل قرار گیرد، چون حرف بعد از همزه وصل ساکن یا مشدد می‌باشد حرف مدي خوانده نمی‌شود.

مانند:

**۱- فَعَالْ أَسْتَقَامَوا ۲- فِي الْكِتَابِ ۳- ذُو الْجَلَالِ**

تمرین:

رَبَّنَا أَكْثَفَ - فِي مَا أَشَهَتْ - مَا الْقَارِعَةُ - فِيهَا الْفَسَادُ - مَا الْكِتَابُ - ذُو الْعَرْشِ -  
قَالُوا آذُعُ - إِاتُوا الْزَّكُوَةَ - فِي الْبَحْرِ - ذِي الْأُوتَادِ - فِي الْمَدِينَةِ - وَجَعَلْنَا الَّيْلَ -  
وَجَعَلْنَا النَّهَارَ - وَمَا بَيْنَهُمَا الْرَّحْمَنُ.

لام تعریف (ال) نزد حروف شمسی:

حرف لام تعریف نزد حروف شمسی ناخوانا است. حروف شمسی شامل  
چهارده حرف است که عبارتند از:  
ت-ث-د-ذ-ر-ز-س-ش-ص-ض-ط-ظ-ل-ن

تمرین:

الشَّكَاثُ - الشَّمَرَاتِ - الَّذِينَ - الَّذِكْرُ - الَّرَّاكِعَةُ - الَّرَّيْسُونَ - الَّسَّعَاءُ - الشَّفَعُ -  
الصَّابِرِينَ - الصَّالِيْنَ - الْطُّورُ - الْلَّطِيفُ - الْنَّاْسُ



سُورَةُ الْكَوْبِيرٍ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا الشَّمْسُ كُوَرَتْ ۝ وَإِذَا النَّجُومُ أَنْكَدَرَتْ ۝ وَإِذَا الْجِبَالُ سُرَرَتْ ۝  
وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِلَتْ ۝ وَإِذَا الْوَحْشُ حُشِرَتْ ۝ وَإِذَا الْبِحَارُ سُعِرَتْ ۝  
وَإِذَا النُّفُوسُ رُوَجَتْ ۝ وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُثِلَتْ ۝ بِأَيِّ ذَبِقْتِلَتْ ۝ وَ  
إِذَا الصُّحْفُ نُشِرَتْ ۝ وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ۝ وَإِذَا الْجَهَنَّمُ سُعِرَتْ ۝ وَ  
إِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ ۝ عَلِمْتَ نَفْسٌ مَا أَخْضَرَتْ ۝ فَلَا أُقْسِمُ بِالْخَنَّسِ ۝  
أَجْوَارِ الْكُنَّسِ ۝ وَالْأَيْلِلِ إِذَا عَسَسَ ۝ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ۝ إِنَّهُ  
لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ۝ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ۝ مُطَاعٌ شَمَاءُ أَمِينٍ ۝  
وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ۝ وَلَقَدْ رَأَاهُ بِالْأُفْقِ الْمُبَيِّنِ ۝ وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ  
يُضَبِّنِ ۝ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ۝ فَإِنَّ تَذَهَّبُونَ ۝ إِنَّهُ لَا ذُكْرٌ  
لِلْعَالَمِينَ ۝ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ ۝ وَمَا تَشَاؤْنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ  
الْعَالَمِينَ ۝

الْعَالَمِينَ ۝

### سوره‌ی تکویر

به نام خداوند بخشندۀ بخشایشگر.

۱- در آن هنگام که خورشید در هم پیچیده شود، ۲- و در آن هنگام که ستارگان  
بی فروع شوند، ۳- و در آن هنگام که کوه‌ها به حرکت در آیند، ۴- و در آن هنگام  
که بالارزش‌ترین اموال به دست فراموشی سپرده شود، ۵- و در آن هنگام که  
وحش جمع شوند، ۶- و در آن هنگام که دریاها برافروخته شوند، ۷- و در آن  
هنگام که هر کس با همسان خود قرین گردد، ۸- و در آن هنگام که از دختران  
زنده به گور شده سؤال شود: ۹- به کدامین گناه کشته شدند؟! ۱۰- و در آن  
هنگام که نامه‌های اعمال گشوده شود، ۱۱- و در آن هنگام که پرده از روی آسمان  
برگرفته شود، ۱۲- و در آن هنگام که دوزخ شعله‌ور گردد، ۱۳- و در آن هنگام  
که بهشت نزدیک شود، ۱۴- [آری در آن هنگام] هر کس می‌داند چه چیزی را  
آماده کرده است! ۱۵- سوگند به ستارگانی که بازمی‌گردند، ۱۶- حرکت می‌کنند  
و از دیده‌ها پنهان می‌شوند، ۱۷- و قسم به شب، هنگامی که پیش‌کند و به آخر  
رسد، ۱۸- و به صبح، هنگامی که تنفس کند، ۱۹- که این [قرآن] کلام فرستاده  
بزرگواری است [= جبرئیل امین] ۲۰- که صاحب قدرت است و نزد [خداوند]  
صاحب عرش، مقام والائی دارد! ۲۱- در آسمانها مورد اطاعت [فرشتگان] و امین  
است! ۲۲- و مصاحب شما [= پیامبر] دیوانه نیست! ۲۳- او [جبرئیل] را در افق  
روشن دیده است! ۲۴- و او نسبت به آنچه از طریق وحی دریافت داشته بخل  
ندارد! ۲۵- این [قرآن] گفته شیطان رجیم نیست! ۲۶- پس به کجا می‌روید؟!  
۲۷- این قرآن چیزی جز تذکری برای جهانیان نیست، ۲۸- برای کسی از شما که  
بخواهد راه مستقیم در پیش گیرد! ۲۹- و شما اراده نمی‌کنید مگر اینکه خداوند  
پروردگار جهانیان - اراده کند و بخواهد!

### اخلاص

اخلاص یعنی پاک کردن، خالص کردن<sup>۱</sup>. این واژه که بر پاکی و صفادلالت می‌کند در قرآن کریم در ارتباط با چند چیز مطرح شده است: ۱- در رابطه با خداوند: «...و هوربُنا و ربُکم و لاناً عَمَالُنَا وَ لَکُمْ اعْمَالُکُمْ وَ نَحْنُ لِهِ مُخْلِصُونَ»<sup>۲</sup> او پروردگار ما و شماست و اعمال ما از آن ما و اعمال شما از آن شماست و ما او را با اخلاص پرسش می‌کنیم. این آیه بیان می‌کند که روح دین خدا، ایمان به توحید و ربویت مطلق و اخلاص عمل برای او است.<sup>۳</sup> ۲- در رابطه با دین خداوند: «أَلَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَقُّ الْخَالِصُ»<sup>۴</sup> آگاه باشید که دین خالص از آن خدادست.

منظور از دین خالص و اخلاص دین برای خدا، این است که انسان در دین تنها به خدا توجه کند و غیر او را نخواهد.<sup>۵</sup> و آنچه را خدا می‌پذیرد، تنها دین خالص است و تنها تسلیم بی‌قید و شرط در برابر فرمان اوست و هرگونه شرک و ربا و آمیختن قوانین الهی به غیر آن، مردود است.<sup>۶</sup> ۳- در رابطه با پیامبران: «قُلِ اللَّهُ أَعْبُدُ مَخْلِصًا لَهُ دِينِي»<sup>۷</sup> بگو من تنها خدا را می‌پرسم در حالیکه دینم را برای او خالص می‌کنم. پیام آیه شریفه این است که یکتاپرستی و اخلاص برای خدا برجسته‌ترین سخن پیامبران است.<sup>۸</sup>

۱. دائرة المعارف لغات قرآن مجید ج ۱، ص ۲۲۷.

۲. البقرة / ۱۲۹.

۳. یہ تویی از قرآن ج ۱ ص ۳۲۱.

۴. الزمر / ۳.

۵. دانشنامه قرآن و قرآن پژوهشی ج ۱ ص ۱۶۸.

۶. تفسیر نمونه ج ۱۹ ص ۳۶۵.

۷. الزمر / ۸۴.

۸. تفسیر نمونه ج ۱۰ ص ۱۵۳.

۴- در رابطه با شیطان: «قَالَ فَبِعِزْتِكَ لَا غُوَيْبٌ أَجْمَعِينَ إِلَّا عَبَادَكَ مِنْهُمْ<sup>۱</sup>  
الْمُخْلَصِينَ»<sup>۲</sup> شیطان گفت:

به عزت سوگند، همه آنان را گمراه خواهم کرد مگر بندگان خالص تو را.  
یعنی شیطان فقط بر مخلصین نمی‌تواند سلطه و غلبه پیدا کند.



## دروس ۶

### اشباع هاء ضمير و التقاء ساكنين

اشباع هاء ضمير:

اشباع در لغت به معنای سیر کردن و در اصطلاح عبارت است از: تبدیل صدای کوتاه به صدای کشیده یا حرف مددی.  
حرکت هاء ضمير در صورتی که حرف قبل از آن دارای صدای کوتاه باشد، اشباع می شود.

هاء ضمير در آخر کلمه می آید و معنای «او» و «آن» می دهد.  
مانند: فِيهِ (در آن) كِتابُهُ (كتاب او)

نَيْزٌ: لَهُ مَقَالِيدُ - عِلْمِيهِ، إِلَّا كَهْ خَوَانِدَهْ مَيْ شَوَدْ: لَهُو مَقَالِيدُ - عِلْمِيهِ إِلَّا

موارد عدم اشباع هاء ضمير عبارت است از:

۱- مقابله آن ساکن باشد، مانند: مِنْهُ - إِلَيْهِ.

۲- مقابله آن یکی از حروف مددی باشد. مانند: هَدَاهُ - كُلُوهُ - فِيهِ.

۳- حرف مابعد آن ساکن باشد. مانند: لَهُ الْحَقْدُ.

۴- حرف مابعد آن مشدد باشد. مانند: لَهُ الدِّينُ، بِهِ الدِّينَ.

تمرین:

کِتَابَهُ، -وَعْدَهُ، -عِبَادَهُ، -رَبَّهُ، -مَعَهُ، -حَقَّهُ، -سَنَسِيمَهُ، -جَاءَهُ، -كِتَابِيَهُ،  
لِقَوْمِهِ، -لِرَبِّيَهِ، -بَطْنِيَهِ، -طَعَامِيَهِ، -عِبَادَهُ، -رَجْعِيَهِ، -بَيْدِيَهِ، -مِنْهُ، -عَلَيْيِهِ،  
يَدِيَهِ، -هَدَاهُ، -نَصْرُوهُ، -ثُغْفُوهُ، -فِيهِ لَهُ الْحَمْدُ، -مِنْهُ ابْتِغَاهُ.

البقاء ساکنین:

در صورتی که دو حرف ساکن در کنار یکدیگر قرار گیرند (به جز در هنگام وقف) برای امکان تلفظ، حرف ساکن اول مكسور می شود که این کسره را کسره‌ی عارضی می گویند.

یادسپاری: لام تعريف در برخورد با حرف ساکن در عبارت يَشَّ اللَّامُ الْفُسُوقُ (مهارات / ۱۱)، پس از حذف همزه وصل در کلمه «اسم»، حرف لام به جهت رفع برخورد دو ساکن مكسور خوانده می شود.

تنوین در برخورد با حرف ساکن:

در تعريف تنوین خوانده‌یم که «عبارت از نون ساکنی است که نوشته نشده ولی خوانده می شود». حال اگر بعد از تنوین، حرف ساکن یا مشدد باید، دو حرف ساکن نزد هم قرار خواهند گرفت. برای رفع البقاء ساکنین در این حالت، تنوین به صورت نون مكسور خوانده می شود. مانند:

عَادٌ الْأُولَى	که خوانده می شود
بِرَحْمَةِ اذْخُلُوا	که خوانده می شود
إِفْكُ افْتَرَنُهُ؛	که خوانده می شود

تمرین:

سَوَاءَ الْعَاكِفُ - قَوْمًا اللَّهُ - جَزَاءُ الْحُسْنَى - لَهُوا أَنْفَضُوا - خَيْرُ الْوَصِيَّةِ - شَيْئًا  
 أَخْذَهَا - مَثَلًا الْقَوْمُ - رَجُلٌ أَفْسَرَى - أَمْوَالٌ أَفْتَرَفْتُمُوهَا - عُزَيْرٌ أَبْنُ اللَّهِ -  
 فِسْقُ الْيَوْمِ - خَيْرُ الْأَطْمَانَ - يَوْمَنِ الْحَقِّ - فِتْنَةُ أَنْقَلَبَ - ثَلَاثَةُ أَنْتَهُوا - كَرْمَادٍ  
 أَشَدَّدَتْ - قَرِيَّةٌ أَسْتَطَعْمَا



سُورَةُ عَبْسٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَبْسٌ وَتَوْلَىٰ ۝ أَن جَاءَهُ الْأَغْرِيٰ ۝ وَمَا يُدْرِيكَ لَعْلَهُ يَزَكِّيٰ ۝ أَوْ يَذَكَّرُ  
فَتَنْفَعُهُ الذِّكْرُ ۝ أَمَا مِنْ أَسْتَغْفِيٰ ۝ فَانْتَ لَهُ تَصَدِّيٰ ۝ وَمَا عَلَيْكَ أَلَا  
يَزَكِّيٰ ۝ وَآمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَىٰ ۝ وَهُوَ يَخْشَىٰ ۝ فَانْتَ عَنْهُ تَلَهَّىٰ ۝  
كَلَّا إِنَّهَا تَذَكِّرَةٌ ۝ فَنَّ شَاءَ ذَكَرَهُ ۝ فِي صُحُفٍ مُكَرَّمَةٍ ۝ مَرْفُوعَةٍ مُطَهَّرَةٍ ۝  
بِإِيْدِي سَفَرَةٍ ۝ كِرَامَ بَرَرَةٍ ۝ قُتِلَ الْأَنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ ۝ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ۝  
مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ، فَقَدَرَهُ ۝ شُمُّ الْسَّبِيلَ يَسِّرَهُ ۝ شُمُّ أَمَاتَهُ، فَاقْبَرَهُ ۝  
شُمُّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ ۝ كَلَّا لَمَا يَقْضِي مَا أَمَرَهُ ۝ فَلَيَنْظُرْ أَلْأَنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ  
أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًا ۝ شُمُّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًا ۝ فَانْبَثَنَا فِيهَا حَبَّاً  
وَعِنْبَأَا وَقَضَبَأَا ۝ وَرَيْشُونَا وَنَخْلَا ۝ وَحَدَّائِقَ غُلْبَا ۝ وَفَاكِهَةَ وَابَا  
مَتَاعًا لَكُمْ وَلَا تَعْامِلُكُمْ ۝ فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَةُ ۝ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ  
أَخِيهِ ۝ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ ۝ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ ۝ لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَ يَمْتَدِّ  
شَأْنٌ يُغْنِيهِ ۝ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ ۝ ضَاحِكَةٌ مُسْتَبِشَرَةٌ ۝ وَوُجُوهٌ  
يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ ۝ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ ۝ أُولَئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ ۝

### سوره‌ی عبس

#### بنام خداوند بخشنده‌ی بخشایشگر

۱- چهره درهم کشید و روی بر تافت! ۲- از اینکه نابینایی به سراغ او آمدہ بود.  
 ۳- تو چه می‌دانی شاید او پاکی و تقوی پیشه کند؟ ۴- یا متذکر گردد و این تذکر  
 به حال او مفید باشد. ۵- اما آن کس که مستغنى است. ۶- تو به او روی می‌آوری!  
 ۷- در حالی که اگر او خود را پاک نسازد چیزی بر تو نیست. ۸- اما کسی که به  
 سراغ تو می‌آید و کوشش می‌کند، ۹- و از خدا ترسان است، ۱۰- تو از او غافل  
 می‌شوی. ۱۱- هرگز چنین مکن، این (قرآن) یک تذکر و یاد آوری است. ۱۲- و  
 هر کس بخواهد از آن پند می‌گیرد. ۱۳- در الواح پر ارزشی ثبت است. ۱۴-  
 الواحی والاقدر و پاکیزه. ۱۵- به دست سفیرانی است، ۱۶- والامقام و فرمانبردار و  
 نیکوکار. ۱۷- مرگ بر این انسان، چقدر کافر و ناسپاس است؟! ۱۸- (خداوند) او  
 را از چه چیز آفرید؟ ۱۹- از نطفه‌ی ناچیزی او را آفرید، سپس اندازه‌گیری کرد  
 و موزون ساخت. ۲۰- سپس راه را برای او آسان ساخت. ۲۱- بعد او را می‌راند و  
 در قبر پنهان نمود. ۲۲- سپس هر زمان بخواهد او را زنده می‌کند. ۲۳- چنین  
 نیست که او می‌پندارد، او هنوز فرمان الهی را اطاعت نکرده است. ۲۴- انسان  
 باید به غذای خوبیش بنگرد. ۲۵- ما آب فراوانی از آسمان فروریختیم! ۲۶- سپس  
 زمین را از هم شکافتیم. ۲۷- و در آن دانه‌های فراوانی رو باندیم. ۲۸- و انگور و  
 سبزی بسیار، ۲۹- و زیتون و نخل فراوان، ۳۰- و باعهایی پر درخت، ۳۱- و میوه  
 و چرایه، ۳۲- تا وسیله‌ای برای بهره‌گیری و چهارپایانتان باشد. ۳۳- هنگامی که  
 آن صدای مهیب (صیحه رستاخیز) باید (کافران در اندوه عمیقی فرو می‌روند).  
 ۳۴- در آن روز که انسان از برادر خود فرار می‌کند، ۳۵- و از مادر و پدرش، ۳۶- و  
 زن و فرزندانش، ۳۷- در آن روز هر کدام از آنها وضعی دارد که او را کاملاً به خود  
 مشغول می‌سازد. ۳۸- صورتهایی در آن روز گشاده و نورانی است، ۳۹- خندان و  
 مسرور است، ۴۰- و صورتهایی در آن روز غبارآلود است، ۴۱- و دود تاریکی آنها  
 را پوشانده، ۴۲- آنها همان کافران فاجرند.

### ترزکیه نفس

ترزکیه به معنی پاک کردن و پاکیزه گردانیدن است.<sup>۱</sup> این معنی در قرآن کریم عمدتاً در ارتباط با ترزکیه نفس و تطهیر نفوس مردم به کار رفته است. ترزکیه نفس در قرآن کریم در قالب چند موضوع مطرح شده است:

۱- ترزکیه نفس هدف از رسالت پیامبران است: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَذْبَعَثُ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُرَكِّبُهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...»<sup>۲</sup> خداوند بر مؤمنان نعمت بزرگی بخشید هنگامی که در میان آن‌ها، پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آن‌ها بخواند و آن‌ها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد.

عنی ترزکیه و تعلیم در رأس برنامه‌های انبیاست.<sup>۳</sup>

۲- نتیجه ترزکیه نفس به خود انسان باز می‌گردد: «وَمَنْ تَرْكَى فِائِمَاءٍ يَرَكِّبُ كَنِفْسَهُ»<sup>۴</sup> هر کسی پاکی پیشه کند نتیجه‌ی آن به خودش بازمی‌گردد. یعنی خداوند از همگان بی‌نیاز است و فایده‌ی ترزکیه نفس و تقوا به انسان بازمی‌گردد.<sup>۵</sup>

۳- ترزکیه‌ی نفس عامل رستگاری است: «قَدْ افْلَحَ مَنْ تَرْزَكَ»<sup>۶</sup> به یقین کسی که پاکی جست و خود را ترزکیه کرد رستگار شد. منظور از ترزکیه‌ی نفس چند چیز است: نخست پاکسازی روح از شرک، سپس پاکسازی دل از رذایل اخلاقی و نیز پاکسازی نفس از فجور و اعمال زشت و آراستن آن به زینت تقوی.<sup>۷</sup>

۱. دائرة المعارف لغات قرآن مجید ج ۱ ص ۳۳۱.

۲. آل عمران / ۱۶۴

۳. تفسیر نور ج ۲ ص ۱۹۰

۴. الفاطر / ۱۸

۵. تفسیر نمونه ج ۱۸ ص ۲۲۷

۶. الاعلی / ۱۴

۷. تفسیر نمونه ج ۲۶ ص ۴۰۲

۴- تزکیه‌ی نفس بدون پیروی از شرع ممکن نیست: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ  
الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ...»<sup>۱</sup>

مؤمنان رستگار شدند. آن‌ها که در نمازشان خشوع دارند...  
در قرآن کریم در سه آیه، فلاح و رستگاری به طور حتمی و قطعی مطرح  
شده است. یکی همین آیه و دیگری آیه «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَكَّا هَا»<sup>۲</sup> و دیگری آیه  
«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَرَكَى»<sup>۳</sup> که مقایسه این سه آیه ارتباط ایمان، تزکیه‌ی نفس و عمل  
صالح را به خوبی معلوم می‌کند.<sup>۴</sup>



۱. المؤمنون / ۱ و ۲

۲. الشمس / ۹

۳. الاعلى / ۱۴

۴. تفسیر نمونه ج ۸ ص ۸۰

## درس ۷

### وقف و علائم آن

#### وقف:

هر انسانی در هنگام سخن گفتن یا قرائت هر متنی ناچار است برای تازه کردن نفس، کلام خود را قطع کرده و پس از تجدید آن به سخن یا قرائت خود ادامه دهد. در قرائت قرآن، قطع صدا جهت تجدید نفس برای ادامه قرائت را وقف گویند. در این درس شیوه‌ی وقف بر آخر کلمات مورد بررسی قرار می‌گیرد. انشاءالله در بخش تجوید قرائت با اقسام و علائم وقف آشنا خواهیم شد.

وقف در آخر کلمه به دو روش انجام می‌شود:

۱- وقف به ابدال      ۲- وقف به اسکان

#### ۱- وقف به ابدال :

ابdal به معنی تبدیل کردن حرفی به حرف دیگر می‌باشد؛ وقف به ابدال در دو مورد می‌باشد:

الف- در صورتی که حرف آخر کلمه تاء گرد (ة-ة) باشد دارای هر حرکتی که باشد در هنگام وقف تبدیل به هاء ساکن می‌شود

مانند:

هُمَّزَه	که خوانده می‌شود
غَبَرَه	که خوانده می‌شود
مُطَهَّرَه	که خوانده می‌شود



<b>الْبَرِيَّةُ</b>	كَهْ خواندَهْ مَيْ شَوَدْ
<b>الْقَارِعَةُ</b>	كَهْ خواندَهْ مَيْ شَوَدْ
<b>فِي الْحُطْمَةِ</b>	كَهْ خواندَهْ مَيْ شَوَدْ

تمرين:

الْعَقَبَةُ - زَلْكَةُ - مَا الْعَقَبَةُ - أَقْبَدَةُ - الْمُوقَدَةُ - الْزَّكُوَةُ - صَدَقَةُ -  
أُمَّةُ - عَشِيَّةُ - بَيْنَةُ - مَرْفُوعَةُ - نَعْجَةُ - أَخْذَةُ - وَاحِدَةُ - لَمَّةُ - قُوَّةُ - مُسْفِرَةُ -  
وَاحِدَةٌ.

ب- چنانچه حرف آخر کلمه دارای تنوین نصب(۲) باشد، در هنگام وقف،  
تنوین به الف مدی تبدیل می شود.

مانند:

كِتَابًا (كتاباً)	هُدًى (هدى)	جزَاءً (جزاءً)
عَلِيَّاً	عَلِيَّمَا	عَلِيَّمَا
كِتابًا	كِتابًا	كِتابًا
هُدًى	هُدًى	هُدًى
مَاءً	مَاءً	مَاءً
عِشَاءً	عِشَاءً	عِشَاءً
مُسَمَّى	مُسَمَّى	مُسَمَّى

تمرين:

عَلِيَّمَا - حَكِيمًا - حَيَّرًا - فَضْلًا - حَرْفًا - شَهْوَةً - بَلْدَةً - مُطَهَّرَةً - طَيِّبَةً - حَامِيَةً -  
هَاوِيَةً - نَسَاءً - مَاءً - غُثَاءً - ضَحَىً - أَذْغَى - سُوَى - مُصَدِّقَةً - خَبِيرًا - بَصِيرًا .

## ۲- وقف به اسکان :

وقف به اسکان عبارت است از ساکن کردن حرف آخر کلمه در هنگام وقف.

وقف به اسکان در صورتی است که حرف آخر کلمه دارای صدای کوتاه، <sup>۹</sup> یا دارای تنوین جر(ے) و یا تنوین رفع (ھ) باشد.

سکون ایجاد شده برای وقف، سکون عارضی نام دارد.

مانند: عَلِيُّونَ - كَفَرُونَ - كَالْفَرَاسِ - بِالْخَيْرَاتِ - مَوَازِينُهُ - الْحَيْمُ - لَخَيْرُ - لَشِيدُ - مَحِيدٍ - مَأْكُولٍ .

در صورتی که حرف آخر کلمه مشدد باشد، در هنگام وقف ساکن می شود ولی تشدید آن باقی می ماند و نباید بدون تشدید خوانده شود.

مانند: عَلَيَّ - فَطَلُّ - الْأَذَلُّ

بنابراین در کلماتی مانند: عَدُوٌّ، وَلِيٌّ، النَّبِيُّ که حرف آخر آن دارای تشدید می باشد، پس از وقف بر آن کلمه، باید به صورت مشدد تلفظ شده و مانند واو یا یاء مدی خوانده نشود.

در صورتی که حرف آخر کلمه از حروف مدی باشد حرف ساکن در آخر کلمه در وقف ساکن، باقی می ماند. وقف بدون تغییر بوده و حرف مدی به همان شکل باقی می ماند.

مانند: زَلَّا hَا - جَنَّتِي - أَلَا تَعُولُوا - عَلَيْهِمْ - مَاهِيَةٌ - حَقَّتْ - مُدَثْ .

## وقف به حرکت و وصل به سکون :

وقف صحیح بر دور کن استوار است:

۱- قطع صدا بر آخر کلمه همراه با مکث و تجدید نفس.

۲- ساکن کردن یا ابدال حرف آخر کلمه‌ای که بر آن وقف می گردد.

چنانچه صدا در آخر کلمه قطع شود ولی حرف آخر کلمه ساکن یا تبدیل نشود، وقف به حرکت خواهد بود مانند: هُوَ - هِيَ

همچنین اگر حرف آخر کلمه ساکن یا ابدال گردد ولی صدا قطع نشده و



مکث انجام نشود، وصل به سکون خواهد بود.

وقف به حرکت و وصل به سکون صحیح نبوده و در قرائت نماز موجب اشکال می‌گردد که در رساله‌های عملیه بدان اشاره نموده‌اند.

### علائم وقف و عدم آن:

وقف و ابتداء، در هر زبانی ویژگی خاصی دارد؛ به ویژه در قرآن کریم که لازمه‌ی فraigیری آن آگاهی داشتن به علوم زیادی است. علامتی که در این رسم الخط جهت وقف و ابتداء مورد استفاده قرار گرفته‌اند عبارت است از:

۱) وقف لازم، یعنی وقف کردن، لازم و ضروری است.

۲) وقف ممنوع، یعنی نباید وقف کرد؛ البته اگر آخر آیه باشد، اشکالی ندارد.

۳) وقف جایز، یعنی وقف کردن و نکردن یکسان است.

۴) وقف جایز، یعنی وقف کردن، بهتر است.

۵) وقف جایز، یعنی وصل نمودن کلمه به کلمه بعد، بهتر است.

۶) وقف معانقه، یعنی وقف بر یکی از سه نقطه جایز است. در صورت وقف بر هر یک از دو موضع، از ادامه آیه ابتداء می‌شود.



سُورَةُ النَّازِعَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالنَّازِعَاتِ عَزِيزًا ١ وَالثَّاشرَاتِ نَشَاطًا ٢ وَالسَّاحِراتِ سَبِيلًا ٣  
فَالثَّابِعَاتِ سَبِيلًا ٤ فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا ٥ يَوْمَ تَرْجُفُ الْرَّاحِفَةُ ٦ تَتَبَعَّهَا  
الرَّافِفةُ ٧ قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ ٨ أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ ٩ يَقُولُونَ إِنَّا  
لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ ١٠ إِذَا كُنَّا عِظَامًا نَغْزِرَةً ١١ قَالُوا تِلْكَ إِذَا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ  
فَإِنَّمَا هِيَ زَجَرَةٌ وَاحِدَةٌ ١٢ فَإِذَا هُرِزَ بِالسَّاهِرَةِ ١٣ هَلْ أَتَنِكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ  
إِذْ نَادَهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمَقْدَسِ طُويٌّ ١٤ أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ١٥  
فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَى أَنْ تَرَكَنِي ١٦ وَأَهْدِيَكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَشَخَّشَنِي ١٧ فَأَرْأَيْتُهُ أَلْآيَةً  
الْكُبُرَى ١٨ فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ ١٩ شَهِيْدٌ أَدْبَرَ يَسْعَىٰ ٢٠ فَشَرَّ فَنَادَىٰ ٢١ فَقَالَ  
أَنَا رَبُّكُمْ أَلَّا عَلَىٰ ٢٢ فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ ٢٣ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعْبَرَةً  
لِمَنْ يَعْشَىٰ ٢٤ إِنَّمَا أَشَدُ خَلْقَاهُ أَمَّ السَّمَاوَاتِ بَنَنَاهَا ٢٥ رَفَعَ سَكَّهَا فَسَوَّنَاهَا ٢٦  
وَأَغْطَشَ لَيْلَاهَا وَأَخْرَجَ فُحْنَاهَا ٢٧ وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحْنَهَا ٢٨ أَخْرَجَ مِنْهَا  
مَاءَهَا وَرَزَّعَهَا ٢٩ وَالْمِبْالَأَ أَرْسَنَهَا ٣٠ مَتَاعًا لَكُمْ وَلَا تَنْعَمُ كُمْ ٣١

### سوره‌ی نازعات

#### بنام خداوند بخشندۀ بخشایشگر

- ۱- سوگند به فرشتگانی که ارواح مجرمان را به شدت از بدنها بیشان بر می‌کشند!
- ۲- و فرشتگانی که ارواح مؤمنان را با مدارا و نشاط جدا می‌سازند. ۳- و سوگند به فرشتگانی که در اجرای فرمان الهی با سرعت حرکت می‌کنند. ۴- و سپس بر یکدیگر سبقت می‌گیرند ۵- و آنها که امور را تدبیر می‌کنند! ۶- در آن روز که زلزله‌های وحشتناک همه چیز را به لرزه در می‌آورند. ۷- و به دنبال آن حادثه دومین (صیحه عظیم) رخ می‌دهد. ۸- دلهایی در آن روز سخت مضطرب است. ۹- و چشمهای آنان از شدت ترس فرو افتاده! ۱۰- (ولی امروز) می‌گویند: آیا ما به زندگی مجدد بازمی‌گردیم؟! ۱۱- آیا هنگامی که استخوانهای پوسیده‌ای شدیم (ممکن است زنده شویم؟). ۱۲- می‌گویند اگر قیامتی در کار باشد بازگشتی است زیبار! ۱۳- ولی این بازگشت تنها با یک صیحه عظیم واقع می‌شود. ۱۴- ناگهان همگی بر عرصه زمین ظاهر می‌شوند. ۱۵- آیا داستان موسی به تو رسیده است؟! ۱۶- در آن هنگام که پروردگارش او را در سرزمین مقدس طوی صدا زد و گفت: ۱۷- به سوی فرعون برو که طغیان کرده است. ۱۸- و به او بگو: آیا می‌خواهی پاکیزه شوی؟! ۱۹- و من تو را به سوی پروردگارت هدایت کنم تا از او بترسی (و خلاف نکنی). ۲۰- سپس موسی معجزه‌ی بزرگ را به او نشان داد. ۲۱- اما او تکذیب کرد و عصیان نمود. ۲۲- سپس پیش کرد و پیوسته (برای محو آیین موسی) تلاش نمود. ۲۳- و ساحران را جمع کرد و مردم را دعوت نمود. ۲۴- و گفت من پروردگار بزرگ شما هستم! ۲۵- لذا خداوند او را به عذاب آخرت و دنیا گرفتار ساخت. ۲۶- در این عبرتی است برای کسانی که خدا ترسند. ۲۷- آیا آفرینش شما (بعد از مرگ) مشکل‌تر است یا آفرینش آسمانی که خداوند بنا نهاد؟! ۲۸- سقف آن را برافراشته و آن را منظم ساخت. ۲۹- و شبیش را تاریک و روزش را آشکار نمود. ۳۰- و زمین را بعد از آن گسترش داد. ۳۱- آیش خارج کرد و چراغ‌هاش را آماده ساخت. ۳۲- و کوهها را ثابت و محکم نمود. ۳۳- همه‌ی اینها برای بهره گیری شما و چهارپایان شما است.

فِإِذَا جَاءَتِ الْطَّامِهُ الْكُبُرَىٰ ﴿٢٥﴾ يَوْمَ يَسْدَكُ الْأَنْسَانُ مَا سَعَىٰ وَبُرَزَتِ  
الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَىٰ ﴿٢٦﴾ فَإِنَّمَا مَنْ طَغَىٰ ﴿٢٧﴾ وَمَا تَرَ أَخْيَوَةَ الدُّنْيَا ﴿٢٨﴾ فَإِنَّ الْجَحِيمَ  
هِيَ الْمَأْوَىٰ ﴿٢٩﴾ وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَهَىَ النَّفْسُ عَنِ الْهُنْوَىٰ ﴿٣٠﴾ فَإِنَّ  
الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ﴿٣١﴾ يَسْتَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَلِهَا ﴿٣٢﴾ فِيمَ أَنْتَ مِنْ  
ذَكْرِهَا ﴿٣٣﴾ إِلَى رَبِّكَ مُتَبَّهِهَا ﴿٣٤﴾ إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ مَنْ يَخْشِيُهَا ﴿٣٥﴾ كَانُوكُمْ يَوْمَ  
يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبِسُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ فُصْحَنَهَا ﴿٣٦﴾



۳۴- هنگامی که آن حادثه‌ی بزرگ رخ دهد. ۳۵- در آن روز انسان به یاد کوشش‌هایش می‌افتد. ۳۶- و جهنم برای هر بیننده‌ای آشکار می‌گردد. ۳۷- اما آن کسی که طفیان کرده، ۳۸- و زندگی دنیا را مقدم داشته، ۳۹- مسلمان دوزخ جایگاه او است. ۴۰- و آن کس که از مقام پرورده‌گارش خائف بوده و نفس را از هوی باز داشته، ۴۱- بهشت جایگاه او است. ۴۲- از تو درباره‌ی قیامت سؤال می‌کنند که در چه زمانی واقع می‌شود؟ ۴۳- تو را با یادآوری این سخن چه کار؟ ۴۴- انتهای آن به سوی پروردگار تو است. ۴۵- کار تو فقط اندزار کردن کسانی است که از آن می‌ترسند. ۴۶- آنها در آن روز که قیام قیامت را می‌بینند چنین احساس می‌کنند که گویی توقف آنها (در دنیا و برزخ) جز عصر گاهی یا صبحگاهی بیشتر نبوده است.



### خوف

خوف به معنی ترس است. منظور از خوف در قرآن کریم، خودداری از گناهان و برگزیدن طاعت خداوند است.<sup>۱</sup> در قرآن کریم، «خوف» در رابطه با چند گروه مطرح شده است: ۱- اولیاء الله، شهیدان، مؤمنان، پرهیزکاران، صالحان و نیکوکاران<sup>۲</sup>. مانند «...فَمَنْ تَبَعَ هُدًى فَلَا خُوفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُون»<sup>۳</sup> کسانی که از هدایت من پیروی کنند، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین شوند، یعنی زندگی سراسر اضطراب انسان در این جهان پیوسته در میان خوف و حزن است، ترس از آینده و اندوه بر گذشته. اما آنچه می‌تواند انسان را به ثبات و آرامش برساند پیروی از پیام‌های هدایت الهی است.<sup>۴</sup>

۲- بیمناکان از خدا: «وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَان»<sup>۵</sup> و برای کسی که از مقام پروردگارش برتسد باغ بهشتی است. در روایت از امام صادق<sup>ؑ</sup> است که فرمود مقام رب آن است که انسان بداند که خدا او را می‌بیند و آنچه می‌گوید می‌شنود و آنچه از خوب و بد می‌کند می‌داند.<sup>۶</sup>

۳- کسانی که از عذاب آخرت می‌ترسند: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَا يَهُدِ لِمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ»<sup>۷</sup> در این [عذاب دنیا] نشانه‌ای است برای کسی که از عذاب آخرت می‌ترسد.

۴- شیطان: «أَنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يَخْوَفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ

۱. مفردات ص ۱۶۱

۲. دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی ج ۱ ص ۱۰۲۲

۳. البقره / ۳۸

۴. پرتوی از قرآن ج ۱ ص ۱۳۵

۵. الرحمن / ۴۶ همچنین ن. ک: ابراهیم / ۱۴ و النازعات / ۴۰

۶. ع راحسن الحديث ج ۱۰ ص ۴۹۲

۷. هود / ۱۰۳

مؤمنین<sup>۱</sup> این شیطان است که پیروان خود را (با سخنان و شایعات بی اساس) می ترساند. از آن ها نترسید و تنها از من بترسید اگر ایمان دارید. و پیام آیه شریفه این است که مؤمنان واقعی از ولایت شیطان دورند و لذا از غیر خدا نمی ترسند.<sup>۲</sup> یعنی وسوسه های هراس انگیز شیطان در نفوس تهی از ایمان مؤثر است. و منظور خداوند از اینکه فرمود از من بترسید، رعایت اوامر، احکام و سنن الهی است.<sup>۳</sup>

## دسته ۵۰م:

### تہذیب



## **بخش دوّم:**

### **تجوید**

درس ۸

### تلفظ حروف «و، ث، ذ، ح، ع، غ» (۱)

برای تلفظ صحیح حرف، رعایت مخارج و صفات حروف ضروری است. با توجه به اهمیت تلفظ صحیح حروف و تأثیر مستقیم آن در قرائت نماز، در این درس و دروس آینده به بررسی تلفظ و تمایز حروف خواهیم پرداخت. حروفی که تلفظ آن در زبان عربی با فارسی متفاوت می‌باشد عبارت است از: «ث-ح-ذ-ص-ض-ط-ظ-ع-غ-و».

ترتیب زیر بر اساس سهولت آموزش و فراغیری آنها در نظر گرفته شده است.

#### حروف:

حرف «و» واو در زبان فارسی از مخرج حرف «ف» یعنی لب زیرین و دندان‌های ثناخای بالا تلفظ می‌شود، ولی در زبان عربی حرف واو از میان لب‌ها و بدون دخالت دندان‌ها اداء می‌گردد. باید دقت شود که لب‌ها در تلفظ واو به صورت گرد (غنجه) در آیند. یادآور می‌شویم حرف واو، نازک و کم حجم تلفظ می‌شود.

تمرین:

أَوَّلَيْنَ - أَوَّلَابِينَ - أَوَّلَادَكُفْ - مَوْلَاكُفْ - أَوْجَفْتُمْ - وَالِدَقِ - أَوَّلَمَا

## حروف ث

حروف «ث» ناء در فارسی با صدای «س» تلفظ می‌گردد، در زبان عربی برای ادای حرف «ث» نوک زبان با سر دندان‌های ثنایای بالا (دو دندان جلوی بالا) مماس شده و هوا با فشار از میان دندان‌ها خارج می‌شود مانند: (بَثْ)  
بنابراین صدای صفير (سوت) که در حرف «س» شنيده می‌شود در حرف «ث» وجود ندارد.

مقایسه کنید: إِسْمٌ - إِثْمٌ      يَلْبِسُونَ - يَلْبِسُونَ

### تمرین:

بَثْ - مَثْوَاكُنْ - يَثْرِبَ - مِثْلَهُمْ - مَثْنَى - ثُمُودَ - ثَلَاثَ - مَثَانِيَ - ثَامِنُهُمْ - يُثَابُونَ  
- جَاهِيَّةَ - جِهِيَّاً - ثَلَاثُونَ - ثَالِثُ - ثَلَاثَةَ - يَا أَيُّهَا الْمُذَّمِّرُ - وَلَا يَسْتَشْتُونَ

## حروف ذ

حروف «ذ» دال در فارسی با صدای «ز» ادا می‌شود. برای تلفظ حرف «ذ» بخش مجاور نوک زبان به سر دندان‌های ثنایای بالا متصل شده به قسمی که نوک زبان قدری جلوتر از دندان‌ها قرار می‌گیرد، صدای حرف «ذ» طریف، نازک و کم حجم می‌باشد. دقت گردد نوک زبان با فشار به دندان‌ها نچسبید چرا که حرفی، شبیه به دال تلفظ خواهد شد.

مقایسه کنید: نَزَلَ - لَدَّةٌ

### تمرین:

أَذْهَبَ - تَدْهِبُونَ - يُدْهِبُوكُمْ - ذُكْرِهِزْ - مَذْهَبَيْنَ - أَذَاعُوا - ذَالِكُمْ - ذُلْكَتْ - ذَنْبُوا  
- تُكَذِّبَانِ - فَأَذَنَ مُؤَذِّنَ - يُكَذِّبُوا - وَإِذَا ذُكْرُوا أَلَا يَذْكُرُونَ.

## حروف: ح

حروف «ح» حاء در فارسی به صورت هاء «ه» تلفظ می‌شود. برای تلفظ صحیح حرف حاء «ح» آن را از وسط حلق ادا می‌کنیم، به گونه‌ای که دیواره‌ی حلق فشرده شده و صدای آن با گرفتگی همراه است و به این حالت «بَحْدَه» گفته می‌شود. مقایسه کنید: **أَهِلٌ - أَحِلٌ**.

## تمرین:

**أَحَسَنٌ - أَخْيَا - تَخْثِثُهَا - حَسِيبَنَ - حَسِيبَهَا - حِيتَاهُهُ - تَعْيَيْهُهُ - حَيَاةَهُ -  
حُرْمَتٌ - حُنَفَاءَ - يَحْوُلُ - يُسَبِّحُونَ - حِينَ تُرِيمُونَ - حِينَ تَسَرِّحُونَ - نَحْنُ نُسَبِّحُ  
بِحَمْدِكَ.**

## حروف: ع

حروف «ع» در فارسی به صورت «ء» ادا می‌شود. به تفاوت آنها در زبان عربی توجه کنید. همزه «ء» از انتهای حلق تلفظ شده به گونه‌ای که صدای آن توسط تارهای صوتی قطع می‌گردد ولی «ع» از وسط حلق ادا شده و در هنگام تلفظ آن دیواره‌ی حلق تنگ شده و صدای این حرف به نرمی به دیواره‌ی حلق کشیده می‌شود.

مقایسه کنید:

**أَمَلَّا - عَمَلَّا - أَمِينٌ - عَيْنٌ - تَأَلَّمُونَ - تَعْلَمُونَ - يَأْمُرُ - يَعْمَرُ**

## تمرین:

أَغَلَى - أَعْلَمُ - يَعْلَمُونَ - تَعْبُدُ - إِعْلَمُوا - نِعْمَ - يَعْجِبُنَ - عَالِيهِمْ - عَلَيْهِمْ - مَعَكُمْ  
- عِبَادِي - عَلْمًا - يَدْعُ الْيَتَمَ - لَا أَغْبُدُ مَا تَغْبُدُونَ - تَشَعَّجُلُونَ - مَعَايشَ -

عَالِيهِمْ - تَعَالَى - فَمَنِ اغْتَدَى عَلَيْكُمْ فَأَغْتَدُوا عَلَيْهِ مِثْلٍ مَا أَغْتَدَى عَلَيْكُمْ

### حروف غ و خ

حروف «غ» در فارسی با صدای «ق» شباہت دارد به تفاوت این دو توجه نمایید. حروف «ق» به کمک زبان کوچک، باشد و سختی تلفظ می‌شود، به طوری که صدای آن کاملاً قطع می‌گردد ولی حرف «غ» از مرز حلق و دهان، با سستی و سایش تلفظ می‌شود و صدای آن شبیه به غرغره کردن آب در گلو همراه با کشش و امتداد می‌باشد. ضمناً صدای «غ» درشت و پرحجم است و حالت خراش و خشونت حرف «خ» را ندارد.

مقایسه کنید:

أَغْنَى - أَقْنَى - قَدَ - غَدَ - يَغْبَلُ - يَقْبَلُ - أَغْرَقْتَا - نُغْرِقْهُمْ

### تمرین:

غَيْرٌ - غُلَامٌ - لُغُوبٌ - صَنْعِيٌّ - بَاغٌ - الْغَافِرِينَ



سُورَةُ الْحُجَّارَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ظَاهَرُوا لَا تُقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَتَقْوَا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ  
عَلِيمٌ ﴿١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ظَاهَرُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا جَهَرُوا  
لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهَرِ بَعْضُكُمْ لِيَعْضُّ إِنْ تَحْبَطْ أَعْمَالُكُمْ وَإِنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٢﴾ إِنَّ  
الَّذِينَ يَغْضُضُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ آمَنُتُمْ حَنَّ اللَّهُ قُلُوبُهُمْ  
لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَآجَرٌ عَظِيمٌ ﴿٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُنَادَوْنَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجَّارَاتِ  
أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٤﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّىٰ تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَ  
أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ظَاهَرُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ فَتَبَيَّنُوْا أَنَّ  
الَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ظَاهَرُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ فَتَبَيَّنُوْا أَنَّ  
تُصَبِّبُوْا قَوْمًا بِمَا بَعْهَالَةٍ فَتُصَبِّبُوْهُمْ عَلَىٰ مَا فَعَلُمْ نَادِمِيْنَ ﴿٧﴾ وَأَعْلَمُوْا أَنَّ فِيْكُمْ  
رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنْ الْأَمْرِ لَعِنْتُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمْ  
الْإِيمَانَ وَرَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفَّرُ وَالْفُسُوقُ وَالْعِصْيَانُ أُولَئِكَ  
هُمُ الْأَرَادُونَ ﴿٨﴾ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَنِعْمَةٌ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٩﴾ وَإِنْ طَافُتُنَّ مِنْ  
الْمُؤْمِنِينَ أَفْتَنَّهُمْ فَأَصْلِحُوْهُمْ بَيْنَهُمْ فَإِنْ بَعْدَ إِحْدَيْهُمَا عَلَىٰ آخَرِيْ فَقَاتِلُوا  
آتَيْتُمْهُمْ تَبَغِيْ هَذِهِ تَبَغِيْ إِلَىٰ آمِنِ اللَّهِ فَإِنْ فَأَمَّا فَأَمَّا فَأَمَّا فَأَمَّا فَأَمَّا  
إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِيْنَ ﴿١٠﴾ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوْهُمْ بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ وَ  
أَتَقْوَا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْجُوْنَ ﴿١١﴾



## سوره‌ی حجرات

### بنام خداوند بخشندۀ بخشایشگر

۱- ای کسانی که ایمان آورده اید چیزی را بر خدا و رسولش مقدم نشمرید و پیشی مگیرید و تقوای الهی پیشه کنید که خداوند شناو و داناست. ۲- ای کسانی که ایمان آورده اید صدای خود را فراتر از صدای پیامبر نکنید، و در برابر او بلند سخن مگوئید (و داد و فریاد نزنید) آنگونه که بعضی از شما در برابر بعضی می‌کنند، مبادا اعمال شما نابود گردد در حالی که نمی‌دانید! ۳- آنها که صدای خود را نزد رسول خدا کوتاه می‌کنند کسانی هستند که خداوند قلوبشان را برای تقوی خالص نموده، و برای آنها آمرزش و پاداش عظیمی است. ۴- (ولی) کسانی که تو را از پشت حجره‌ها بلند صدا می‌زنند اکثرشان نمی‌فهمند! ۵- هرگاه آنها صبر می‌گردند تا خود به سراغشان آئی برای آنها بهتر بود و خداوند غفور و رحیم است. ۶- ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید! ۷- و بدانید رسول خدا در میان شماست؛ هرگاه در بسیاری از کارها از شما اطاعت کند، به مشقت خواهید افتاد؛ ولی خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دلها یتان زینت بخشدید، و [به عکس] کفر و فسق و گناه را منفور تان قرار داده است؛ کسانی که دارای این صفاتند هدایت یافتگانند! ۸- [و این برای شما بعنوان] فضل و نعمتی از سوی خداست؛ و خداوند دانا و حکیم است! ۹- و هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و چنگ پردازند، آنها را آشتبای دهید؛ و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متتجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد؛ و هرگاه بازگشت [و زمینه صلح فراهم شد]، در میان آن دو به عدالت، صلح برقرار سازید؛ و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می‌دارد. ۱۰- مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتبای دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ظَاهَرُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ  
مِّنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنابِرُوا بِالْأَلْقَابِ  
إِنَّ اللَّهَ أَعْلَمُ بِمَا يَعْمَلُونَ ١١ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ظَاهَرُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ  
مِّنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنابِرُوا بِالْأَلْقَابِ  
إِنَّ اللَّهَ أَعْلَمُ بِمَا يَعْمَلُونَ ١٢ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ظَاهَرُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ  
مِّنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنابِرُوا بِالْأَلْقَابِ  
إِنَّ اللَّهَ أَعْلَمُ بِمَا يَعْمَلُونَ ١٣ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِذَا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ذَرَّةٍ وَأَنْشَئْنَا  
وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِيلَ لَتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقْلِبُكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ  
خَبِيرٌ ١٤ قَالَتِ الْأَغْرَابُ مَا مَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا  
يَدْخُلُ الْأَيَّامُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِثُكُمْ مِّنْ أَعْمَالِكُمْ  
شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ ١٥ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ظَاهَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ شَيْءٌ لَّمْ  
يَرْتَابُوا وَجَاهُدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ لِنَكَ هُمُ الْصَادِقُونَ ١٦  
قُلْ أَتَعْلَمُونَ اللَّهُ يَعْلَمُ بِمَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ  
شَيْءٌ عَلِيمٌ ١٧ يَعْلَمُونَ عَلَيْكَ أَنَّ أَسْلَمُوا قُلْ لَا يَمْتُوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَعْلَمُ  
عَلَيْكُمْ أَنَّ هَذِنَكُمْ لِلْأَيَّامِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ١٨ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَ  
الْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ مَا تَعْمَلُونَ

۱۱- ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند؛ و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند؛ و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید؛ و آنها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند! ۱۲- ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمانها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمانها گناه است؛ و هرگز [در کار دیگران] تجسس نکنید؛ و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرد خود را بخورد؟! [به یقین]  
 همه‌ی شما از این امر کراحت دارید؛ تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است! ۱۳- ای مردم! ما شمارا از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسیم؛ [اینها ملاک امتیاز نیست،] گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است! ۱۴- عربهای بادیه‌نشین گفتند: «ایمان آورده‌ایم» بگو: «شما ایمان نباورده‌اید، ولی بگویید اسلام آورده‌ایم، اما هنوز ایمان وارد قلب شما نشده است و اگر از خدا و رسولش اطاعت کنید، چیزی از پاداش کارهای شما را فروگذار نمی‌کند، خداوند، آمرزنده مهربان است.» ۱۵- مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند، سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کرده‌اند؛ آنها راستگویانند. ۱۶- بگو: «آیا خدا را از ایمان خود با خبر می‌سازید؟! او تمام آنچه را در آسمانها و زمین است می‌داند؛ و خداوند از همه چیز آگاه است!» ۱۷- آنها بر تو متن می‌نهند که اسلام آورده‌اند؛ بگو: «اسلام آوردن خود را بر من متن نگذارید، بلکه خداوند بر شما متن می‌نهد که شما را به سوی ایمان هدایت کرده است، اگر [در ادعای ایمان] راستگو هستید! ۱۸- خداوند غیب آسمانها و زمین را می‌داند و نسبت به آنچه انجام می‌دهید بیناست!»

## مفاهیم

### آداب سخن گفتن

قرآن کریم، سه نوع سخن گفتن را مذکور شده و بدان‌ها امر فرموده است!

۱- قول سدید: «**يَا إِيَّاهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا**»<sup>۱</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید. منظور از سخن سدید، سخنی است که خالی از دروغ و تهمت و ناروا و در عین حال مفید باشد.<sup>۲</sup>

۲- قول حسن: «...وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»<sup>۳</sup> و به مردم نیک بگویید. منظور از آن بیان خیر و صلاح و راهنمایی به خیر است.<sup>۴</sup>

۳- قول معروف: به معنی سخن شایسته، در سه موضع از قرآن کریم و در ارتباط با زنان و بیت‌مان به کار رفته است<sup>۵</sup> و منظور این است که با زبان نرم و نیکو و همراه با نصیحت و ارشاد با آنان سخن گفته شود.<sup>۶</sup>

بر این اساس می‌توان گفت، زبان، مؤثث‌ترین عضو بدن در طاعت و هدایت و اصلاح است و در عین حال خطرناک‌ترین و گناه‌کارترین عضو بدن محسوب می‌شود تا آنجا که حدود سی گناه از آن صادر می‌شود از جمله دروغ، غیبت، سخن چینی، اشاعه فحشاء، خشونت در سخن، آزار با زبان، کفران نعمت، تبلیغ باطل و ...

در حدیثی پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: «ایمان هیچ بنده‌ای از بندگان خدا به

۱. الاحزاب / ۷۰

۲. احسن الحديث ج ۸ ص ۴۰۰

۳. تفسیر نمونه ج ۱۷ ص ۴۴۷

۴. البقره / ۸۳

۵. برتوی از قرآن ج ۱ ص ۲۱۶

۶. البقره / ۲۲۵ و النساء / ۸ و ۹

۷. اطیب البیان فی تفسیر القرآن ج ۴ ص ۱۵

راستی نمی‌گراید مگر اینکه قلبش مستقیم گردد و قلبش مستقیم نمی‌شود مگر  
اینکه زبانش درست شود.»<sup>۱</sup>

از این رو نقل شده است که هرگز پیامبر ﷺ بر منبرش ننشست مگر اینکه  
این آیه را تلاوت فرمود: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای الهی پیشه کنید و  
سخن حق بگویید.<sup>۲</sup>



## درس ۹

### تلفظ حروف «ص، ض، ط، ظ» (۲)

حروف ط:

حروف «ط» در فارسی با صدای «ت» ادا می‌شود. به تفاوت آنها در زبان عربی توجه کنید. حرف «ط» مانند «ت» از اتصال بخش جلوی سطح زبان با برآمدگی نرمی کام بالا و لته و دندان‌های ثنایایی بالا تلفظ می‌شود. حرف «ت» تاء از حروف استفال بوده و صدای آن به علت گستردگی شدن زبان و نیز جدا و دور بودن آن از نرمی کام، نازک و کم حجم است ولی حرف «ط» دارای صفات اطباق و استعلاه بوده و به علت انطباق سطح زبان با سقف دهان و تمایل ریشه‌ی زبان به نرمی کام، درشت و پر حجم ادا می‌شود.

مقایسه کنید:

تَيْنٌ - طِينٌ      تَابَ - طَابَ      قَانِتِينَ - قَانِطِينَ      التَّالِيَنَ - الطَّالِيَنَ

تمرین:

أَطْغَى - يَطْمَعُ - مُطْمَئِنِينَ - يُطْمِئِنُونَ - طَائِفَتَانِ - أَطَاعُونَا - بَطَانَتْهَا - طِفْلًا - أَسَاطِيرُ - طُمِسَتْ - طُغِيَانًا - يَطْوُفُونَ - وَلَا تُشَطِّطْ - لِلْطَّاغِيَنَ - تَطَلِّعَ - فَاطَّهَرَوا - عُطَلَتْ.



## تلفظ حروف «ص، ض، ط، ظ» (۲)

حرف ط:

حرف «ط» در فارسی با صدای «ت» ادا می‌شود. به تفاوت آنها در زبان عربی توجه کنید. حرف «ط» مانند «ت» از اتصال بخش جلوی سطح زبان با برآمدگی نرمی کام بالا و لته و دندان‌های ثناخایی بالا تلفظ می‌شود. حرف «ت» تاء از حروف استفال بوده و صدای آن به علت گستردگی شدن زبان و نیز جدا و دور بودن آن از نرمی کام، نازک و کم حجم است ولی حرف «ط» دارای صفات اطباق و استعلاه بوده و به علت انطباق سطح زبان با سقف دهان و تمایل ریشه‌ی زبان به نرمی کام، درشت و پر حجم ادا می‌شود.

مقایسه کنید:

تَيْنٌ - طِينٌ      قَانِتِينٌ - قَانِطِينٌ      التَّالِيْنَ - الْتَّالِيْنَ

تمرین:

أَطْغَىٰ - يَطْمَعُ - مُطْمَئِنٌ - يُطْمَئِنُونَ - طَائِفَتَانِ - أَطَاعُونَا - بَطَائِنُهَا - طِفَّلًا - أَسَاطِيرُ طُمِسَتْ - طُغِيَانًا - يَطْوُفُونَ - وَلَا تُشَطِّطْ - لِلْطَّاغِيْنَ - تَطَلَّعٌ - فَاطَّهَرَوْا - عُطَلَتْ .



## حروف ص:

حروف «ص» صاد در زبان فارسی با صدای «س» سین ادا می‌گردد. به تفاوت آن دو در زبان عربی توجه فرمائید. حرف «صاد» مانند «سین» از بخش جلوی زبان و لشه و بین دندان‌های ثنایایی بالا تلفظ می‌شود. جلوی سطح زبان به صورت شیاری درآمده و به مرز لته و دندان‌ها نزدیک می‌شود. برای حرف صاد سطح زبان گود شده و ریشه‌ی زبان به طرف نرمی کام می‌آید. تأکید می‌شود که هنگام تلفظ «ص» نباید صدای سوت شدیدی شنیده شود، بلکه بایستی در رعایت صفیر با سوت این حرف اعتدال داشت.

مقایسه کنید:

عَسَيْتُمْ - عَصَيْتُمْ

نَسِّراً - نَصَرَّاً

عَسَى - عَصَى

أَصَرُّواً - أَسْرُواً

نَسِّبَاً - نَصَبَاً

## تمرین:

أَصْلَحَ - صِرَاطَ - أَصْدَقَ - سَأَصْرِفُ - سَيَصْلُونَ - يَفْصِلُ - يُفَصِّلُ - فَصَلَنَا - نَفْصُ -  
مَصَانِعَ - أَصَابُهُمْ - نَصَبَاً - صَيَاصِيهِمْ - تُوْصُونَ - فَالصَّالِحَاتُ - يَصَدَّقُوا - قَصَصْنَا -  
نَقْصُصْهُمْ - يَغْوِصُونَ - فَاقْصُصِ الْقَصَصَ - إِنَّ الْمُصَدِّيقَيْنَ وَ الْمُصَدِّقَاتِ

## حروف ظ:

حروف «ظ» ظاء مانند «ذ» ذال از اتصال نوک زبان به سر دندان‌های ثنایایی بالا تولید می‌گردد. با این تفاوت که حرف ذال به خاطر دارا بودن صفت استفال نازک و کم حجم است، ولی حرف ظاء دارای صفات اطباق و استعلاه بوده و به علت انطباق سطح زبان با سقف دهان و تمایل ریشه‌ی زبان به نرمی کام، درشت و پر حجم ادا می‌شود.



مقایسه کنید:

أَذْهَبَ - أَظْلَمَ	مُنْذِرِينَ - مُنْظَرِينَ
مَحْذُورًا - مَخْتُورًا	ذَلِكَ - ظَالِمٌ

تمرین:

أَظْلَمَ - يَظْلِلُنَّ - يُظْهِرُ - حَفَظْتَاهَا - وَأَغْلَطَ - مُظْلِمُونَ - ظَلَمُوا - ظَلَّتْ - وَلَمْ يُظَاهِرُوا -  
ظِلَالُهَا - حَافِظِينَ - ظُلُمَاتٌ - يُعَظِّمُ - فَظًا - حَظًا - تَأْتَىٰ - إِنَّ الظَّنَّ - هُوَ الظَّالِمُونَ -  
إِلَى الظِّلَّ - إِلَى ظَلٍّ - كَذَالِكَ بَخْزِي الظَّالِمِينَ.

حرف ض:

تلفظ حرف «ض» ضد در زبان عربی شباهت به حرف «ظ» ظاء دارد و با استی دقت نمود تا از یکدیگر متمایز گردد. تفاوت میان «ض» و «ظ» در محل تلفظ آنها است. بدین صورت که حرف «ظ» از برخورد نوک زبان با دندان های پیشین بالا ادا شده ولی در تلفظ حرف «ض» کناره‌ی زبان به تدریج به دندان های کناری بالا متصل شده و سپس به آرامی از آن جدا می شود.

مقایسه کنید:

نَاضِرَةٌ - نَاظِرَةٌ	فَضَلُّوا - فَظَلُّوا	نَضْرَةٌ - نَظْرَةٌ
-----------------------	-----------------------	---------------------

تمرین:

أَضَعَفُ - يَضْرِبُنَّ - فَضَلًا - رَضْوَانٌ - مُضْعِفُونَ - ضَلَّ - لَضَالُونَ - نَضْبَجَتْ - ضَعَافًا -  
رَضِيَّتْ - ضُرِبَتْ - وَأَغْضَضَ - عَرَضُهَا - مَغْضُوبٌ - مَخْضُودٌ - رَضُوا - يَنْفَضُوا -

فَضَلَّنا

سُورَةُ لُقْمَانَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُ ۝ تَلَكَ مَا يَاتَ الْكِتَابُ الْحَكِيمُ ۝ هُدًى وَرَحْمَةٌ لِلنَّاسِ ۝  
الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكُوَةَ وَهُرِبُوا إِلَيْهِ ۝ هُنَّ يُوقَنُونَ ۝  
أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُنَ الْمُفْلِحُونَ ۝ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ  
يَشْتَرِي لَهُنَّا الْحَدِيثَ لِيُضْلِلَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۝ وَيَسْتَخْدِهَا هُنُوًا  
أُولَئِكَ هُنُّمْ عَذَابُهُمْ مُهِمِّ ۝ وَإِذَا تُشَلِّ عَلَيْهِ مَا يَأْتِنَا وَلَنْ مُسْتَكْبِرًا كَانَ لَهُ  
يَسْمَعُهَا كَانَ فِي أُذْنِيهِ وَقَرَأَ فَبَشَّرَهُ بِعَذَابِ الْيَمِّ ۝ إِنَّ الَّذِينَ مَا آمَنُوا وَعَلُوا  
الصَّالِحَاتِ هُنَّمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ ۝ خَالِدُونَ فِيهَا وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ  
الْحَكِيمُ ۝ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عِنْدِ تَرْوِيَهَا وَالْأَرْضَ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَّ أَنْ  
تَبَيَّدِيْكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ ۝ وَأَنْزَلَنَا مِنَ السَّمَاوَاتِ مَا شِئْنَا فَانْبَثَنَا فِيهَا مِنْ  
كُلِّ زَوْجٍ كَبِيرٍ ۝ هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَارُونِي ما ذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ بَلِ  
الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ وَلَقَدْ مَا أَتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ أَشْكُرَ لِلَّهِ  
وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ عَنِّيْ حَمِيدٌ ۝ وَإِذَا قَالَ  
لُقْمَانُ لِأَبْنِيهِ وَهُوَ يَعْظُمُهُ يَا بُنَيْ لَا تُشْرِكُ بِاللَّهِ إِنَّ الشَّرِكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ۝  
وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهُنَّا عَلَى وَهِنِّ وَفِصَالُهُ وَفِي عَامَيْنِ  
أَنْ أَشْكُرْ بِلِ وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ ۝

### سوره‌ی لقمان

به نام خداوند بخشیده‌ی بخشایشگر.

۱- الٰم ۲- این آیات کتاب حکیم است [کتابی پر محتوا و استوار] ۳- مایه هدایت و رحمت برای بیکوکاران است. ۴- همانان که نماز را بربا می‌دارند، و زکات را می‌بردارند و آنها به آخرت یقین دارند. ۵- آنان بر طریق هدایت از پروردگار شانند، و آنانند رستگاران! ۶- و بعضی از مردم سخنان بیهوده را می‌خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزا گیرند؛ برای آنان عذابی خوارکننده است! ۷- و هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود، مستکرانه روی بر می‌گرداند، گویی آن را نشنیده است؛ گویی اصلاً گوشها یش سنگین است! او را به عذابی در دنک بشارت ده! ۸- [ولی] کسانی که ایمان اورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، با غهای پر نعمت بهشت از آن آنهاست؛ ۹- جاودانه در آن خواهند ماند؛ این وعده حتمی الهی است؛ و اوست عزیز و حکیم [شکست ناپذیر و دانا]. ۱۰- [او] آسمانها را بدون ستونی که آن را بینند آفرید، و در زمین کوه‌هایی افکند تا شما را نلرزاند [و جایگاه شما آرام باشد] و از هر گونه جنبدهای روی آن منتشر ساخت؛ و از آسمان آبی نازل کردیم و بوسیله آن در روی زمین انواع گوناگونی از جفت‌های گیاهان پر ارزش رویاندیم. ۱۱- این آفرینش خداست؛ اما به من نشان دهید معبدانی غیر او چه چیز را آفریده‌اند؟! ولی ظالمان در گمراهی آشکارند. ۱۲- ما به لقمان حکمت دادیم؛ [و به او گفتیم]: شکر خدا را بجای آور هر کس شکرگزاری کند، تنها به سود خویش شکر کرده؛ و آن کس که کفران کند، [زیانی به خدا نمی‌رساند]؛ چرا که خداوند بی‌نیاز و ستوده است. ۱۳- [به خاطر بیاور] هنگامی را که لقمان به فرزندش - در حالی که او را موعظه می‌کرد - گفت: «پسرم! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است.» ۱۴- و ما به انسان درباره‌ی پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد [به هنگام بارداری هر روز رنج و ناراحتی تازه‌ای را متحمل می‌شد]، و دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می‌یابد؛ [آری به او توصیه کردم] که برای من و برای پدر و مادرت شکر بجا آور که بازگشت [همه شما] به سوی من است!

### ویژگی‌های محسنین

احسان به معنی نیکوکاری است<sup>۱</sup> و در روایت چنین تعریف شده است: احسان آن است که خدای را چنان عبادت کنی که گویی او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند.<sup>۲</sup>

و محسن کسی است که بی‌هیچ قید و شرطی تسلیم اوامر و افعال خداوند باشد:<sup>۳</sup> «وَمَنْ أَحْسَنُ دِيَنًا مَّنْ أَشْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ...»<sup>۴</sup> دین و آینین چه کسی بهتر است از آن کسی که خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد. خداوند در سوره‌ی لقمان ویژگی‌های «محسنین» را چنین برمی‌شمارد:

۱- «الذين يقيعون الصلوة»<sup>۵</sup> کسانی که نماز را برپا می‌دارند.

۲- «وَيَؤْتُونَ الزَّكُوَةَ» و زکات می‌بردازند.

۳- «وَهُمْ بِالآخِرَةِ هُمْ يُوقَنُونَ» و به آخرت یقین دارند.

از مجموع این ویژگی‌ها برمی‌آید که «محسن» اهل طاعت خداوند است. همچنین قرآن کریم در آیاتی دیگر، ویژگی‌هایی دیگر را برای محسنین مطرح می‌فرماید از آن جمله اینکه:

۴- محسنین اهل تقوی هستند.<sup>۶</sup>

۵- آن‌ها خشم خود را فرو می‌خورند و مردم را مورد عفو و بخشایش قرار می‌دهند.<sup>۷</sup>

۱. دائرة المعارف لغات قرآن مجید ج ۱ ص ۱۷۳

۲. تفسیر نور النقلین، ج ۱ ص ۵۵۳

۳. اطیب البيان في تفسیر القرآن ج ۴ ص ۲۲۰

۴. النساء / ۱۲۵

۵. لقمان / ۴

۶. التحلیل / ۱۲۸

۷. آل عمران / ۱۳۴

پاداش و جزای نیک محسنین در آیات متعددی از قرآن کریم مطرح شده است. برخی از آن‌ها عبارتند از:

- ۱- جلب محبت الهی<sup>۱</sup>
- ۲- حمایت خداوند از محسنین<sup>۲</sup>
- ۳- هدایت به راه‌های خداوند<sup>۳</sup>
- ۴- اعطای علم و حکمت<sup>۴</sup>
- ۵- اعطای اجر عظیم اخروی<sup>۵</sup>



۱. المائدہ / ۱۳

۲. البقرہ / ۱۹۵

۳. العنكبوت / ۱۹۵

۴. القصص / ۱۴

۵. الاحزاب / ۲۹

## دزد ۱۵

### آشنایی با صفات مهم حروف

صفت به معنی چگونگی و حالت شیء بوده و عبارت است از چگونگی و حالت‌هایی که در هنگام تلفظ حروف در دستگاه تکلم پدید می‌آید. صفات تأثیر مستقیم بر صدای حروف داشته و موجب تمایز آنها از یکدیگر می‌گردد. همچنین حروف به وسیله‌ی رعایت صفات نیکوتر و کامل‌تر ادا می‌شود. از میان صفات حروف به بررسی صفاتی می‌بردازیم که کاربرد بیشتری در قرائت قرآن داشته و عبارت است از استعلااء، اطباق، استفال، قلقله، لین و غنه.

#### استعلااء:

استعلااء به معنای میل به بلندی و عبارت است از میل ریشه‌ی زبان به طرف نرم کام در هنگام تلفظ حرف. این صفت حجم دستگاه تکلم را افزایش داده و در نتیجه صدای حرف درشت و پر حجم می‌شود. حروف استعلااء عبارتند از: خ، ص، ض، ط، ظ، غ، ق.

#### اطباق:

اطباق به معنای روی هم قرار دادن دو سطح بوده و عبارت است از منطبق شدن بخشی از زبان با سقف دهان. بدین گونه که میان زبان گود شده و بخشی از سقف دهان را می‌پوشاند و در نتیجه صدای حرف درشت‌تر و پر حجم‌تر از حروف دیگر تلفظ می‌شود. حروف آن شامل چهار حرف: ص، ض، ط و ظ می‌باشد که دارای صفت استعلااء نیز هستند و درشت‌تر و پر حجم‌تر از سه حرف دیگر استعلااء



ادا می‌شوند. بنابراین رعایت صفت اطباق بدون استعلاه امکان پذیر نیست. به همین جهت این دو صفت با هم آورده شده است.

#### استفال:

استفال به معنای پست شدن و پایین آمدن بوده و عبارت است از پایین ماندن و دور بودن ریشه‌ی زبان از نرم کام. در نتیجه صدای حرف نازک و کم حجم می‌شود. به جز حروف استعلاه بیست و یک حرف دیگر دارای صفت استفال می‌باشند که در درس تفحیم و ترقیق با این بحث بیشتر آشنا خواهیم شد.

#### قلقله:

قلقله به معنای آزاد و رها کردن صدای حرف در هنگام سکون می‌باشد و حروف آن عبارت است از: ب، ج، د، ط، ق که در عبارت «قطب جد» گرد آمده است. صدای این حروف در حال سکون کاملاً حبس می‌شود و تا اندام‌های تولید حرف از یکدیگر جدا نشود، حرف ادا شده و صدای آن شنیده نمی‌شود.

#### یادسپاری:

حرف همزه به سبب دارا بودن صفت «تبر» سنگین ادا شده و از قلقله بی‌نیاز است.

قلقله در آخر کلمه و هنگام وقف آشکارتر از وسط کلمه و در غیر وقف است. همچنین قلقله حروف مشدد با دقت بیشتری ادا شود تا تشديد آن از بین نرود.

#### غنه:

واژه غنه همانگونه که در درس‌های گذشته آمده است، صفت اصلی و ذاتی دو حرف «م» و «ن» می‌باشد. در موارد زیر «م» و «ن» دارای غنه فرعی و زاید بوده و صدای آن به میزان دو حرکت از خیشوم خارج می‌شود.  
۱) «م» مشدد ۲) «ن» مشدد ۳) ادغام «م» ساکن در «م» ۴) ادغام «ن»

ساکن در تنوین ۵) اقلاب «ن» ساکن و تنوین نزد «ب» ۶) اخفاء «م» ساکن نزد «ب» ۷) اخفاء «ن» ساکن و تنوین نزد پانزده حرف مابقی در چهار حرف: «ن»، «م»، «و»، «ی».

لین:

لین به معنای نرم ادا شدن حرف واو ساکن ما قبل مفتوح و یاء ساکن ما قبل مفتوح می‌باشد. مانند: سَوْفَ - كَيْفَ در تلفظ این دو حرف باید دقت شود تا هم فشار بی‌مورد روی حرف وارد نشود و هم فتحه‌ی پیش از آنها خالص تلفظ شده و میل به ضمه و کسره پیدا نکند.



سُورَةُ قَارُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُوَّا اَلْقُرْآنِ الْمُجِيدِ ۝ بَلْ عَبُوا اَنْ جَاءَهُمْ مُنذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ  
عَيْنٌ ۝ اَعِدْنَا مِنْتَنَا وَكُنْتُمْ اُثْرَابًا ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ ۝ قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ  
وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ ۝ بَلْ كَذَّبُوا بِالْحُقْقِ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي آنِ رَسِيعٍ ۝ اَفَلَمْ  
يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَيَّنَاهَا وَرَيَّنَاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوحٍ ۝ وَالْأَرْضَ  
مَدَّنَاهَا وَالْقَيْنَانِ فِيهَا رَوَابِيٌّ وَأَنْبَتَنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ رِزْقٍ بَهِيجٌ ۝ تَبَصَّرَهُ وَذَكَرَهُ لِكُلِّ  
عَبْدٍ مُنْبِئٍ ۝ وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبَثْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ ۝ وَ  
النَّخْلَ بِاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ ۝ رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَخْيَنَا بِهِ بَلَدَةً مَيْتَانًا كَذِلِكَ الْخَرْوَجُ  
كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمٌ ثُوْحٌ وَأَحْجَابٌ أَرَسٌ وَثُبُودٌ ۝ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَأَخْوَانُ لُوطٍ ۝  
وَأَعْجَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمٌ شَيْعٌ كُلُّ كَذَبَ الرَّسُولَ فَحَقٌّ وَعَيْدٌ ۝ أَفَعَيْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ  
بَلْ هُرُبٌ فِي لَبَسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ ۝ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوْسِعُ بِهِ نَفْسُهُ  
وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ۝ اِذَا يَتَلَقَّ الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ  
عَيْدٌ ۝ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ اَلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ۝ وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحُقْقِ  
ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحْيِدُ ۝ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ ۝ وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ  
مَعَهَا سَاقِقٌ وَشَهِيدٌ ۝ لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرْتُكَ الْيَوْمَ  
حَدِيدٌ ۝ وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَنِي عَتِيدٌ ۝ الْقِيَافِ جَهَنَّمُ كُلُّ كَفَارٍ عَنِيدٌ ۝

## سوره‌ی قاف

### بنام خداوند بخشنده‌ی بخشایشگر

۱-ق، سوگند به قرآن مجید [که قیامت و رستاخیز حق است] ۲- آنها تعجب کردند که پیامبری اندارگر از میان خودشان آمده؛ و کافران گفتند: «این چیز عجیب است! ۳ آیا هنگامی که مردمهم و خاک شدیم [دوباره به زندگی باز می‌گردیم]؟! این بازگشته بعيد است!» ۴- ولی ما می‌دانیم آنچه را زمین از بدن آنها می‌کاهد؛ و نزد ما کتابی است که همه چیز در آن محفوظ است! ۵- آنها حق را هنگامی که به سراغشان آمد تکذیب کردند؛ از این رو پیوسته در کار پراکنده خود متحیرند! ۶- آیا آنان به آسمان بالای سرشار نگاه نکردند که چگونه ما آن را بنا کردیم، و چگونه آن را [به وسیله‌ی ستارگان] زینت بخشیده‌ایم و هیچ شکاف و شکستی در آن نیست! ۷- و زمین را گسترش دادیم و در آن کوههای عظیم و استوار افکدیم و از هر نوع کیاه بهجتانگیز در آن رویاندیم، ۸- تا وسیله‌ی بیتلای و یاداوری برای هر بنده‌ی توبه کاری باشدا! ۹- و از آسمان، آیی ببریکت نازل کردیم، و به وسیله‌ی آن، باغها و دانه‌های را که در رو می‌کنند رویاندیم، ۱۰- و نخلهای بلندقاامت که میوه‌های متراکم دارند؛ ۱۱- همه‌ی اینها برای روزی بخشیدن به بندگان است و به وسیله باران سرزمین مره را زنده کردیم؛ [آری] زنده‌شدن مردگان نیز همین گونه است! ۱۲- پیش از آنان قوم نوح و (اصحاب الرسن) = قومی که در بیمامه زندگی می‌کردند و پیامبری به نام حنطله داشتند] و قوم نمود [پیامرانشان را] تکذیب کردند، ۱۳- و همچنین قوم عاد و فرعون و قوم لوط، ۱۴- و (اصحاب الایک) = قوم شعیب] و قوم تبع [که در سرزمین میان زندگی می‌کردند]. هر یک از آنها فرستادگان الهی را تکذیب کردند و وعده‌ی عذاب درباره آنان تحقق یافت! ۱۵- آیا ما از آفرینش نخستین عاجز ماندیم [که قادر بر آفرینش رستاخیز نباشیم]؟! ولی آنها [با این همه دلایل روشن] باز در آفرینش جدید تردید دارند! ۱۶- ما انسان را آفریدیم و وسوسه‌های نفس او را می‌دانیم، و ما به او از رگ قلبش نزدیکتریم! ۱۷- [به خاطر بیاورید] هنگامی را که دو فرشته‌ی راست و چپ که ملازم انسانند اعمال او را دریافت می‌دارند؛ ۱۸- انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد مگر اینکه همان دم، فرشته‌ای مراقب و آماده برای انعام مأموریت [و ضبط آن] است! ۱۹- و سرانجام، سکرات [او بیخودی در آستانه‌ی] مرگ بحق فرامی‌رسد [و به انسان گفته می‌شود]: این همان چیزی است که تو از آن می‌گریختی! ۲۰- و در (صور) دمیده می‌شود: آن روز، روز تحقق وعده و حشتگر است! ۲۱- هر انسانی وارد محشر می‌گردد در حالی که همراه او حرکت دهنده و گواهی است! ۲۲- [به او خطاب می‌شود]: تو از این صحنه [او دادگاه بزرگ] غافل بودی و ما پرده را از چشم تو کنار زدیم، و امروز چشمت کاملاً تیزبین است! ۲۳- فرشته‌ی همتشین او می‌گوید: «این نامه‌ی اعمال اوست که نزد من حاضر و آماده است!» ۲۴- [خداوند فرمان می‌دهد]: هر کافر متکبر لجوخ را در جهنم افکنید!

### قلب سلیم

منظور از قلب در قرآن کریم روح است. بنابراین قلب سلیم به روح پاک و سالمی گفته می‌شود که از هرگونه شرک و شک و فساد خالی است.<sup>۱</sup> بر حسب اعمال، قلب انسان حالات مختلف می‌گیرد که این حالات در قرآن کریم عبارتند از: ۱- قلب مریض «فِي قَلْوْبِهِ مَرْضٌ...»<sup>۲</sup> در دل‌های آنان بیماری است و این بیماری نتیجه‌ی اعمال زشت و طغیانگری آنان است.<sup>۳</sup>

۲- قلب قسی (سخت): «فِيمَا نَقَصَهُمْ مِّيقَاتُهُمْ وَجَعَلْنَا قَلْوَبَهُمْ قَاسِيًّا»<sup>۴</sup> ولی به خاطر پیمان‌شکنی، آن‌ها را از رحمت خویش دور ساختیم و دل‌های آنان را سخت و سنگین نمودیم.

۳- قلب ناپاک: «...أَوْلَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدُ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ...»<sup>۵</sup> آن‌ها کسانی هستند که خدا نخواسته دل‌هایشان را پاک کند.

۴- قلب مهر خورده: «...وَطَبِعَ عَلَى قَلْوَبِهِمْ...»<sup>۶</sup> و بر دل‌هایشان مهر نهاده شده.

۵- قلب سلیم: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنْوَنٌ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»<sup>۷</sup> در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی‌بخشد مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید.

قلب سلیم مقابل قلب قسی، ناپاک، مریض و مهر خورده است. چنین قلی

۱. یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث.

۲. البقرة / ۱۰

۳. الحسن الحديث ج ۱ ص ۵۸

۴. المائدہ / ۱۳

۵. المائدہ / ۴۱

۶. التوبه / ۸۷

۷. الشعرا / ۸۸-۸۹

از عقاید فاسده و اخلاق رذیله و اعمال سیئه سالم است<sup>۱</sup> و در برابر حق خشوع و انعطاف دارد و چنین قلبی در روز قیامت مدار سعادت انسان است.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام در تبیین قلب سليم فرموده‌اند: قلب سليم قلبی است که خدا را ملاقات کند در حالیکه هیچ کس جز او در آن نباشد<sup>۳</sup> و در روایتی دیگر فرموده‌اند: قلب سليم قلبی است که از حب دنیا سالم باشد.<sup>۴</sup>



۱. اطیف البیان ج ۱۰ ص ۵۰

۲. المیزان ج ۴ ص ۵۸

۳. نور الشفیعین ج ۴ ص ۵۸

۴. همان

## درس ۱۱

### تفخیم و ترقیق

#### تفخیم:

تفخیم به معنای بزرگداشت بوده و عبارت است از درشت و پر حجم ادا نمودن حرف به گونه‌ای که دهان از صدای آن حرف پر شود. تغليظ نیز به همین معناست که در مورد حرف «لام» به کار می‌رود.

#### موارد تفخیم:

تمام حروف استعلاه بدون استثناء تفخیم می‌شود. حروف اطباق از تفخیم بیشتری برخوردارند. تفخیم دارای مراتبی بوده و در حروف مفتوح، زیادتر، در حروف مضموم و ساکن متوسط و در حروف مكسور کمتر است. مانند:

قال، قَلِيلًا، قُلْ، يَقْبَلُ، نُقَرَّ، قِيلَ، يَثُومُ، طَالَ، طَيْبَاتٍ، طُمِسَتْ، طُوبَى،  
يَطْمَعُ، لَا تُطِعْ، أَطِيعُونِ.

#### ترقیق :

ترقیق ضد تفخیم و به معنای رقيق کردن بوده و عبارت است از نازک و کم حجم ادا نمودن حرف به طوری که دهان از صدای آن حرف پر نشود. حروف استفال، ترقیق می‌شوند به جز دو حروف «ر - ل» که گاهی تفخیم و گاهی ترقیق می‌شوند که احکام هر یک بیان خواهد شد.



«الف مدى» در تفحیم و ترقیق تابع حرف پیش از خود می‌باشد. چنانچه حرفی تفحیم شود، الف مدي بعد از آن تفحیم می‌شود و اگر حرفی ترقیق شود، الف مدى بعد از آن ترقیق می‌شود. به طور خلاصه می‌توان گفت: الفبای زبان عربی از نظر تفحیم و ترقیق دارای چهار حالت می‌باشد:

(۱) حروفی که همیشه تفحیم می‌شوند.

(۲) حروفی که همیشه ترقیق می‌شوند.

(۳) حروفی که گاهی تفحیم و گاهی ترقیق می‌شوند.

(۴) حروفی که تابع حرف ما قبل خود می‌باشند.

### احکام حرف «را»

اصل در تلفظ حرف «ر» تفحیم است و کسره و یاء ساکن عامل ترقیق این حرف می‌شوند. در هنگام تفحیم حرف «ر»، روی زبان به طرف بالا و در هنگام ترقیق، سر زبان به طرف پایین متمایل می‌گردد.

### شرایط تفحیم حرف راء

حرف «ر» در صورتی که شرایط زیر را داشته باشد، تفحیم می‌شود:

(الف) وقتی که «ر» مفتوح یا مضموم باشد. مانند:

رَبٌّ - رَسُولٌ - قَدْرٌ - رُحَمَاءُ - رُوحَنَا - غَفُورٌ - غَيْرُ.

(ب) وقتی که «ر» ساکن و ماقبل آن مفتوح یا مضموم باشد. مانند:

مَرِيمَ - يَرَضِيَ - فَتَرْقَانُ - قُرْءَانَ - مَزْدَفِينَ.

(ج) «ر» ساکن ما قبل ساکن که ما قبل آن مفتوح یا مضموم باشد. مانند:

فَجَرٌ - نَصْرٌ - قَصْرٌ - عُثْرٌ - كُفْرٌ - خُسْرٌ (هنگام وقف)

(د) «ر» ساکنی که ماقبل آن الف یا واو مدى باشد. مانند:

نَارٌ - أَبْرَارٌ - قَرَارٌ - غَفُورٌ - شَكُورٌ - صَبُورٌ (هنگام وقف)

(ه) وقتی که پس از «ر» الف یا واو مدى باشد. مانند:

رَازِقُ - رَاجِمِينَ - كَافِرُونَ - أَمْرُونَ - خَاسِرُونَ

### شرایط ترقیق حرف راء

در موارد زیر حرف «ر» ترقیق می‌شود.

(الف) اگر «ر» مکسور باشد. مانند:

رِجَالٌ - رِزْقٌ - رِجْزٌ

(ب) هنگامی که حرف «ر» ساکن و ماقبل آن مکسور باشد. مانند:

مَرْيَةٌ - أَحْصِرْتُمْ - يُعْصِيَنِي (هنگام وقف)

(ج) زمانی که حرف «ر» ساکن ما قبل ساکن ما قبل مکسور باشد. مانند:

سَخْرُ - ذَكْرُ - شِعْرٌ (هنگام وقف)

(د) «ر» ساکنی که ماقبل آن، یا مددی و لین باشد. مانند:

قَدِيرٌ - يَسِيرٌ - بَصِيرٌ - حَيْرٌ - طَيْرٌ - غَيْرٌ (هنگام وقف)

یاد سپاری: «ر» ساکنی که ماقبل آن کسره اصلی و بعد از آن از حروف

استعلاه در یک کلمه آمده باشد تفحیم می‌شود. مانند:

إِرْصَادًا - لِبَالْمِرْصَادِ - قِرْطَاسٍ - فِرْقَةٍ .

### احكام حرف لام

اصل در تلفظ حرف لام، ترقیق است و تغليظ آن فقط در لفظ جلاله «الله» می‌باشد به شرط آن که حرف پیش از آن مفتوح یا مضموم باشد. مانند: حَمَّ اللَّهُ، رَسُولُ اللَّهِ وَلَى چنانچه پیش از لفظ جلاله «الله» حرف مکسور باید حرف لام مانند سایر موارد آن ترقیق می‌شود. مانند: يَسِيمُ اللَّهُ، بِاللَّهِ وَ.



سُورَةُ الْجُمُعَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكُ الْقَدُّوسُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ هُوَ  
الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمَّيْنَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتَلَوَّ عَلَيْهِمْ بِاِيَاتِهِ وَيُرَيِّكُهُمْ وَيُعَلِّمُهُمْ  
الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلٍ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ وَآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا  
يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ أَعْزِيزُ الْحَكِيمِ ۝ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو  
الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ۝ مَثَلُ الَّذِينَ حَمَلُوا التَّوْرِينَ ثُمَّ لَمْ يَعْمَلُوهَا كَثِيرٌ الْحِمَارِ  
يَعْمَلُ أَسْفَارًا بِشَسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِاِيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهِبُّ الْقَوْمَ  
الظَّالِمِينَ ۝ قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنَّ رَزْعَمَ أَنَّكُمْ أَوْلَيَاءُ اللَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ  
فَتَمَنَّوَا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا إِنْ قَدَّمْتَ أَيْدِيهِمْ  
وَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ۝ قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيْكُمْ  
ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَيِّسُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ يَا أَيُّهَا  
الَّذِينَ غَامَنُوا إِذَا نُوِيَّ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْنَا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوْنَا  
الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ فَإِذَا قُضِيَتِ الْصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي  
الْأَرْضِ وَأَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ وَإِذَا  
رَأَوْنَ اِتْخَارَةً أَوْ لَهْوًا أَنْفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَاتِلًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ اللَّهِ  
وَمِنْ الْتِجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الْرَازِقِينَ ۝

### سوره‌ی جمعه

به نام خداوند بخشیده‌ی بختایشگر.

۱- آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همواره تسبیح خدامی گویند، خداوندی که مالک و حاکم است و از هر عیب و نقصی میرا، و عزیز و حکیم است! ۲- و کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب [قرآن] و حکمت می‌آموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند! ۳- و [همچنین] رسول است بر گروه دیگری که هنوز به آنها ملحق نشده‌اند؛ و او عزیز و حکیم است! ۴- این فضل خدادست که به هر کس بخواهد [و شایسته بداند] می‌بخشد؛ و خداوند صاحب فضل عظیم است! ۵- کسانی که مکلف به تورات شدند ولی حق آن را ادا نکردند، مانند درازگوشی هستند که کتابهایی حمل می‌کند، [آن را بر دوش می‌کشد اما چیزی از آن نمی‌فهمد]! گروهی که آیات خدا را انکار کردند مثال بدی دارند، و خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی‌کندا! ۶- بگو: «ای یهودیان! اگر گمان می‌کنید که [فقط] شما دوستان خدایید نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می‌گویید [تا به لقای محبوبتان برسید]!» ۷- ولی آنان هرگز تمنای مرگ نمی‌کنند بخارط اعمالی که از پیش فرستاده‌اند؛ و خداوند ظالمان را به خوبی می‌شناسد! ۸- بگو: «این مرگی که از آن فرار می‌کنید سرانجام با شما ملاقات خواهد کرد؛ سپس به سوی کسی که دانای پنهان و آشکار است بازگردانده می‌شوید؛ آنگاه شما را از آنچه انجام می‌دادید خبر می‌دهد!» ۹- ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رهای کنید که این برای شما بهتر است اگر می‌دانستید! ۱۰- و هنگامی که نماز پایان گرفت [شما آزادید] در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید، و خدا را بسیار یاد کنید شاید رستگار شوید! ۱۱- هنگامی که آنها تجارت یا سرگرمی و لهوی را بینند پراکنده می‌شوند و به سوی آن می‌روند و تو را ایستاده به حال خود رها می‌کنند؛ بگو: آنچه نزد خدادست بهتر از لهو و تجارت است، و خداوند بهترین روزی دهنده‌گان است.

سُورَةُ الْمُنَافِقُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشَهِدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللهُ يَشَهِدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ ۝ إِنَّهُمْ أَيَّامَهُمْ جُنَاحٌ فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ ظَاهِنُوا شُرُّ كَفَرٍ وَظَاهِرٌ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ۝ وَإِذَا رَأَيْتُمُ تُغْرِيبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِغَوْلِهِمْ كَانُوهُمْ خُشُبٌ مُسَنَّدَةٌ يَخْسِبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرُهُمْ قاتَلُوكُمُ اللهُ أَنِّي يُؤْفِكُونَ ۝ وَإِذَا قُبِلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرُونَ لَكُمْ رَسُولُ اللهِ لَوْزَا رُؤُسَهُمْ وَرَأَيْتُمُ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ۝ سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفِرَتْ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَئِنْ يَغْفِرَ اللهُ لَهُمْ إِنَّ اللهَ لَا يَهِيءِ الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۝ هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَىٰ مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا وَلَهُ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ ۝ يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجُنَّ الْأَعْزَمِينَ أَلَا دَلِيلٌ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلِكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ظَاهِنُوا لِأَثْنَاهُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝ وَأَنْفَقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ إِنْ يَأْتِيَ أَحَدٌ كُمْ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخْرَجْتَنِي إِلَى أَجْلِ قَرِيبٍ فَاصْدَقُ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ ۝ وَلَئِنْ يُوَحِّرَ اللهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجْلُهَا وَاللهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝

### سوره‌ی منافقون

به نام خداوند پخشندۀ بخشایشگر.

- ۱- هنگامی که منافقان نزد تو آیند می‌گویند: «ما شهادت می‌دهیم که یقیناً تو رسول خدایی!» خداوند می‌داند که تو رسول او هستی، ولی خداوند شهادت می‌دهد که منافقان دروغگو هستند [و به گفته‌ی خود ایمان ندارند]. ۲- آنها سوگندهایشان را سپر ساخته‌اند تا مردم را از راه خدا باز دارند، و کارهای بسیار بدی انجام می‌دهند! ۳- این بخاطر آن است که نخست ایمان آوردنده سپس کافر شدند؛ از این رو بر دلهای آنان مهر نهاده شده، و حقیقت را درک نمی‌کنند! ۴- هنگامی که آنها را می‌بینی، جسم و قیافه‌ی آنان تو را در شگفتی فرو می‌برد؛ و اگر سخن بگویند، به سخنانشان گوش فرا می‌دهی؛ اما گویی چوبهای خشکی هستند که به دیوار تکیه داده شده‌اند! هر فردی از هر جا بلند شود بر ضد خود می‌پندارند؛ آنها دشمنان واقعی تو هستند، پس از آنان بر حذر باش! خداوند آنها را بکشد، چگونه از حق منحرف می‌شوند؟! ۵- هنگامی که به آنان گفته شود: «بیایید تا رسول خدا برای شما استغفار کند!»، سرهای خود را [از روی استهزا و کبر و غرور] تکان می‌دهند؛ و آنها را می‌بینی که از سخنان تو اعراض کرده و تکبر می‌ورزند! ۶- برای آنها تفاوت نمی‌کند، خواه استغفار برایشان کنی یا نکنی، هرگز خداوند آنان را نمی‌بخشد؛ زیرا خداوند قوم فاسق را هدایت نمی‌کند! ۷- آنها کسانی هستند که می‌گویند: «به افرادی که نزد رسول خدا هستند اتفاق نکنید تا پراکنده شوند!» [غافل از اینکه] خزان آسمانها و زمین از آن خداست، ولی منافقان نمی‌فهمند! ۸- آنها می‌گویند: (اگر به مدینه بازگردیم، عزیزان ذلیلان را بیرون می‌کنند) در حالی که عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است؛ ولی منافقان نمی‌دانند! ۹- ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال و فرزندانتان شما را از یاد خدا غافل نکنید! و کسانی که چنین کنند، زیانکارانند! ۱۰- از آنچه به شماروزی داده‌ایم اتفاق کنید، پیش از آنکه مرگ یکی از شما فرا رسد و بگوید: «پروردگار! چرا [مرگ] مرا مدت کمی به تأخیر نینداختی تا [در راه خدا] صدقه دهم و از صالحان باشم؟!» ۱۱- خداوند هرگز مرگ کسی را هنگامی که اجلش فرا رسد به تأخیر نمی‌اندازد، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.



## مفاهیم

### جایگاه مصیبت‌ها در زندگی انسان

المصیبت به معنی بلا و گرفتاری است که به انسان می‌رسد. براساس آیات قرآن کریم مصیبت دو نوع است:

۱- مصیبت‌هایی که کیفر اعمال انسان هاست: «و ما اصحابکم من مصیبۃٍ فبما کَبَّتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْفُوْ عَنْ كَثِيرٍ»<sup>۱</sup> هر مصیبتي به شما رسد به خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید و خداوند بسیاری را نیز عفو می‌کند.  
گناهان آثار متعددی دارند از جمله قساوت قلب، غفلت، تسلط شیطان، سلب توفیق، ضعف یا زوال ایمان، رنجش خاطر پیامبر و ائمه اطهار و ... و از جمله آن‌ها نزول بلایا و مصائب است.<sup>۲</sup>

بر این اساس می‌توان گفت که میان رفتار انسان و حوادث زندگی، رابطه وجود دارد. پیامبر اکرم ﷺ به امیر المؤمنین ع فرمود: «این آیه بهترین آیه در قرآن مجید است، ای علی هر خراشی که از شاخه‌ای بر تن انسان وارد می‌شود و هر لغزش قدمی، بر اثر گناهی است که از او سرزده و خداوند کریم‌تر از آن است که آنچه در دنیا عفو می‌کند در قیامت در آن تجدیدنظر فرماید و عادل‌تر از آن است که آنچه را در این دنیا عقوبت می‌کند در آخرت بار دیگر کیفر دهد.<sup>۳</sup>

۲- مصیبت‌هایی که جنبه آزمایش دارند: «مَا أَصَابَ مِنْ مَصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنْبَأَ هَا...»<sup>۴</sup> هیچ مصیبتي (ناخواسته) در زمین و نه در وجود شما روی نمی‌دهد مگر اینکه همه آن‌ها قبل از آنکه زمین را بیافرینیم در لوح محفوظ ثبت است.

۱. الشوری / ۳۰ همچنین ن. ک: النساء / ۷۹ و النحل / ۳۴ و الزمر / ۵۱

۲. اطیب البیان ج ۱۱ ص ۴۹۰

۳. مجمع البیان ج ۲۲ ص ۱۴۳

۴. الحدید / ۲۲ همچنین ن. ک: البقره / ۱۵۵ و ۱۵۶

مصالح ذکر شده در این آیه‌ی شریفه، مصالح حاصل از اعمال انسان‌ها نیست بلکه برای آزمایش و ترفع درجه‌ی انسان‌ها ظهور می‌یابد. چنانکه در حدیثی امام زین‌العابدین علیه السلام در مجلس یزید به همین آیه استشهاد فرمود که این آیه در حق اهل بیت پیامبر ﷺ نازل شد، و فلسفه و حکمت خاص خود را دارد.<sup>۱</sup>

### احکام نون ساکن و نون (۱)

نون ساکن و نون نویزندگان می‌باشد که نون می‌تواند میوه‌ی خوبی باشد و میوه‌ی بدی باشد. نون ساکن میوه‌ی خوبی است و نون نویزندگان میوه‌ی بدی است. نون ساکن میوه‌ی خوبی است و نون نویزندگان میوه‌ی بدی است. نون ساکن میوه‌ی خوبی است و نون نویزندگان میوه‌ی بدی است. نون ساکن میوه‌ی خوبی است و نون نویزندگان میوه‌ی بدی است. نون ساکن میوه‌ی خوبی است و نون نویزندگان میوه‌ی بدی است. نون ساکن میوه‌ی خوبی است و نون نویزندگان میوه‌ی بدی است. نون ساکن میوه‌ی خوبی است و نون نویزندگان میوه‌ی بدی است. نون ساکن میوه‌ی خوبی است و نون نویزندگان میوه‌ی بدی است. نون ساکن میوه‌ی خوبی است و نون نویزندگان میوه‌ی بدی است.



## احکام نون ساکن و تنوین (۱)

نون ساکن و تنوین در برخورد با حروف الفبای عربی دارای چهار حالت می‌باشد: اظهار، ادغام، اقلاب و اخفاء.

اظہار:

عبارت است از ادای حرف آز مخرج آن بدون هیچ تغییری. هرگاه نون ساکن و تنوین به حروف حلقی (ء، هـ، ع، ح، غ و خ) برسد، حرف نون از مخرج خود به صورت عادی و آشکار تلفظ می‌گردد. در اظهار نون ساکن و تنوین توجه به نکات زیر ضروری است:

- ۱) نون ساکن و تنوین حرکت نگیرد.
  - ۲) روی نون ساکن و تنوین مکث نشود.
  - ۳) میان نون ساکن و تنوین و حروف حلقی صدا قطع نشود.

## تمرين:

عَزِيزٌ حَكِيمٌ	مِنْ أَنْبَاءِ	مِنْ أَحَدٍ إِلَّا	عَذَابُ الْيَمِّ
شَيْءٌ خَلَقَهُ	مُؤْمِنٌ حَيْرٌ	مِنْ حَسَنَةٍ	رَغَدًا حَيْثُ
مِنْ عَلْقِ	شَيْءٌ عِلْمِيٌّ	شَهادَةً عِنْدَهُ	مِنْ خَلَاقٍ
وِجْهَهُ هُوَ	مِنْ غِلٍّ	قَلِيلَةٌ غَلَبَتْ	رَوْجًا غَيْرَهُ
		إِنْ هُوَ	مَهِينٌ هَمَازٌ

## ادغام :

عبارت است از داخل نمودن حرفی در حرف دیگر، به گونه‌ای که حرف اول تلفظ نشده و به جای آن حرف دوم مشدد ادا شود. نون ساکن و تنوین در شش حرف «يرملون» ادغام می‌شود. این ادغام در دو حرف «ر» و «ل» بدون غنه و در چهار حرف دیگر (يمون) با غنه همراه است. یعنی همزمان صوت از فضای بینی خارج شده و می‌باشد به میزان دو حرکت ادامه داشته باشد.

## تمرین:

مِنْ رِزْقٍ	ثَرَّةِ رِزْقًا	تَوَابًا رَحِيمًا	غَفُورُ رَحِيمٍ
مِنْ مَسْدِ	كَصَبِيبٌ مِنْ	هُدُى مَنْ	أَرْوَاحُ مُطَهَّرَةٍ
حِطَّةٌ نَفَرْ	مِنْ لَذَّةٍ	عَهْدًا نَبَذَةٌ	بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ
غِشاوَةٌ وَهَنْ	مِنْ نُطْفَةٍ	إِمْلَاقٌ نَخْنُ	مُصَدِّقًا لَمَا
بَرْقٌ يَجْعَلُونَ	مِنْ وَاقِ	سَمَوَاتٍ وَهُوَ	فِرَاسًا وَالسَّماءَ
		مِنْ يُرِيدُ	لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ

يادسپاری: در کلمات قِنْوَانُ و مِنْوَانُ، دُنْيَا و بُنْيَانُ به سبب آنکه نون ساکن و يرملون (و - ی) در یک کلمه قرار گرفته‌اند ادغام سنگین بوده و انجام نمی‌شود. در صورتی که دو حرف همانند یا هم مخرج و قریب المخرج در کنار یکدیگر قرار گیرند نیز ادغام صورت می‌گیرد مانند: قُلْ لَهُمْ، كُمْ مِنْ، عَبَدْتُمْ، مَالَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ، إَوْ وَوَنَصَرُوا، أَوْرَنَوْهُمْ، قَدْ تَبَيَّنَ، أَرْكَبَ مَعْنَا، قُلْ رَبِّ، أَلَمْ تَخْلُقُكُمْ..

سُورَةُ الْطَّوْرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْطَّوْرِ<sup>١</sup> وَكِتَابٍ مَسْطُورٍ<sup>٢</sup> فِي رَقٍ مَنْشُورٍ<sup>٣</sup> وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ<sup>٤</sup> وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ<sup>٥</sup> وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ<sup>٦</sup> إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ<sup>٧</sup> مَا لَهُ  
مِنْ دَافِعٍ<sup>٨</sup> يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا<sup>٩</sup> وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا<sup>١٠</sup> فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ  
لِلْمُكَذِّبِينَ<sup>١١</sup> الَّذِينَ هُرُبُّ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ<sup>١٢</sup> يَوْمَ يُدَعَّوْنَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَّا  
هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ<sup>١٣</sup> أَفَسِرَ هَذَا أَمَّا أَنْتُمْ لَا تُبَصِّرُونَ<sup>١٤</sup>  
أَصْلُوهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوُنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ<sup>١٥</sup> إِنَّ  
الْمُتَقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ<sup>١٦</sup> فَاكِهِينَ بِمَا أَتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقِنُهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ  
الْجَحِيمِ<sup>١٧</sup> كُلُّوا وَأَشْرِبُوا هَبَنِيَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ<sup>١٨</sup> مُتَكَبِّرِينَ عَلَى سُرُرٍ  
مَصْفُوفَةٍ وَرَوَاجِنَاهُرٍ بِحُورٍ عَيْنٍ<sup>١٩</sup> وَالَّذِينَ إِمَّا مَنْتَوْا وَإِمَّا تَبَعَّثَهُمْ ذُرَيْثُهُمْ بِإِيمَانٍ  
الْحَقَّنَا بِهِمْ ذُرَيْثُهُمْ وَمَا اتَّسَاهُرُ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ أَمْرٍ إِيمَانٍ كَسَبَ رَهِينٌ  
وَأَمْدَدَنَاهُرٍ بِفَاكِهَةٍ وَلَهُمْ بِمَا يَشْهُدُونَ<sup>٢٠</sup> يَتَنَازَعُونَ فِيهَا كَأسًا لَا لَعُونَ  
فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ<sup>٢١</sup> وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَانُوكُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ<sup>٢٢</sup> وَاقْبَلَ  
بِعَضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ<sup>٢٣</sup> قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلًا فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ  
فَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَنَا عَذَابَ السَّعُومِ<sup>٢٤</sup> إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلٍ نَدْعُوهُ إِنَّهُ  
هُوَ الْبَرُ الرَّاجِيمُ<sup>٢٥</sup> فَدَكَرَ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مجْنُونٍ<sup>٢٦</sup>

## سوره‌ی طور

به نام خداوند بخشندۀ بخشايشگر.

- ۱- سوگند به کوه طور، ۲- و کتابی که نوشته شده، ۳- در صفحه‌ای گستردۀ، ۴- و سوگند به (بیت المعمور)، ۵- و سقف برافراشته، ۶- و دریای مملو و برافروخته، ۷- که عذاب پروردگارت واقع می‌شود، ۸- و چیزی از آن مانع نخواهد بودا<sup>۹</sup> - [این عذاب الهی] در آن روزی است که آسمان به شدت به حرکت درمی‌آید، خواهد بودا<sup>۱۰</sup> - و کوهها از جا کنده و متحرک می‌شوندا<sup>۱۱</sup> - وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان، ۱۲- همانها که در سخنان باطل به بازی مشغولند<sup>۱۲</sup> - در آن روز که آنها را به زور به سوی آتش دوزخ می‌رانند<sup>۱۳</sup> - [یه آنها می‌گویند:] این همان آتشی است که آن را انکار می‌کردید.<sup>۱۴</sup> - آیا این سحر است یا شما نمی‌بینید؟<sup>۱۵</sup> - در آن وارد شوید و بسویید؛ می‌خواهید صبر کنید یا نکنید، برای شما یکسان است؛ چرا که تنها به اعمالتان جزا داده می‌شوید!<sup>۱۶</sup> - ولی پرهیزگاران در میان باغهای پهشت و نعمتهاي فراوان جای دارند، ۱۷- و از آنجه پروردگارشان به آنها داده و آنان را از عذاب دوزخ نگاه داشته است شاد و مسرورند!<sup>۱۸</sup> - [به آنها گفته می‌شود:] بخورید و بیاشامید گوارا؛ اینها در برابر اعمالی است که انجام می‌دادیدا<sup>۱۹</sup> - این در حالی است که بر تختهای صفكشیده در کنار هم تکیه می‌زنند، و «حور العین» را به همسری آنها درمی‌اوریم<sup>۲۰</sup> - ۲۱- کسانی که ایمان آورده‌اند و فرزندانشان به پیروی از آنان ایمان اختیار کرده‌اند، فرزندانشان را [در بهشت] به آنان ملحق می‌کنیم؛ و از [پاداش] عملشان چیزی نمی‌کاهیم؛ و هر کس در گرو اعمال خویش است!<sup>۲۲</sup> - و همواره از انواع میوه‌ها و گوشتها - از هر نوع که بخواهند - در اختیارشان می‌گذاریم<sup>۲۳</sup> - آنها در بهشت جامهای پر از شراب طهور را که نه بیهوده‌گویی در آن است و نه گناه، از یکدیگر می‌گیرند<sup>۲۴</sup> - و پیوسته بر گردشان توجوانانی برای [خدمت] آنان گردش می‌کنند که همچون مرواریدهای درون صدفند!<sup>۲۵</sup> - در این هنگام رو به یکدیگر کرده [از گذشته] سؤال می‌تمایند؛<sup>۲۶</sup> - می‌گویند: «ما در میان خانواده‌ی خود ترسان بودیم [مبادا گناهان آنها دامن ما را بگیرد]<sup>۲۷</sup> - اما خداوند بر ما متن نهاد و از عذاب کشنده ما را حفظ کردا<sup>۲۸</sup> - ما از پیش او را می‌خواندیم [و می‌برستیدیم]، که اوست نیکوکار و مهریان!»<sup>۲۹</sup> - پس تذکر ده، که به لطف پروردگارت تو کاهن و مجنون نیست!

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّرَبَصُ بِهِ رَيْبَ الْمُنْوَنِ ۝ قُلْ تَرَبَصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنْ  
الْمُرَبَّصِينَ ۝ أَمْ تَأْمِرُهُمْ أَحَلَامُهُمْ إِهْذَا ۝ أَمْ هُرْ قَوْمٌ طَاغُونَ ۝ أَمْ يَقُولُونَ  
تَغَوَّلَهُ وَبَلْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ فَلَيَاتُوا بِمَحْدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ۝ أَمْ خَلِقُوا  
مِنْ عَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُرْ الْخَالِقُونَ ۝ أَمْ خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَا يُؤْقِنُونَ  
أَمْ عِنْدَهُرْ خَرَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُرْ الْمُصَيْطِرُونَ ۝ أَمْ لَهُمْ سُلْطَنٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ  
فَلَيَاتِ مُسْتَمِعُهُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ۝ أَمْ لَهُ الْأَبْنَاثُ وَلَكُمُ الْأَبْنَوْنَ ۝ أَمْ  
تَسْلُلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُشْقَلُونَ ۝ أَمْ عِنْدَهُرْ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ۝  
أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُرْ الْمَكِيدُونَ ۝ أَمْ لَهُمْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ  
الَّهِ عَمَّا يُشَرِّكُونَ ۝ وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ ساقِطًا يَقُولُوا سَحَابَ مَرْكُومٌ  
۝ فَذَرُهُرْ حَتَّى يُلْقَوْا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ ۝ يَوْمٌ لَا يُغَنِّي عَنْهُمْ  
كَيْدُهُرْ شَيْئًا وَلَا هُرْ يُنْصَرُونَ ۝ وَإِنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنَّ  
أَكْثَرُهُرْ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَيَّحْ بِخَمْدِ رَبِّكَ  
جِينَ تَقْوُمُ ۝ وَمِنَ الْيَلِ فَسِيَّحُهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ ۝



-۳۰- بلکه آنها می‌گویند: «او شاعری است که ما انتظار مرگش را می‌کشیم!»<sup>۳۱</sup> -  
 بگو: «انتظار بکشید که من هم با شما انتظار می‌کشم [شما انتظار مرگ مرا، و من  
 انتظار نایودی شما را با عذاب الهی!]»<sup>۳۲</sup> - آیا عقلهایشان آنها را به این اعمال دستور  
 می‌دهد، یا قومی طغیانگرند؟!<sup>۳۳</sup> - یا می‌گویند: «قرآن را به خدا افtra بسته»، ولی  
 آنان ایمان ندارند.<sup>۳۴</sup> - اگر راست می‌گویند سخنی همانند آن بیاورند!<sup>۳۵</sup> - یا آنها  
 بی هیچ آفریده شده‌اند، یا خود خالق خویشند؟!<sup>۳۶</sup> - آیا آنها آسمانها و زمین را  
 آفریده‌اند؟! بلکه آنها جویای یقین نیستند!<sup>۳۷</sup> - آیا خزاین پروردگاری نزد آنهاست؟!<sup>۳۸</sup>  
 یا بر همه چیز عالم سلطه دارند؟! - آیا نزدیانی دارند [که به آسمان بالا می‌روند]  
 و به وسیله‌ی آن اسرار وحی را می‌شنوند؟! کسی که از آنها این اذعا را دارد دلیل  
 روشنی بیاورد!<sup>۳۹</sup> - آیا سهم خدا دختران است و سهم شما پسران [که فرشتگان  
 را دختران خدا می‌نامید]<sup>۴۰</sup>? - آیا تو از آنها پاداشی می‌طلبی که در زیر بارگران  
 آن قرار دارند؟!<sup>۴۱</sup> - آیا اسرار غیب نزد آنهاست و از روی آن می‌نویستند؟!<sup>۴۲</sup> - آیا  
 می‌خواهند نقشه‌ی شیطانی برای تو بکشند؟! ولی بدانند خود کافران در دام این  
 نقشه‌ها گرفتار می‌شوند!<sup>۴۳</sup> - یا معبدی غیر خداوند دارند [که قول یاری به آنها  
 داده]<sup>۴۴</sup>? منزه است خدا از آنچه همتای او قرار می‌دهند! - آنها [چنان لجوحند:  
 که] اگر ببینند قطعه سنگی از آسمان [برای عذابشان] سقوط می‌کند می‌گویند:  
 «این ابر متراکمی است!»<sup>۴۵</sup> - حال که چنین است آنها را رهای کن تا روز مرگ خود  
 را ملاقات کنند;<sup>۴۶</sup> - روزی که نقشه‌های آنان سودی به حالشان نخواهد داشت و  
 [از هیچ سو] یاری نمی‌شوند!<sup>۴۷</sup> - و برای ستمگران عذابی قبل از آن است [در  
 همین جهان]; ولی بیشترشان نمی‌دانند!<sup>۴۸</sup> - در راه ابلاغ حکم پروردگاری صبر و  
 استقامت کن، چرا که تو در حفاظت کامل ما قرارداری! و هنگامی که بر می‌خیزی  
 پروردگاری را تسبیح و حمد گویی!<sup>۴۹</sup> - [همچنین] به هنگام شب او را تسبیح کن  
 و به هنگام پشت کردن ستارگان [و طلوع صبح]<sup>۵۰</sup>!

### نماز شب

نماز شب از جمله نمازهای مستحبی است که وقت آن پس از نیمه شب شرعی تا به هنگام نماز صبح است<sup>۱</sup>. صریح ترین آیه در خصوص نماز شب چنین می‌فرماید: «وَ مِنَ الظَّلَالِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسْيَ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَحْمُوداً»<sup>۲</sup> و پاسی از شب را (از خواب برخیز) و قرآن (ونماز) بخوان. این یک وظیفه اضافی برای توست امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد.

نماز شب از نمازهای بسیار بافضلت است که در روایات بیش از ۳۰ فضیلت برای آن برشمرده شده است از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: نماز شب رمز سلامتی بدن و روشنایی قبر است. نماز شب در اخلاق، رزق، رفع اندوه، ادای دین و نور چشم مؤثر است. نماز شب، گناه روز را محو می‌کند و نور قیامت است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: پاداش نماز شب آنقدر زیاد است که خداوند می‌فرماید: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أَخْفَى لَهُمْ مِنْ قَرَأَةٍ أَعْيُنٌ جَزَاءٌ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»<sup>۳</sup> و هیچ کس نمی‌داند چه پادash‌های مهمی که مایه‌ی روشنی چشم‌هاست برای آن‌ها نهفته شده، این پاداش کارهایی است که انجام می‌دادند.

از نظر قرآن کریم، یکی از ویژگی‌های «عبدالرحمن» به جای اوردن نماز شب است: «وَ عَبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ... يَبْيَتُونَ لِرَبِّهِمْ سَجَدًا وَ قِيَامًا»<sup>۴</sup> بندگان خاص خداوند رحمن، کسانی هستند که ... شب‌انگاه برای پروردگارشان سجده و قیام می‌کنند و امیر المؤمنین علیه السلام درباره شب‌زنده‌داران چنین فرموده‌اند: خوشابه حال آن کس که مسئولیت‌های واجب را در پیشگاه خدا به انجام رسانده و در راه خدا

۱. دانشنامه قرآن و قرآن پژوهشی ج ۲ ص ۲۲۷۰

۲. الاسراء / ۷۹ همجنین ن ک: المزمل / ۶ و الزمر / ۶ و الذاريات / ۱۵-۱۸

۳. السجدة / ۱۷

۴. تفسیر نور ج ۷ ص ۱۰۴

۵. الفرقان / ۶۳-۶۴

هر گونه سختی و تلخی را به جان خریده و به شب زنده‌داری پرداخته است و اگر خواب بر او چیره شده بر روی زمین خوابیده و کف دست را بالین خود قرار داده و در گروهی است که ترس از معاد، خواب را از چشمانشان ربوه و پهلو از بسترها گرفته و لب‌هایشان به یاد پروردگار در حرکت است و با استغفار طولانی، گناهان را زدوده‌اند؛ آنان حزب خداوندند و همانا حزب خدا رستگار است.<sup>۱</sup> پس از خدا بترس و به قرص نان خود قناعت کن تا تو را از آتش دوزخ رهایی بخشد.<sup>۲</sup>



## احکام نون ساکن و تنوین (۲)

اقلاط :

به معنای دگرگونی و تبدیل کردن بوده و عبارت است از تبدیل کردن نون ساکن و تنوین به میم ساکن. در صورتی که نون ساکن و تنوین به حرف «باء» اخفا بررسد، اقلاب می‌گردد. باید توجه داشت که «م» ساکن نیز در نزد «باء» اخفا می‌شود و با غنه همراه است بدین منظور در هنگام تلفظ «م» ساکن لب‌ها به هم نزدیک شده تا حدی که بدون فشار روی هم قرار می‌گیرد. مانند: **أَنْتِهِمُ، مِنْ بَعْدِهِمْ، كُمِيْعُ بَصِيرًا، إِنَّ رَبَّهُمْ يَوْمٌ**.

تمرین:

**ذَنْبٌ- أَذْبَاهُمْ- مِنْ بَعْدِ- مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ- مَشَاءٌ بِنَمِيمٍ- مُصَدِّقًا بِكَلْمَةٍ- عَنْ بَعْضٍ- سَبِيعٌ بَصِيرًا- أَبَدًا إِمَا-ءَايَتٌ بَيِّناتٍ.**

اخفاء :

به معنای مخفی کردن و پوشانیدن بوده و عبارت است از تلفظ «تنوین» و «نون ساکن» از خیشوم، به گونه‌ای که حرف بعد مشدّد نشود. در واقع اخفاء حالتی است میان اظهار و ادغام یعنی از مخرج خود ادا نشده بلکه به صورت غنّه از فضای بینی ادا می‌شود.

مراحل اخفاء:

در هنگام اخفاء سر زبان به مخرج «ن» برخورد نمی کند بلکه حرف مابقی به تلفظ خود نزدیک می شود، یعنی دستگاه تکلم آماده تلفظ حرف بعد می گردد. همزمان بخش عمدی صوت به میزان دو حرکت از فضای بینی خارج شده و سپس حرف بعدی با سهولت و آسانی تلفظ می شود.

در اخفاء، صدا حالت بینی و دهانی دارد که صدای خیشومی آن بیشتر است. به عنوان مثال هنگام اخفای «ن» ساکن نزد «ف» بدون اینکه سر زبان به لش متصل شود، لب پایین به دندان های بالا نزدیک می گردد. با حفظ این حالت بخش عمدی صوت از فضای بینی خارج شده و به میزان دو حرکت ادامه می یابد. و سپس حرف «ف» ادا می شود. اخفای هر حرف با حرف دیگر متفاوت است. معروف است که می توان نوع حرف مابقی را در هنگام اخفاء تشخیص داد، به همین سبب اگر حرف مابقی از حروف استعلاء باشد، اخفاء حالت تفخیم به خود گرفته و چنانچه از حروف استفال باشد، اخفاء حالت ترقیق خواهد داشت.

تمرین:

ت) ذَلُولٌ تُشِيرُ	جَنَّتٌ تَعْتَلُونَ	فَرِيقًا تَقْتُلُونَ	مِنْ تُرَابٍ
ث) شِهَابٌ ثَاقِبٌ	عَامٌ شَمَّ	بَحِيعًا شَمَّ	مِنْ شَمَّةٍ
ج) عَيْنٌ جَارِيَةٌ	قَوْمًا جَبَارِينَ	مُوصِّ جَنَّفَا	مِنْ جُجُوعٍ
د) قَنْوَانٌ دَانِيَةٌ	دَكَّادَكَ	بَعْضٌ دَرَجَاتٍ	مِنْ دُونِهَا
ذ) عَزِيزٌ ذُو اِنْتِقامٍ	قَائِمًا ذَالِكَ	حَقٌّ ذَالِكَ	مِنْ ذَالِكُمْ
ز) حَوِيدٌ زَعْمَ	وَطَرَا زَوَّجَنَّكَهَا	بَعْضٌ زُحْرُفٌ	مِنْ زَكَّاهَا



س) فَوْجٌ سَالِئُمْ	وَلَدًا سَبَحَتْهُ	كَلِمَةٌ سَوَاءٌ	مِنْ سُنْدُسٍ
ش) عَذَابٌ شَدِيدٌ	عَدُوًا شَيَاطِينٍ	نَفْسٌ شَيْئًا	مِنْ شَرِّ مَا
ص) بَقْرَةٌ صَفَرَاءٌ	صَفَّا صَفَّا	بَرْبَعٌ صَرَصَرٌ	مِنْ صَلَصَالٍ
ض) مُسْفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ	ذُرِيَّةٌ ضَعْفَانِ	فُوَّةٌ ضَعْفَانِ	مِنْ ضَرِيعٍ
ط) فَنِيهَةٌ طَعَامٌ	حَلَالًا طَيْبًا	سَوَاتٌ طِبَاقًا	مِنْ طُورٍ
ظ) سَحَابٌ ظَلَمَاتٌ	ظِلَالٌ ظَلِيلًا	قَوْمٌ ظَلَمُوا	مَنْ ظُلِمَ
ف) مَرَضٌ فَرَادَهُ	نَارًا فَلَمَّا	كَلِمَاتٌ فَتَابَ	مَنْ فِيهَا
ق) سَبِيعٌ قَرِيبٌ	خَلِيفَةٌ قَالُوا	شَغْرٌ قَدِيرٌ	مِنْ قَبْلٍ
ك) ءَايَةٌ كَذَالِكَ	فَرِيقًا كَذَبْتُمْ	حِسَابٌ كَانَ	إِنْ كُنْتُمْ



سُورَةُ الْحَدِيدِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ أَعْزَى الرَّحِيمِ<sup>١</sup> لَهُ، مُلْكُ السَّمَاوَاتِ  
وَالْأَرْضِ يُحْكِمُ وَيُمْكِنُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ<sup>٢</sup> هُوَ الْأَوَّلُ وَالآخِرُ وَالظَّاهِرُ  
وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ<sup>٣</sup> هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سَتَةٍ  
أَيَّامٍ ثُمَّ أَسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلْجُفُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزَلُ  
مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعْلُومُ أَيِّنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ مِمَّا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ<sup>٤</sup>  
لَهُ، مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ<sup>٥</sup> يُوَلِّ اللَّيلَ فِي النَّهَارِ  
وَيُوَلِّ النَّهَارَ فِي اللَّيلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ<sup>٦</sup> إِذَا مَنَّوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ  
وَأَنْفَقُوا بِمَا جَعَلَكُمْ مُسْتَحْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ إِذَا مَنَّوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ  
كَبِيرٌ<sup>٧</sup> وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرِبِّكُمْ وَقَدْ  
أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ<sup>٨</sup> هُوَ الَّذِي يَنْزَلُ عَلَى عَبْدِهِ مَا يَأْتِي بَيْنَ أَيْمَانِ  
لِئَرِ جَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى الْنُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَؤُوفٌ رَّحِيمٌ<sup>٩</sup> وَمَا لَكُمْ  
إِلَّا شَنَفُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيراثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ  
أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ  
وَقَاتَلُوا وَكُلَّا وَعْدَ اللَّهِ أَلْحَسْنُ وَاللَّهُ مِمَّا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ<sup>١٠</sup>

### سوره‌ی حديد

به نام خداوند بخشندۀ بخشایشگر.

۱- آنچه در آسمانها و زمین است برای خدا تسبیح می‌گویند؛ و او عزیز و حکیم است. ۲- مالکیت [و حاکمیت] آسمانها و زمین از آن اوست؛ زنده می‌کند و می‌میراند؛ و او بر هر چیز توانا است! ۳- اول و آخر و پیدا و پنهان اوست؛ و او به هر چیز دانست. ۴- او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز [=شش دوران] آفرید؛ سپس بر تخت قدرت قرار گرفت [و به تدبیر جهان پرداخت]؛ آنچه را در زمین فرو می‌رود می‌داند، و آنچه را از آن خارج می‌شود و آنچه از آسمان نازل می‌گردد و آنچه به آسمان بالا می‌رود؛ و هر جا باشید او با شما است، و خداوند نسبت به آنچه انجام می‌دهید بیناست! ۵- مالکیت آسمانها و زمین از آن اوست؛ و همه‌ی کارها به سوی او بازمی‌گردد. ۶- شب را در روز می‌کند و روز را در شب؛ و او به آنچه در دل سینه‌ها وجود دارد دانست. ۷- به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آنچه شما را جانشین و نماینده‌ی [خود] در آن قرار داده انفاق کنید؛ [زیرا] کسانی که از شما ایمان بیاورند و انفاق کنند، اجر بزرگی دارند! ۸- چرا به خدا ایمان بیاورید، و از شما پیمان گرفته است [پیمانی از طریق فطرت و خرد]. اگر آماده‌ی ایمان آوردنید. ۹- او کسی است که آیات روشنی بر بندهاش [=محمد] نازل می‌کند تا شما را از تاریکیها به سوی نور برد؛ و خداوند نسبت به شما مهربان و رحیم است. ۱۰- چرا در راه خدا انفاق نکنید در حالی که میراث آسمانها و زمین همه از آن خدادست [و کسی چیزی را با خود نمی‌برد]! کسانی که قبل از پیروزی انفاق کردند و جنگیدند [با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند] یکسان نیستند؛ آنها بلند مقامتر از کسانی هستند که بعد از فتح انفاق نمودند و جهاد کردند؛ و خداوند به هر دو وعده‌ی نیک داده؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

## مفاهیم

### قرآن و خشوع قلب

خشوع به معنی فروتنی نمودن<sup>۱</sup> و تأثیر قلب از مشاهدهی عظمت کبریاست.<sup>۲</sup>

خشوع دو قسم دارد: ۱- خشوع قلب ۲- خشوع اعضا و جوارح

هرگاه خشوع قلب حاصل شود، خشوع در اعضا و جوارح نیز پدید می‌آید.

- قرآن کریم، خشوع را در نماز و غیر نماز مطرح کرده است. خشوع در نماز عبارت است از خضوع قلب و حضور دل در نماز و سرایت آن به اعضا و جوارح.

در روایت است که شخصی در نماز با ریش خود باز می‌کرد؛ پیامبر اکرم ﷺ

فرمود: «اگر قلبش خاشع بود جوارحش نیز خاشع می‌شد».<sup>۳</sup> خشوع در غیر نماز نیز عبارت است از خضوع قلب در برابر فرمان خداوند و سرایت آن به اعضا و جوارح که به صورت اطاعت و فرمانبرداری از خداوند و آئین الهی بروز نموده و ظهور می‌یابد.

خشوع در برابر خداوند فرع بر دو مطلب است:

- ۱- آگاهی و دانایی: چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «انما يخشي الله من عباده العلماء»<sup>۴</sup> از میان بندگان خدا، تنها داناییان از او می‌ترسند. زیرا داناییان با سیر در آیات آفاقی و انفسی و آگاهی از علم و قدرت پروردگار به مقام خشیت یعنی ترس از مسؤولیت توأم با درک عظمت مقام پروردگار نایل شده‌اند.<sup>۵</sup> و خشیت که به معنی ترس همراه با تعظیم و برخاسته از آگاهی است<sup>۶</sup> مقدمه ظهور خشوع است.

۱. دائرة المعارف لغات قرآن مجید ج ۱ ص ۲۲۰

۲. المیزان ج ۱۴ ص ۴۴۶

۳. الطیب البیان ج ۹ ص ۲۵۶

۴. الفاطر / ۲۸

۵. تفسیر نمونه ج ۱۸ ص ۲۴۷

۶. تفسیر نمونه ج ۹ ص ۴۹۵

۲- ایمان حقيقی به خدا و آئین الهی: «...لَمْنَ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَمَا  
أُنْزَلَ إِلَيْهِمْ خَاطِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرِونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثُمَّاً فَلِيَلَا...»<sup>۱</sup> «واز اهل کتاب کسانی  
هستند که به خدا و آنچه بر شما نازل شده و آنچه بر خودشان نازل گردیده، ایمان  
دارند، در برابر فرمان خدا خاضعند و آیات خدا را به بهای ناچیزی نمی فروشنند...»  
کسانی که به خدا و آئین حق ایمان دارند در برابر آن خاضعند و دین را کالای  
زندگی نمی سازند.<sup>۲</sup>

آنار خشوع عبارت است از:

۱- التجاء به خداوند<sup>۳</sup>

۲- فرمانبری از خداوند<sup>۴</sup>

۳- خوف و رجاء<sup>۵</sup>

۴- عدم دین فروشی<sup>۶</sup>



۱. آل عمران / ۱۹۹

۲. پرتوی از قرآن ج ۵ ص ۴۶۳

۳. الانبیاء / ۹۰

۴. البقره / ۴۵

۵. الانبیاء / ۹۰

۶. آل عمران / ۱۹۹

## درس ۱۴

### احکام مد

مد در لغت به معنای فزونی، زیادت، کشش و در اصطلاح عبارت است از امتداد صوت در حروف مدنی بیش از میزان طبیعی.

#### عناصر تشکیل دهنده مد:

برای کشش مدنی، دو عنصر «حروف مدنی» و «سبب مدنی» نیاز می‌باشد.

(الف) حروف مدنی که عبارتند از: «الف»، «و» و «ی».

(ب) اسباب مدنی که عبارتند از: همزه و سکون. تشدید هم به خاطر آنکه یک حرف ساکن در آن نهفته است، سبب مدنی محسوب می‌شود. بدین معنا که هرگاه بعد از حروف مدنی، اسباب مدنی قرار بگیرد باعث به وجود آمدن مدنی شود.

مد بر دو قسم است: (الف) مدنی اصلی (ب) مدنی فرعی.

(الف) مدنی اصلی: هنگامی است که حروف مدنی بدون سبب آمده باشند، مانند: **اوَّيْتَا، اَتُّوْنِي، نُوْجِيْهَا**

(ب) مدنی فرعی: در صورتی است که بعد از حروف مدنی یکی از اسباب مدنی آمده باشد.

#### أنواع مدنی فرعی:

(الف) مدنی متصل: آن است که حروف مدنی کی از حروف (الف، و، ی) و سبب آن (همزه) در یک کلمه باشد، مقدار کشش آن ۴ حرکت می‌باشد.

مانند: **جَاءَ، سُوَءَةَ، چَيَّةَ، قَاءَهَا، سَيَّرَبِهِمْ، لَتَنْتَوْهُ**



ب) مد منفصل: آن است که حرف مد یکی از حروف (الف، و، ی) و سبب آن (همزه) در دو کلمه آمده باشد. **إِنَّا أَتَرْلَنَاهُ فِي أَنْفُسِهِمْ لَا أُشْرِكُ بِمِهِ أَحَدًا إِنَّا أَذْعُوا قَالُوا إِنَّا مقدار کشش ۲ الی ۴ حرکت می باشد.**

#### مد لازم :

آن است که بعد از یکی از حروف (ا، و، ی) الف) سکون ذاتی قرار گیرد، مانند: **دَأَبَةٌ كَافَةٌ شَغَّلُونَ فِيهِمْ تَأْمِرُونَيْ - أَتَحَا جَهَوَنَيْ** که مقدار کشش آن ۶ حرکت می باشد. سبب مد لازم مخفف «سکون» است، مثل الان و زمانی مثقال (تشدید) است. مانند **وَلَا الصَّالِيْنَ**.

#### ب) سکون عارضی:

در صورتی که بعد از حرف مد، سکون عارضی قرار گیرد که در هنگام وقف ایجاد می شود، بین ۲ الی ۶ حرکت کششی دارد.

مانند، **يَعْلَمُونَ** → **يَعْلَمُونَ** **تَنَامُ** → **تَنَامُ** **مُجْرِمِيْنَ** → **مُجْرِمِيْنَ**.

یادسپاری: میزان کشش مد، حداقل ۲ حرکت و حداقل ۶ حرکت است.

کشش صوت در حروف مدي به میزان ۲ حرکت را قصر گویند.

کشش صوت در حروف مدي به میزان ۴ حرکت را توسط گویند.

کشش صوت در حروف مدي به میزان ۶ حرکت را طول گویند.

#### مد لین:

در صورتی که بعد از دو حرف لین [واو ساکن ماقبل مفتوح (ے و) و یاء

ساکن ماقبل مفتوح (ے ی)]. حرف ساکن واقع شود، آن را مد لین گویند و مانند

مد عارضی از ۲ الی ۶ حرکت کشیده می شود.

مانند: **خَوْفٌ - بَيْتٌ**



سُورَةُ الْجَادِلَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي رُوْجَهَا وَتَشَكِّي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَ كُلَا إِنَّ  
اللَّهَ يَهْبِطُ بَصِيرًا ﴿١﴾ الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَاءِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَا هُنْ إِلَّا  
إِلَيْهِ وَلَدَنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَرُؤْرًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌ عَفُورٌ ﴿٢﴾ وَالَّذِينَ  
يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَاءِهِمْ شَيْءًا يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَخْرِيرُ رَبْتَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّ ذَلِكُمْ  
تُوعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ مَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٣﴾ فَنَّ لَمْ يَحِدْ فَصِيامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ  
قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّ فَنَّ لَمْ يَسْتَطِعْ فَأَطْعَامُ سِتَّيْنَ مِنْكِيَّنَا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ  
وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِيْنَ عَذَابُ الْيَمِّ ﴿٤﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُحَاجُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُثُرًا  
كَمَا كُبِّتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِيْنَ عَذَابٌ مُهِينٌ ﴿٥﴾  
يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُبَيِّنُهُمْ بِمَا عَلِلُوا أَحْصَنَهُ اللَّهُ وَنِسْوَهُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
شَهِيدٌ ﴿٦﴾ الْفَتَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ مَخْبُونِي  
ثَلَاثَةٌ إِلَّا هُوَ رَاعِيْهُمْ وَلَا حَمَسَةٌ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا آذِنَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْرَرُ إِلَّا هُوَ  
مَعْهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا شَيْئًا يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَلِلُوا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّ اللَّهَ يُكَلِّ شَفَوْءَ عَلِيمٌ ﴿٧﴾  
الْفَتَرَ إِلَى الَّذِينَ نَهُوا عَنِ النَّجْوَى شَيْئًا يَعُودُونَ لِمَا نَهُوا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِالْأَذْمَمِ وَ  
الْعُدُوانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَإِذَا جَاؤُكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحِبِّكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي  
أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ مَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمْ يَصْلُوْنَهَا فَيُشَكَّسَ الْمَصِيرُ ﴿٨﴾

## سوره‌ی مجادله

به نام خداوند بخشنده‌ی بخشایشگر.

- ۱- خداوند سخن زنی را که درباره‌ی شوهرش به تو مراجعه کرده بود و به خداوند شکایت می‌کرد شنید [و تقاضای او را اجابت کرد]: خداوند گفتگو شما را با هم [و اصرار آن زن را درباره‌ی حل مشکلش] می‌شنید؛ و خداوند شنوا و بیناست. ۲- کسانی که از شما نسبت به همسرانشان «ظهار» می‌کنند [و می‌گویند: (أَنْتَ عَلَى كَفْلِهِ أُمِّي = تو نسبت به من به منزله‌ی مادرم هستی)]. آنان هرگز مادرانشان نیستند؛ مادرانشان تنها کسانی‌اند که آنها را به دنیا آورده‌اند! آنها سخنی رشت و باطل می‌گویند؛ و خداوند بخشنده و آمرزنده است!
- ۳- کسانی که همسران خود را «ظهار» می‌کنند، سپس از گفته‌ی خود بازمی‌گردند، باید پیش از آمیزش جنسی با هم، برده‌ای را آزاد کنند؛ این دستوری است که به آن اندرز داده می‌شود؛ و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است! ۴- و کسی که توانایی [ازاد کردن برده‌ای] نداشته باشد، دو ماه پیاپی قبل از آمیزش روزه بگیرد؛ و کسی که این را هم نتواند، شصت مسکین را اطعم کند؛ این برای آن است که به خدا و رسولش ایمان بیاورید؛ اینها مرزهای الهی است؛ و کسانی که با آن مخالفت کنند، عذاب دردناکی دارند!
- ۵- کسانی که با خدا و رسول دشمنی می‌کنند خوار و ذلیل شدند آن گونه که پیشینیان خوار و ذلیل شدند؛ ما آیات روشی نازل کردیم، و برای کافران عذاب خوارکنندگان است.
- ۶- در آن روز که خداوند همه‌ی آنها را برمی‌انگیزد و از اعمالی که انجام دادند با خبر می‌سازد، اعمالی که خداوند حساب آن رانگه داشته و آنها فراموش شرکند؛ و خداوند بر هر چیز شاهد و ناظر است! ۷- آیا نمی‌دانی که خداوند آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است می‌داند؛ هیچ گاه سه نفر با هم نجوا نمی‌کنند مگر اینکه خداوند چهارمین آنهاست، و هیچ گاه پنج نفر با هم نجوا نمی‌کنند مگر اینکه خداوند ششمین آنهاست، و نه تعدادی کمتر و نه بیشتر از آن مگر اینکه او همراه آنهاست هر جا که باشند، سپس روز قیامت آنها را از اعمالشان آگاه می‌سازد، چرا که خداوند به هر چیزی دانست! ۸- آیا ندیدی کسانی را که از نجوا [= سخنان در گوشی] نهی شدند، سپس به کاری که از آن نهی شده بودند بازمی‌گردند و برای انجام گناه و تعدی و تافهانی رسول خدا به نجوا می‌بردازند و هنگامی که نزد تو می‌ایند تو را تحيتی [و خوشامدی] می‌گویند که خدا به تو نگفته است، و در دل می‌گویند: «چرا خداوند ما را به خاطر گفته‌هایمان عذاب نمی‌کند؟!» جهنم برای آنان کافی است، وارد آن می‌شوند، و چه بد فرجامی است!

### نزدیکی خدا به انسان

نزدیکی و قرب خدا و انسان از دو وجه قابل بررسی است: ۱- نزدیکی و قرب خداوند به انسان: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْأَنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تَوَسَّوْنَ بِهِ نَفْسَهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»<sup>۱</sup> ما انسان را آفریدیم و وسوسه‌های نفس او را می‌دانیم و ما به او از رگ قلبش نزدیک تریم. این آیه بیان می‌کند که خداوند حتی به آنچه در زوایای دل انسان می‌گذرد آگاه است. این مفهوم در آیه‌ی «...وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ...»<sup>۲</sup> و بدایید خداوند میان انسان و قلب او حایل می‌شود؛ نیز مطرح شده و بیان می‌کند که خدا بین انسان و قلبش حائل و واسطه است<sup>۳</sup> و این معنی کنایه از احاطه‌ی قیومی و علمی خداوند نسبت به انسان است.<sup>۴</sup>

۲- نزدیکی بنده به خدا: نزدیکی بنده به خدا در حقیقت متصف شدن انسان به صفات الهی در حد وسع وجودی خویش است. صفاتی نظیر علم، حکمت، حلم، رحمت، بی‌نیازی و ... که این صفات در انسان با زایل کردن پلیدی‌ها و زشتی‌ها حاصل می‌شود. این نوع نزدیکی در حقیقت نزدیکی روحانی و معنوی است. بر این اساس خداوند در حدیثی قدسی فرموده است: «مَنْ تَقَرَّبَ إِلَيَّ شَبَرًا تَقَرَّبَ إِلَيْهِ زَرَاعًا» هر کس به اندازه‌ی یک وجب به من تقرّب جوید من چندین برابر به او نزدیک می‌شوم<sup>۵</sup> و در حدیث قدسی دیگر فرموده است: «بنده با چیزی به اندازه‌ی انجام واجبات به من نزدیک نمی‌شود و پس از آن با انجام مستحبات

۱. ق / ۱۶ همچنین ن.ک: البقره / ۱۸۶ و الحديدة / ۴

۲. الانفال / ۲۴

۳. العیزان ج ۱۸ ص ۵۱۹

۴. اطیب البیان ج ۱۲ ص ۲۴۵

۵. الطلاق / ۱۲

۶. المفردات ص ۳۹۹

چنان به من نزدیک می‌شود که من او را دوست می‌دارم»<sup>۱</sup>  
 بر این اساس می‌توان گفت که این انسان است که با اعتقادات و اعمال  
 ناصواب خود موجب بُعد و دوری خود از رحمت و تفضلات الهی می‌شود زیرا  
 خداوند فرموده است «الَّذِي طَلَبَنِي وَجَدَنِي» آگاه باشید هر که مرا طلب کند  
 می‌یابد.<sup>۲</sup> پس حضور و نزدیکی قیومی و علمی خداوند دائمی است اما انسان به  
 سبب جهالت، عصيان و آسودگی به پلیدی گناهان، موجبات دوری خود از مقام  
 حضور در بارگاه الهی را فراهم آورده و خود را از مقام قرب محروم می‌سازد.



۱. المفردات ص ۳۹۹

۲. تفسیر منهج الصادقین ج ۹ ص ۱۰

دعای پایان تلاوت قرآن

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ أَخْبَاتَ الْحُسْنَى وَ إِخْلَاصَ  
الْمُؤْمِنِينَ وَ مُرْفَقَةَ الْأَبْرَارِ وَ اسْتِحْقَاقَ حَقَائِقِ  
الْإِيمَانِ وَ الْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ  
وَ عُجُوبَ رَحْمَتِكَ وَ عَزَمَتِكَ وَغَفَرَتِكَ وَالْفُوزَ بِالْجَنَّةِ  
وَ التَّبَّاجَةَ مِنَ النَّارِ.

پروردگارا! فروتنی خاشعان، اخلاص اهل یقین،  
هراهی بانیکوکاران، شایستگی حقیقت‌های ایمان،  
بهره‌مندی از هرنیکی و سلامت از هر گناهی، دریافت  
رحمت، قرار گرفتن در جایگاه آمرزش، رستگاری  
به بهشت و نجات از دوزخ را از تو درخواست می‌کنم.





علم قرائت قرآن درباره تلفظ صحیح کلمات قرآن کریم بحث می کند تا با رعایت آن ، قرآن کریم به همان شیوه ای که در آغاز نزول خوانده و شنیده شده قرائت شود و از تحریف و تغییر مصون ماند و نیز آهنگ زیبا ، وزین و دلنشیں آن با مرور زمان از بین نمود . پیدایش علم قرائت قرآن کریم در زمان پیامبر گرامی اسلام (ص) و همزمان با نزول قرآن بوده و در حقیقت قرائت قرآن به عنوان اولین علم در اسلام شناخته شده است .



9 786005 575194

نشریات کیما ایران